

سبیل اللہ

ویژہ نامہ بزرگداشت استاد محمد تقی مروت

سال یازدهم • دی ماه ۹۵ • شماره ۱۲۶

مدیر مسئول: حمید صابر فرزام

سر دبیر: حمید رضایونسی

مدیر اجرایی: محمدحاتمی

دبیر تحریریه: صدیقه صادقین

مدیر هنری: علیرضا عبادی

ویراستار: محمد پارسائیان، مینا حیدری

عکس: حسن آقا محمدی، طاهره بابایی، حمید پاک نیت، نقی خوش خلق

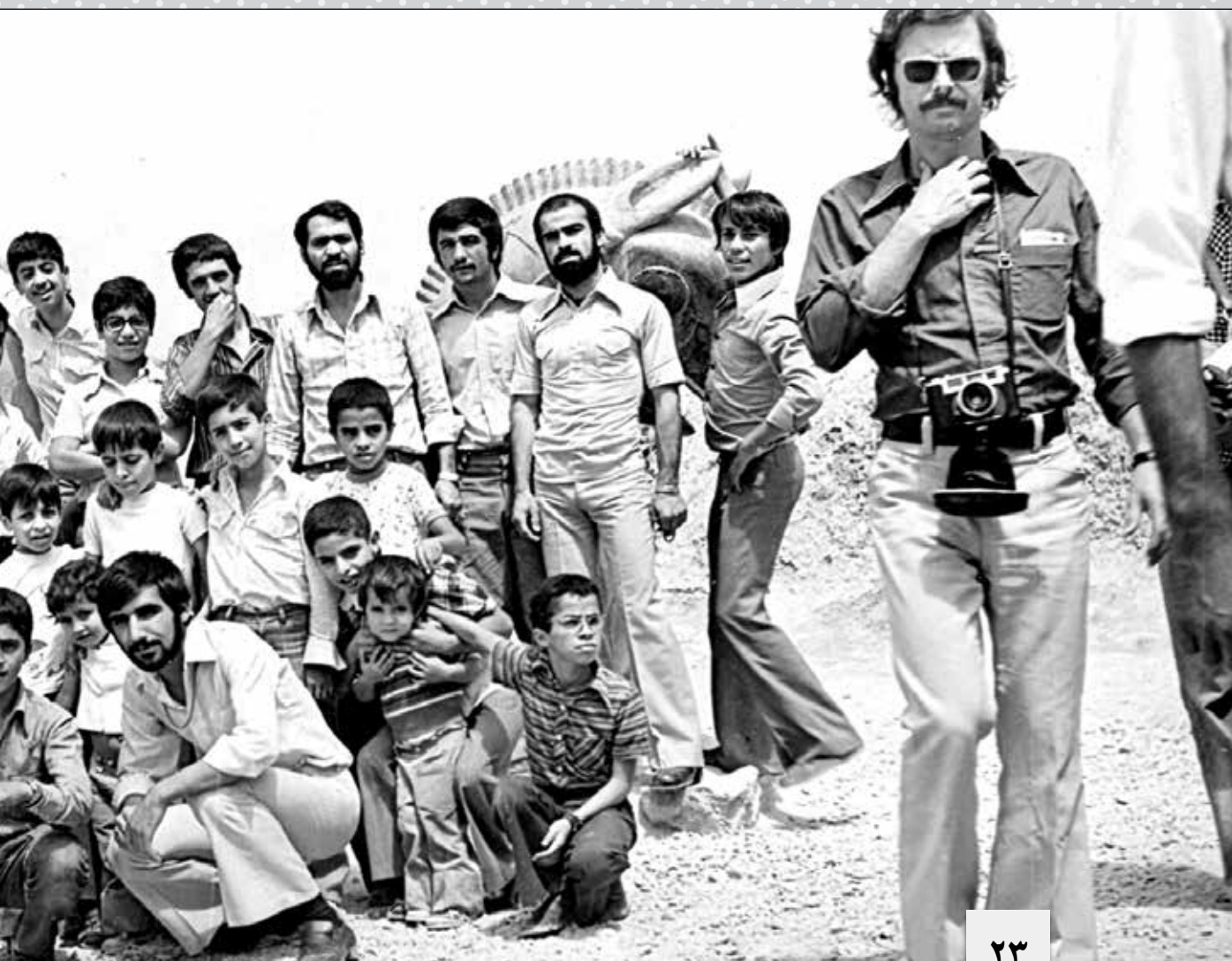
علی مختاری

همکاران این شماره: سمیرا باجهد انصاری، مجتبی افشار

سید حسین بهشتی شکیب، جواد پار سامهر، مهدیه حاجی قاسم

معصومه السادات حسینی، مریم رجبی، نفیسه رستمی

سید علی شاکری، مریم علئی، تیمور کاکایی



۲۲



استاد دریادها
بزرگداشت
استاد مروت

۲۳



به روایت شاکردان
بزرگداشت
استاد مروت

۱۹

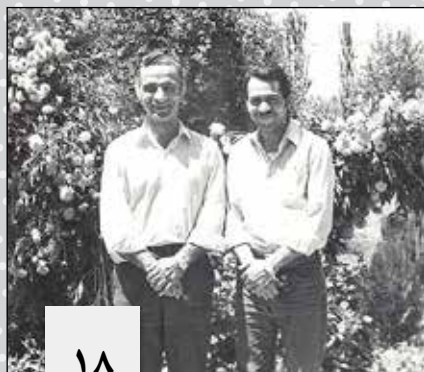


در مسیر سرنوشت
بزرگداشت
استاد مروت

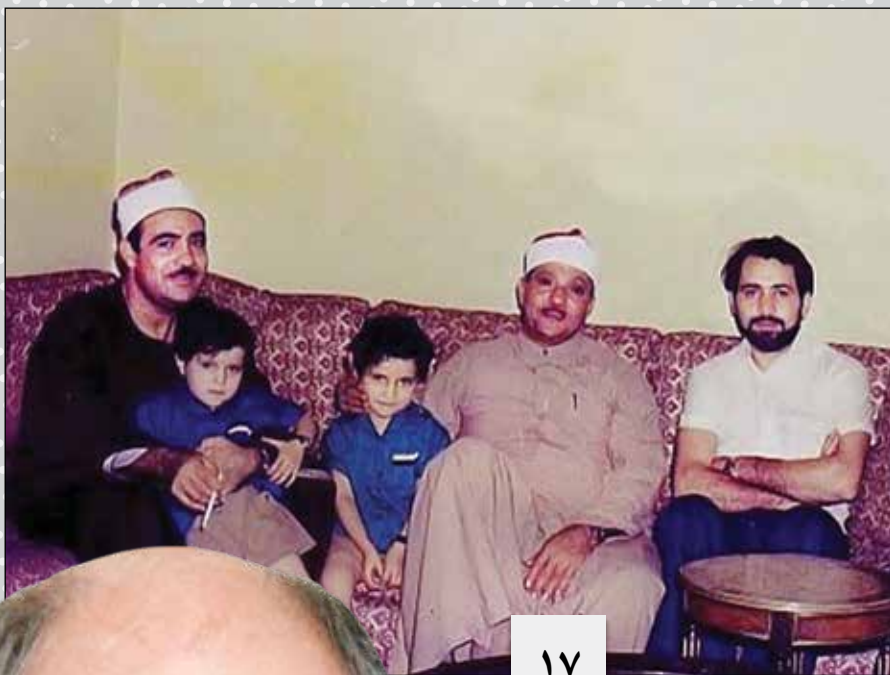
۶



۷۰



۱۸



۱۷



بزرگداشت
استاد مروت
درس گفته‌ها

۵۱

۱۳۴۷-۱۳۵۱



- حضور در مسابقات قرآن اوقاف برای سنجش سطح تلاوت
- نخستین سفر به مشهد مقدس و آشنایی با قاریان این شهر
- حضور در مسابقات جهانی قرآن مالزی و عدم کسب رتبه
- شنیدن صدای استاد «مصطفی اسماعیل» از طریق بلندگوهای مسجدی در پایتخت مالزی و شیفتگی
- پیروزی در مسابقات داخلی و بار دیگر اعزام به کشور مالزی و در یافت رتبه دوم
- آشنایی با خلیل الحصری در کوالالمپور

۱۳۲۳ - ۱۳۴۶



- تولد در محله سنگلج تهران
- همراهی با پدر در مجالس تفسیر قرآن مرحوم «آیت الله محمد تقی آملی» در مسجد مجدالدوله
- سن ۹ سالگی، نخستین ارتباط با قرائت قرآن
- ورود به جلسه مرحوم استاد محمدباقر فانی، تنها استاد مباشر و مستقیم
- رسیدن به درجه معلمی قرآن در سن ۱۲ سالگی
- دیداری شیرین با آیت الله العظمی بروجردی در قم
- عشق به یافتن اسرار قرائت صحیح قرآن و جهدی فراوان برای تشکیل جلسات متعدد آموزش قرآن

زندگی نامه استاد محمد تقی مروت

رسم مروت



مشکل نفس

از دیر زمان قاریان قرآنی که در قید تلاوت درست قرآن نبودند و آن را صرفاً برای کسب شهرت و محبوبیت کاذب میان مستمعین می خواندند، مبتلا به یک مشکل اساسی بودند که تلاوت صحیح قرآن را تحت الشعاع خود قرار می داد. این مشکل اساسی، همانا تجدید نفس به هنگام وصل کلمات قرآنی است. در گذشته قاریان قرآن این مسأله را رعایت می کردند و به ندرت شخصی پیدا می شد که به این حکم عمل نکند. عمل گرفتن نفس حین تلاوت قرآن، در میان قراء به «نفس دزدی» معروف شده که اصطلاحی درست است.



فقط تجوید

قاریان جوان ما دنبال مقامات افتاده اند، خیلی نمی خواهیم درباره مقامات صحبت کنیم، ولی همین قدر بدانید که اگر روزی قرار باشد جلسه قرآنی در ایران دایر کنم، تابلویی بر سر در این جلسه قرآن می زنم و روی آن می نویسم: «فقط تجوید». مقامات، صوت، لحن، نفس و... همه بعد از تجوید است و خود به خود بعد از یاد گرفتن کامل تجوید می آید. قاریان جوان باید اول توجه به تجوید داشته باشند، نمی توان سقف یک خانه را بدون ساختن پایه های آن بنا کرد.

۱۳۵۳-۱۳۵۲



- حضور دیگر بار در کشور مالزی و این بار در یافت رتبه اول و کسب افتخاری برای شیعیان و ایرانیان
- توجه حکومت طاغوت به قاری جوان و آغاز تنش هایی سخت در زندگی

۱۳۸۷-۱۳۵۴



- سفر به مصر و تحقق آرزوی دیدن قاریان مصری
- معاشرت با قاریان بزرگ مصری مانند مصطفی اسماعیل، عبدالباسط محمد عبدالصمد، شیخ محمود خلیل الحصری، شیخ محمود علی البناء و دیگر قاریان بزرگ مصر
- ارتقای دانش قرائت قرآن، تلاوت در محافل مصر و تکمیل زبان عربی و آشنایی با لهجه مصری
- همکاری با رادیو برای ضبط تلاوت، سخنرانی واعظان و قاریان مشهور مصری
- بازگشتی کوتاه به ایران در سال ۵۸ و بازگشتی مجدد به مصر
- دی ماه ۱۳۶۱ مهاجرت به کانادا به دلیل فشار دولت مصر
- آموزش قرآن به مسلمانان مقیم کانادا به زبان های فارسی، انگلیسی و عربی
- تألیف کتب و نگارش مطالب به ویژه درباره تجوید قرآن به زبان های فارسی و انگلیسی

۱۳۸۸-۱۳۹۵



- سفری چندماهه به ایران و دیداری با شاگردان
- شنیده شدن نام استاد از رسانه ها و آشنایی جوانان با این پیشکسوت قرآنی و نظراتش
- بازگشت به سوی معبود به تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۹۵ مطابق با شب عاشورای حسینی (ع)
- بدرقه در آغوش جامعه قرآنی (۸ آبان ۱۳۹۵)

قاریان بزرگ و وظیفه ما

همیشه به شاگردانم توصیه می کنم که برای یادگیری تجوید به تلاوت های شیخ محمود خلیل الحصری گوش دهند. ایشان حتی بسیار صحیح تر از عبدالباسط در زمینه تجوید تلاوت می کند. اما در مقام القای معانی آیات قرآن هنگام تلاوت توصیه ام این است که قاریان به شیخ مصطفی اسماعیل رجوع کنند، چون ایشان روحیه خاصی در این زمینه داشتند، گویا شیخ، معانی، تفسیر و شأن نزول آیات قرآن را به خوبی می دانست و به همین دلیل می توانست این معانی را در تلاوتش به مستمع بفهماند. باید قبول کرد که هیچ یک از قاریان معروف، کمال مطلق در تلاوت نیستند، مگر تلاوت پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع). حتی در تلاوت های شیخ حصری و شیخ عبدالباسط هم کمال تجوید رعایت نمی شود.

کشف راز تلاوت مصری

آن زمان، ما فقط به تلاوت مرحوم شیخ عبدالباسط دسترسی داشتیم. بعد از شنیدن تفاوت سبک تلاوت ایشان و سبک آن زمان ایران در شگفت بودم و تصمیم گرفتم تا سر این معما را کشف کنم. رفتم دنبال کتب تجوید در کتابخانه ها، سرانجام در کتابخانه ملک در بازار تهران مجموعه «النشر فی القرائات العشر» ابن الجزری را یافتیم و هر روز برای مطالعه آن به کتابخانه می رفتم، چون نمی گذاشتند کتاب را به منزل ببرم. با هر مشقتی بود با استفاده از لغتنامه و ترجمه بخش هایی از النشر و همین طور نسخه برداری و فهم معانی آن کم کم رمز و راز تفاوت تلاوت قرآن به سبک ایرانی با سبک مصری را کشف کردم.

سخن نخست

قال رسول الله (ص): من تعلم القرآن و تواضع في العلم و علم عبادة الله و هو يريد ما عند الله لم يكن في الجنة اعظم ثواباً منه و لا اعظم منزلة منه و لم يكن في الجنة منزلة و لا درجة رفيعه؛ رسول خدا (ص): فردی که قرآن را یاد بگیرد و متواضع در علم باشد و آن را به بندگان خدا بیاموزد و اجرش را از خدا بخواهد، در بهشت بزرگتر از ثواب او و بزرگتر از مقام و منزلت او چیزی نیست و در آنجا بالاترین مقام ها و شریفترین منازل برخوردار است. (عقاب الاعمال، ص ۵۱)

خالق جهان و صاحب قرآن را شاکریم که فرصتی داد تا برای معرفی یکی از خادمان عرصه آموزش و ترویج قرآن قدم برداریم، انسانی که از بدو کودکی عشق به قرآن در او نهادینه شد و تا آخرین لحظات عمرش عاشقانه بر سر عهدش ماند و عمری پای رحل قرآن، یاد گرفت و یاد داد.

استادالاساتید مرحوم «محمدتقی مروت»، حضورش در ایامی که جوانان کشورمان، تشنه دانستن قرآن و شنیدن آیات روح بخشش بودند، همیشگی بود و به اذعان همگان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام دل مشغولی اش برگزاری هر روزه جلسات و حلقه های آموزش قرآن بود؛ آن هم نه جلسه صرفاً برای قرائت قرآن، بلکه جلساتی برای آنکه همگان، تلاوت صحیح را آموزش ببینند و به خوبی یاد بگیرند تا خود معلمی دیگر شوند و بر این امر بسیار مصر بود. از استاد مروت به عنوان پیشتاز در عرصه تلاوت صحیح قرآن نام می برند و فردی که بدون استاد به مقام استادی رسید و بسیاری از شاگردانش را به استادی رساند. مرحوم مروت، تمامی دانش قرآنی خود و آشنایی با طریقه صحیح قرآن را با مطالعه کتب و بدون استاد آموخت. می توان درباره زندگی

محمدتقی مروت اینگونه فکر کرد که خستگی ناپذیر تلاش کرد که بیاموزد و آموزش دهد؛ چرا که می دانست عمر ماندنش در وطن، کوتاه است و باید عزم دیار دیگری کند. دورانی کوتاه اما پر خیر و برکت در ایران داشت و با تسلط کامل بر دوزبان انگلیسی و عربی به سرزمین دیگری رفت تا آنجانیز مسلمانان از دیگر ملل را به دور خود جمع کند.

برآنیم تا در شماره دیگری از «رایحه» (نشریه تخصصی خبرگزاری بین المللی قرآن) تا حدودی با ویژگی های شخصیتی استاد مروت آشنا شویم؛ به ویژه پیگیری او در آشنایی با ابعاد مختلف قرائت قرآن، شیوه تدریس و توجه به نکات آموزشی را بیان کنیم، اما به طور حتم بسیاری از ابعاد وجودی و شخصیتی این معلم قرآن ناشناخته می ماند که به گفته دوستان و فرزندان، خود علاقه ای به بیان آن نداشت.

آنچه که در این نشریه گرد آمده است، بخش بیشتر آن طی دو سال اخیر، توسط خود استاد در اختیار خبرنگاران اینکا قرار گرفته است از جمله زندگینامه ای به قلم استاد، تصاویر و ارائه بخشی از کتاب ایشان که هنوز به چاپ نرسیده است که این موارد در چهار بخش با عناوین در مسیر سرنوشت، به روایت شاگردان، استاد در یادها و درس گفته ها گنجانده شده است.

به هنگام انتشار این نشریه هنوز به همه دست نوشته های استاد به ویژه مقالاتی که با اسم مستعار در نشریات و سایت های عربی در مخالفت با افکار وهابی و پاسخ به شبهات توسط استاد مروت منتشر شده است، دست نیافته ایم.

امید است این مجموعه راهگشای بسیاری از قرآن آموزان و قاریان جوان باشد.

بزرگداشت
استاد مروت

در مسیر سرنوشت





زندگی‌نامه فوئد نوشت استاد مروت

از جلسات تهران تا محافل قرآنی در مصر



ویژه‌نامه
بزرگداشت
استاد مروت

ندارد و قصد دارد، مرا به جلسات درس مرحوم مغفور «ملا محمد باقر فانی» رضوان الله تعالی علیه راهنمایی کند. مرحوم فانی، استادی بود بسیار باتقوا دارای چهره‌ای نورانی و تبحر ویژه‌ای در تعلیم شاگردانش که من در مدت بسیار کوتاهی روان‌خوانی (بدون قرائت) قرآن را از ایشان به‌خوبی فرا گرفتم و یقین دارم رمز فراگیری سریع من در مدتی کوتاه، به‌خاطر ساده‌خوانی‌ام بود که همه تمرکز را در یافتن حروف و ترکیب حرکات و دیگر احکام تجوید به‌کار می‌بردیم و ضمناً می‌ترسیدیم که به‌اصطلاح با قرائت بخوانیم. به‌عنوان مثال چون می‌دانستند که من صدای خوبی دارم از من بارها خواستند با صوت بخوانم ولی من خجالت می‌کشیدم. سرانجام تصمیم گرفتم قرآن را با قرائت بخوانم ولی چون اولین بار بود به علت دستپاچگی به جای «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» گفتیم: «أعوذ بالله من الشیطان

اولین بار قرآن را تلاوت کنم. قاری (معلم) آن جلسه شخصی بود که ما ایشان را به نام «آقارضا» می‌شناختیم. وی هم قاری قرآن، مسئله‌گو، سخنران و نوحه‌خوان آن جلسه بود. در آن شب به مجردی که نوبت خواندن من شد، ایشان جلسه قرآن را ختم کرد تا به بقیه برنامه‌ها بپردازد. من به‌قدری متأثر شدم که شدیداً به گریه افتادم. از علت گریه‌ام جويا شدند و من با گله‌مندی گفتم که این آقا بجز من به همه اجازه داد قرآن بخوانند. ایشان با عذرخواهی و دل‌جوئی از من خواست تا آنجا که مایل هستم قرآن بخوانم. البته این اولین باری بود که من قرآن می‌خواندم و طبیعتاً غلط‌های بسیاری در تلاوت من وجود داشت. پس از چند جلسه وقتی آقارضا علاقه و اشتیاق زیاد مرا برای آموختن تلاوت قرآن به علت سؤال‌های پی‌در پی که از ایشان می‌کردم، دید، فرمود که وی دیگر چیزی برای آموختن به من

«بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على رَحْمَةِ اللهِ للعالمين و خاتم رسله سيدنا و مولانا محمد بن عبدالله و على عترته أهل بيته الأئمة الطيبين الطاهرين المعصومين و رضی الله تعالی عن صحابته الأوفياء المؤمنین الشاکرین الذین اهتدوا بهدیههم و زادهم الله هدی و ایماناً» اینجانب محمدتقی مروت در ۲۲ اسفند سال ۱۳۲۳ ه.ش در چهارراه (میدان) حسن آباد، محله سنگلج تهران به دنیا آمدم. از دوران کودکی به فضل الهی و کمک مرحوم پدرم با حضور در مجالس تفسیر قرآن مرحوم «آیت‌الله محمدتقی آملی» در مسجد «مجدالدوله» واقع در شرق میدان حسن آباد با قرآن کریم آشنا شده و روح و جانم با مهر کلام مقدس خداوند سرشته شد. حدود ۹ سال داشتم که برای نخستین بار پشت رحل قرآن در جلسه‌ای که در منزل مرحوم دایی‌ام برقرار بود، نشستم و تصمیم گرفتم برای



در مسیر سرنوشت

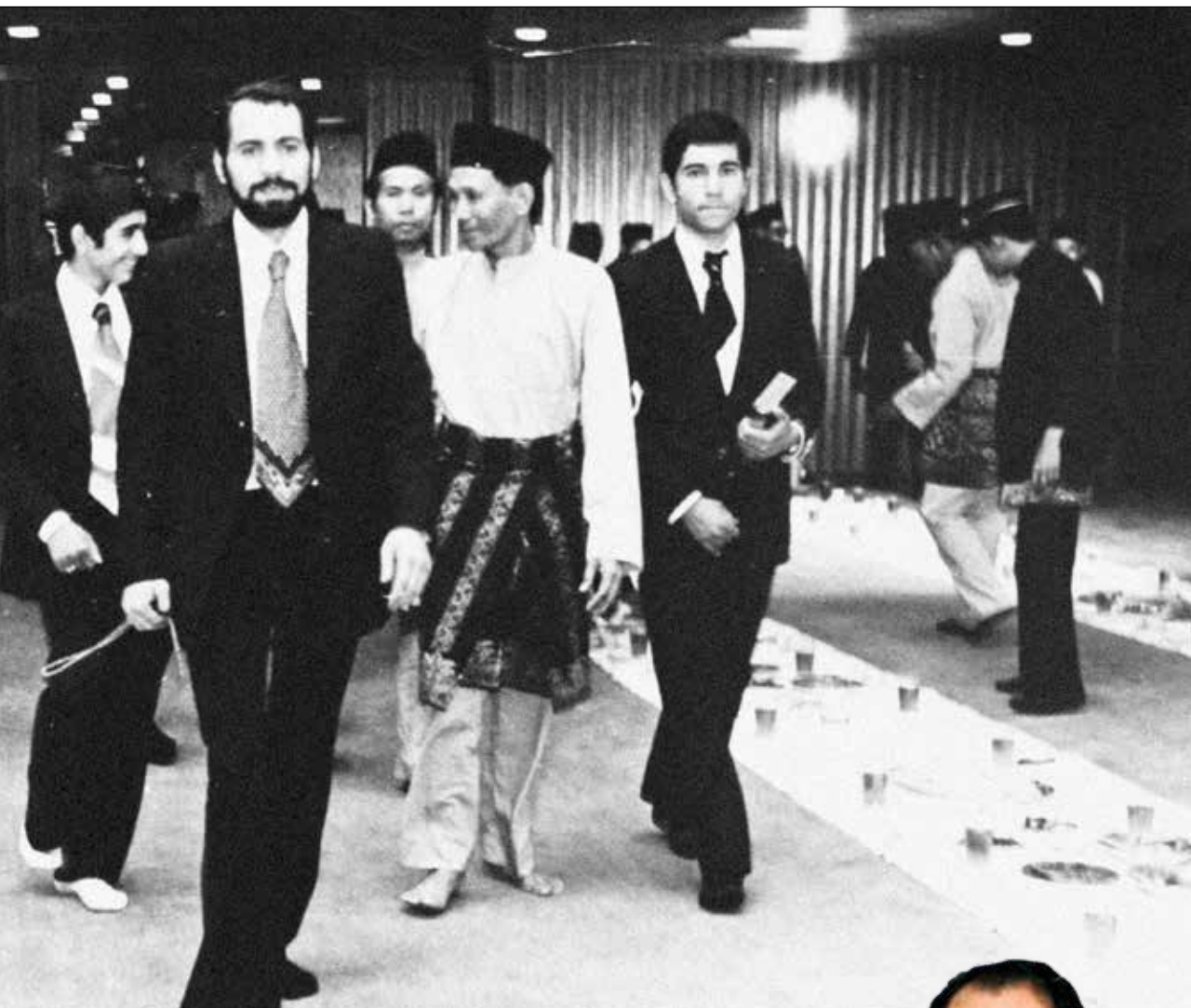
استاد ممتاز شوم، در تابستان سال ۱۳۴۶ در حال بازگشت از کار و رفتن به خانه بودم و با خدای خود راز و نیاز می‌کردم که بار خدایا، هنوز سعادت زیارت آقا امام رضا (علیه السلام) نصیبم نشده است، خدایا آرزویم را برآورده بفرما. در همین هنگام در هشت قدمی خود یک آگهی که به دیوار نصب شده بود، توجهم را جلب کرد. این آگهی از جانب سازمان اوقاف آن زمان که تحت نظارت نخست وزیری اداره می‌شد، منتشر شده بود که طی آن از علاقه‌مندان دعوت شده بود تا برای شرکت در یک مسابقه تلاوت قرآن که قرار بود در تهران برگزار شود، شرکت کنند. من که تا آن زمان نتوانسته بودم، کیفیت تلاوتم را ارزیابی کنم، تصمیم گرفتم در آن مسابقات شرکت کنم تا بدانم تا چه مرحله‌ای در تلاوت قرآن پیشرفت داشته‌ام. غرض از این مسابقات، این بود که طی آن

رفقای محله تصمیم گرفتند، یک جلسه هفتگی، فقط برای تلاوت قرآن داشته باشند و بنده را هم به عنوان معلم خود برگزینند. در همان ایام، مرحوم ابوی ما را برای زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) به قم برد. پس از زیارت برای شرفیابی به حضور « حضرت آیت‌الله العظمی سیدحسین طباطبائی بروجردی » (رضوان الله علیه و قدس سره) راهی منزل معظم له شدیم ولی پس از رسیدن به منزل ایشان، ایشان برای رفتن به حوزه، سوار درشکه شدند و آماده رفتن بودند و من بلافاصله به بالای رکاب درشکه پریدم و پس از بوسیدن دست ایشان، اجازه خواستم تا برایشان قرآن بخوانم. ایشان با خوش‌رویی تمام، اجازه فرمودند و من هم آیه‌الکرسی و دو آیه پس از آن را که خوب حفظ داشتم برای ایشان قرائت کردم. ایشان برای بنده دعا کردند و فرمودند که این شاءالله بزودی یک قاری خوب قرآن و یک

الرحیم! که همه بشدت خندیدند. ناگفته نماند که مرحوم فانی (در راستای مطالعات شخصی‌ام) تنها استاد مباشر و مستقیم بنده بودند که حضوراً و نفس به نفس قرآن را از ایشان فرا گرفتم. روزها به محل سابق « کتابخانه ملک » در بازار سلطانی می‌رفتم و کتاب‌های تجوید و یک نسخه از لغت‌نامه‌های عربی- فارسی را از مسئولان درخواست می‌کردم تا معنای واژه‌های عربی را که نمی‌دانستم با مراجعه به این لغت‌نامه بفهمم. تا ساعت پنج بعد از ظهر که کتابخانه باز بود در آن جا می‌ماندم تا حدی درباره تجوید قرآن مطالعه داشته باشم. ناگفته نماند که استفاده از کتاب‌های کتابخانه ملک فقط در محل آن مقدور بود و به کسی کتاب را امانت نمی‌دادند.

دعای مستجاب آیت‌الله بروجردی

حدوداً ۱۲ سال بیشتر نداشتم که تعدادی از



ویژه‌نامه بزرگداشت استاد مروت



در سال ۱۳۴۸ سازمان اوقاف وقت، مرا به نمایندگی از طرف ایران به مسابقات جهانی مالزی اعزام کرد. در آن سال به علت بی‌تجربگی و نبودن در سطح قاریان جهانی، مقامی نصیبم نشد، اما برای اولین بار صدای ملکوتی امام‌القراء مرحوم استاد شیخ «مصطفی اسماعیل» را که امامت نماز مغرب را برعهده داشت از طریق بلندگوهای بزرگ‌ترین مسجد پایتخت مالزی «نگارا» شنیدم و پس از شنیدن صدای ایشان، صدای قاریان دیگر برایم چندان دلچسب نبود. در سال ۱۳۵۱ پس از پیروزی در مسابقات داخلی، بار دیگر به همین مسابقات، فرستاده شدم. در آن سال، مرحوم شیخ «محمود خلیل الحصری» استاد برجسته و شیخ القراء مصر به عنوان سرپرست هیأت داوران و مرحوم شیخ «فؤاد العروسی» قاری مصری که تا قبل از وفاتش یکی از داوران دائمی این مسابقات بود، به خاطر این که مرا با احتساب ۹۲

سی‌قاری را برگزیده و دو نفر از برگزیدگان را به مراکز استان‌های پانزده‌گانه به مدت چهارده‌روز برای تلاوت قرآن مجید بفرستند. بنده را که از انتخاب‌شدگان بودم به همراه قاری دیگری به مشهد مقدس فرستادند. در دروازه مشهد (گنبدنما) گروهی از اعضای جامعه قاریان قرآن مشهد در انتظار ما بودند و ما به گرمی استقبال کرده و ما را با خود به زیارت حضرت رضاع) و پس از زیارت و ادای واجبات به میهمان‌سرای ایشان هدایت کردند و هر شب و هر روز در جوار آن حضرت با قرآن انس داشتیم و دانستم که حضرت حق تعالی (جل جلاله) دعایم را اجابت فرموده است. پس از آن تقریباً همه‌ساله با گروهی از عاشقان قرآن مجید به پابوس آقا امام رضاع) مشرف می‌شدیم.

مسابقات بین‌المللی قرآن مالزی استاد مروت در میان استادان مصطفی اسماعیل (سمت چپ) و فؤاد العروسی



مسجد تربتی‌های مشهد مقدس



در مسیر سرنوشت

دینی از واعظان سرشناس مصری مانند شیخ «صلاح ابواسماعیل» مدیر دفتر شیخ الازهر، «عبدالحلیم محمود» و «تجدی صالح» و «احمد فرحات» امامان مسجد بود. همه قاریان، ملزم به گفتن «صدق الله العلی العظیم» بوده و سخنوران به هنگام ذکر رسول خدا(ص) ملزم به ذکر «صلی الله علیه و آله و سلم» بوده و به هنگام ذکر نام ائمه طاهرین باید «علیه السلام» و یا «علیهما السلام» و یا «علیهم السلام» را می‌گفتند. این همه برنامه را من با ۱۰ هزار دلار تمام کردم و بقیه بودجه (۱۴۰ هزار دلار) را با دو چمدان برنامه‌های تهیه شده به تهران برده و تحویل دادم. از جمله قاریانی که برای اجرا دعوت شده بود، مرحوم شیخ «احمد الرزیقی» ساکن قاهره و از دوستان صمیمی من بود. استاد رزیقی، تشیع را بر اثر خواندن کتبی که من به او داده بودم با فکری باز و آزاده پذیرفته بود.

تلاوت‌ها بحمدالله موجود است.

در این مرحله به مرور سلسله وقایعی رخ داد که تصمیم گرفتم ایران را ترک کرده و ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۴ به مصر رفتم. البته طبیعی است که یکی از آرزوهای قاریان قرآن، دیدن و ملاقات با قاریان بزرگ مصری مانند «مصطفی اسماعیل»، «عبدالباسط محمد عبد الصمد»، شیخ «محمود خلیل الحصری»، شیخ «محمود علی البناء» و دیگر قاریان بزرگ مصر بود که بحمدالله این آرزو برای من محقق شد و به مدت پنج سال و اندی با این بزرگان معاشرت و رفت و آمد داشتم.

تشیع احمد الرزیقی

آشنایی من با قاریان خارج از قاهره که شناختی از آنان نداشتم از طریق دعوت از آنان برای ضبط برنامه‌های قرآنی و دینی بود و تعداد ۴۵ تلاوت نیم‌ساعته و تعدادی نوار تواشیح و سخنرانی‌های

در صد نفر دوم و قاری مالزیایی را با ۹۲/۲۵ به عنوان نفر اول انتخاب کرده بودند به شدت خشمگین بودند. این حادثه در آن شب بر فضای استادیوم ۵۰ هزار نفری «مردیکا» محل این مسابقات، سنگینی می‌کرد و بسیاری از حاضران در استادیوم پیرامون آن سخن می‌گفتند.

در سال ۱۳۵۲ بار دیگر به این مسابقات اعزام شدم و خوشبختانه برنده اول این مسابقات بودم و طلسم اول شدن قاریان مالزیایی که از بدو برگزاری این مسابقات همیشه اول می‌شدند، توسط یک قاری شیعه ایرانی شکسته شد. پس از بازگشت به وطن، رئیس رادیو ایران مرا در محوطه رادیو در میدان ارک دید و به گرمی از من استقبال کرد و مرا بوسید و دست خود را بر گردنم نهاد و اظهار کرد که به عنوان جایزه دستور خواهد داد که تمام سی‌سی جزء قرآن را با تلاوت من برای رادیو ضبط کنند که هم‌اکنون بسیاری از آن



ویژه‌نامه
بزرگداشت
استاد مروت

ناگفته‌هایی از زندگی نخستین قاری بین‌المللی ایران

در مسیر سرنوشت

موضوعی است که سالیان دراز مرا رنج می‌دهد، نه آزار وجدانی بلکه آزار و اذیت‌های اجتماعی و من آرزو داشته و دارم به وسیله‌ای این معضل را برای همیشه با مردم در میان بگذارم و آنان را از حیثیات سفرم به مصر و آنچه در این مدت بر من گذشت، آگاه سازم. این موضوع مربوط است به سفرم به مصر در چهل سال پیش که در حقیقت به مهاجرت‌م از ایران به مصر، بازگشتم به وطن پس از انقلاب و سفر مجدد به مصر و سرانجام رفتنم به کانادا منجر شد، که ما یلم بدفهمی‌های ایجاد شده نسبت به خود را بر طرف کنم و جزئیات این ماجرا را برای همه توضیح دهم، اما تا بحال بخاطر عدم اعتماد به اخلاقیات برخی افراد این عمل برایم مقدور نبوده است.

داستانی که من می‌خواهم نقل کنم از شبی آغاز شد که بنده مقام نخست تلاوت قرآن مجید در سال ۱۳۵۲ (پنج سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی) را برای اولین بار در مسابقات جهانی قرآن کریم مالزی بدست آوردم که عده‌ای از مفرضان از همان ابتدا آن را حقه‌بازی و کلک‌زنی تلقی می‌کردند و می‌گفتند که یک شخص متنفذ از فلان دستگاه دولتی به رسانه‌ها گفته است که مروت را برنده اعلام کنند، ولی با دیدن مدارک زنده و جوایز که به من داده بودند و مطالعه مندرجات مطبوعات مالزی دیگر خبری از آنان نشد...

شبی که جایزه را به من دادند، بعضی از برگزارکنندگان مسابقات به زبان عربی به من گفتند که این قرآن از دارایی‌های ملت مالزی است و به رسم امانت به مدت یک سال نزد شما خواهد بود و سفارت مالزی آن را از شما مسترد

خواهد کرد. پس از رسیدن به هتل محل اقامت، مسئولی از سفارت ایران در تایلند (ایران در آن زمان در مالزی سفارت نداشت) با من تماس گرفت و گفت شما باید مواظب این قرآن که ملک ملت مالزی است، باشید و ما باید پس از یک سال آن را به این کشور بازگردانیم. در پاسخ به او گفتم که در این جانیز این مطلب را به من فهماندند.

صبح روز بعد نیز سفیر ایران با من صحبت کرد و ضمن تبریک گویی همان مطالب مراقبت از قرآن و بازگشت آن پس از یک سال به مالزی را تکرار و تأکید کرد. این جایزه عبارت بود از یک قرآن خطی قطور قدیمی، دارای ۷۰۰ تا ۸۰۰ سال قدمت با رنگ و روی رفته که به روایت حفص نوشته شده بود. این قرآن دارای یک جعبه نقره‌ای زیبایی قلمکاری شده بود و لوگو و شعار دولت و ملت مالزی ساخته شده از طلا و تزیینات دیگر را بر روی در و سرپوش آن نصب کرده بودند. پس از بازگشت به وطن، در فرودگاه مهرآباد قبل از عبور از خط ترانزیت دو شخص قد بلند که لباس تیره در برداشتند و بوی ادکلن آنان سالن فرودگاه را پر کرده بود به سوی من آمدند و ضمن تبریک و خوش آمدگویی به اطلاع من رساندند که همسر شاه مایل است از نزدیک مرا دیده، به من تبریک بگوید و قرآن را ببیند و پیشنهاد کردند که قرآن را به آن خانم هدیه کنم. گفتم این قرآن مال من نیست و متعلق است به مردم مالزی که به رسم امانت به مدت یک سال نزد من خواهد ماند و دوباره به مالزی باز خواهد گشت. آنان گفتند که شما کارت نباشد و ما این موضوع را می‌دانیم.

در آن زمان چندین جلسه تدریس قرآن در هفته داشتم و هیچ مایل نبودم جلساتم را تعطیل کنند و احتمالاً آسیبی به من برسد. ناچار قبول کرده و در موعد مقرر آمدند و مرا با قرآن در یک اتومبیل مجلل با خودشان به کاخ نیاوران بردند. دقایقی در سالن انتظار نشسته بودم که تعدادی خبرنگار، عکاس و فیلمبردار هم رسیدند... درب دفتر آن خانم را باز و مرا به داخل راهنمایی کردند. آن خانم از من استقبال کرد و به من تبریک گفت و قرآن را هم دید و اظهار داشت که این قرآن را از شما قبول کردم ولی شما آن را نزد خود نگهدارید (می‌دانست که قرآن باید به مالزی برگردد

و همه این کارها برای تبلیغات و وجیه‌المله نشان دادن خودشان بود). سپس از کار و زندگی من جویا شد که آیا کار مناسبی دارم و اگر نه به پسر دانی خود «رضا قطبی»، سرپرست رادیو تلویزیون دستور خواهد داد تا شغل مناسبی به من بدهد. با توجه به این که من معاش خود را از طریق تلاوت قرآن در مجالس ترحیم تأمین می‌کردم، در پاسخ گفتم که من دارای کار مناسبی در بازار هستم و به شغل دیگری نیاز ندارم. ایشان در مورد مسکن از من سؤال کرد که اگر در این زمینه در مضیقه هستم به سازمان اوقاف دستور خواهد داد که از محل موقوفات یک منزل مناسب در اختیار من بگذارند. نزد خود گفتم آیا خانه‌ای که اوقاف به من خواهد داد، نماز دارد یا خیر؟ من که همیشه اجاره‌نشین بودم و در همان لحظه و تا پیش از ترک ایران بسوی مصر با چهار فرزند و مادرشان در یک اطاق اجاره‌ای زندگی می‌کردم، از ایشان تشکر کردم و گفتم که خود دارای خانه مناسبی هستم. قبلاً هم اتفاق افتاده بود که «نصیر عصار»، سرپرست پیشین سازمان اوقاف خود به من پیشنهاد کرده بود که مایل است ۵۰۰ متر زمین موقوفه به من واگذار کند که تأمین کننده آینده من باشد باز هم من نپذیرفتم... حتی در گذشته یادم هست در مسجد... یک مناسبت قرآنی بود و در میان جمعیت شخصی بود به نام... که کم کم به من نزدیک شد. این شخص صدای خوبی داشت، ولی سواد خواندن و نوشتن نداشت. او خود را خیلی متمول معرفی کرد و به من پیشنهاد کرد که یک سری درس تجوید را به خرج او روی نوارهای کاست ضبط کنم و او آن‌ها را به رایگان در میان مردم توزیع کند. من هم با پیشنهاد او موافقت کردم، ولی او امروز و فردا می‌کرد. روزی به من گفت که به علت یک معامله ناجور پول زیادی را از دست داده و بودجه کافی برای این کار ندارد. در عوض شخصی را می‌شناسد که می‌تواند در این زمینه کمک‌های شایان توجهی بکند و خیلی مایل است که با من نشستی داشته باشد. من هم قبول کردم و وی مرا به همراه خود به... دفتر سرهنگ فریدون زالتاش برد. رفتار سرهنگ زالتاش... چندان دوستانه نبود و بالحنی تهدیدآمیز سخن می‌گفت... پس از آن جلسه، من روزهای خوبی نداشتم و دائماً نگران بودم... دولت قصد داشت مرا به عنوان سرپرست امور قرآنی رادیو تلویزیون که در آن زمان در دست «غلامحسین دانشی» معدوم بود بگمارد و برای او پست‌هایی در حزب رستاخیز و مجلس شورای



دست‌فروشی می‌کردم تا این که بر اثر مراجعات مکرر به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران سرانجام بخش بین‌المللی مرا به عنوان مترجم زبان عربی روزمزد به مدت شش‌ماه استخدام کرد. پس از مدت کوتاهی گویا کسان دیگری که زبان مادریشان عربی و از معاهدان ایرانی رانده شده از عراق بودند، عذر مرا خواستند و کار مرا به اینان دادند. دوباره برای کسب روزی به دست‌فروشی اقدام کردم... من هم که وجهه خود را در میان قاریان ایرانی و شاگردانم از دست داده بودم، تصمیم گرفتم بار دیگر به مصر که هنوز وجهه‌ای در میان آنان داشتم، بازگردم. این بار رفتن من به مصر به علت مخالفت دولت مصر با اقامت ایرانیان به سختی صورت گرفت و سرانجام به مصر رسیدم.

پس از ترور انورسادات و به روی کار آمدن حسنی مبارک، عرصه نه فقط بر من، بلکه بر تعداد دانشجویانی که در مصر بودند، به سختی تنگ شد. مقدار پولی حدود ۱۵۰۰ دلار که به همراه داشتم نیز تمام شد و مالک یک ساختمان که اطلاقکی زیرپله به من اجاره داده بود آن را از من باز پس گرفت و من دیگر جایی برای اقامت نداشتیم و از طرفی از این که احترام خود را از دست ندهم، تصمیم گرفتم نزد هیچ‌یک از قاریانی که مرا می‌شناختند، نروم. در این جا لازم است از بخشی از فعالیت‌های خود در دفتر رادیو تلویزیون ایران در قاهره را شرح دهم که انگیزه شناخت بسیاری از قاریان مصری با من شد. قبل از انقلاب، «محمود جعفریان» که معاون اول رضا قطبی بود، تلکسی از تهران فرستاد مبنی بر این که سی تلاوت قرآن از قاریان مصری ضبط کرده و به تهران بفرستیم. ضمناً از دفتر خواست تا بودجه تهیه این برنامه‌ها را تعیین کرده و به وی ابلاغ کند. مدیر دفتر مبلغ ۱۵۰ هزار دلار برای تهیه این برنامه‌ها تعیین کرد و تهران هم موافقت نمود. آشنایی من با قاریان خارج از قاهره که شناختی از آنان نداشتیم از طریق دعوت از آنان برای ضبط برنامه‌های قرآنی و دینی بود و تعداد ۴۵ تلاوت نیم‌ساعته و تعدادی نوار تواشیح و سخنرانی‌های دینی از واعظان سرشناس مصری جمع کردم. همانطور که گفتم مخارج این همه برنامه‌ها من با ۱۰ هزار دلار تمام کردم و بقیه بودجه (۱۴۰ هزار دلار) را با دو چمدان برنامه‌های تهیه شده به تهران برده و تحویل دادم. از جمله قاریانی که برای اجرا دعوت شده بودند، مرحوم شیخ احمد الرزیقی ساکن قاهره و از دوستان صمیمی من بود. در یکی از شب‌هایی که در مسجد امام حسین علیه‌السلام خوابیده بودم، مرا شناخت و از

در اول خردادماه ۱۳۵۸ به تهران بازگشتم و من رسید پنج میلیون و ۵۰۰ هزار دلار باقیمانده از بودجه دفتر رادیو تلویزیون ملی ایران در شعبه بانک ملی ایران در قاهره را (به علت فرار مدیر دفتر حسن بهنام به فرانسه) به مقامات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران تحویل دادم. مختصراً چون بورسیه از طریق این دفتر به من پرداخت می‌شد، مدیر این دفتر از من درخواست کرد که بعلت دانستن قدری زبان عربی، در امور ترجمه به آنان کمک کنم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با کمی تأخیر به علت انجام کارهای موقه اداری در خردادماه ۱۳۵۸ به وطن بازگشتم. روزهای تلخی را در این برهه از زمان گذراندم. هیچ یک از دوستان و شاگردانم اصلاً اعتنایی به من نمی‌کردند و یکی دو بار مرا محاکمه خیابانی کردند که تو چرا به ملاقات [دربار] رفتی، چرا به مصر رفتی و انواع تهمت‌هایی که روح بنده هم از آن‌ها بی‌خبر بود به من بستند. شاگردان من حتی حاضر نبودند با من روبرو شوند. مرا در جلساتی که داشتند، راه نمی‌دادند. یکی از اساتید... که به رحمت خدا رفته به من اجازه تلاوت نمی‌داد... در این برهه زمانی من هیچ‌گونه درآمدی برای امرار معاش نداشتیم و برای گذران زندگی در خیابان‌ها

ملی در نظر گرفته بودند. همان خوابی را که نظام طاغوت در زمان امیرعباس برای مرحوم حاج سیدمحمدحسن سیف‌اوی مجبور به مهاجرت به عتبات شد آ دیده بود برای من هم دیده بودند... در این جا همه درها بسویم بسته شده بودند و دیر یا زود مرا به دام خود می‌انداختند. تصمیم گرفتم از ایران مهاجرت کنم، اما به کجا؟ از مال و منال دنیایی چیزی نداشتیم حتی یک بلیط هواپیمای مشهد را تهیه کنم چه برسد به این که بتوانم خود با زن و چهار فرزندم را از ایران به خارج ببرم و اینکه خرج خود و خانواده‌ام را چگونه تأمین کنم؟... من دار و ندار خود را (آنچه قابل فروختن بود فروختم و بقیه را بدور ریختم) و چیزی از خود به جای نگذاشتم چون قصد بازگشت به ایران را تا زمانی که طاغوت بر آن حکومت می‌کرد، نداشتیم، با خرج رادیو تلویزیون به قاهره رفتم. جریانات و اتفاقات بسیاری برآیم در مصر بوجود آمد که در این جا نمی‌خواهم راجع به آن‌ها چیزی بگویم زیرا حدیث بسیار مفصل است و بعدها اگر فرصتی شد این شاءالله موبه‌مو درباره آنان و دوستی و مراودت با بزرگ قاریان عصر طلایی مصر خواهیم نوشت. ما در ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۴ به قاهره رسیدیم



ویژه‌نامه
بزرگداشت
استاد مروت



خواب بیدارم کرد و گفت: شیخ محمد، چرا این جا خوابیده‌ای؟ گفتم برای قرآن الفجر و نماز صبح آمده‌ام. او به فرست مشکل مراد دریافت، ولی به روی خود نیاورد و گفت پس از نماز، مرا برای صبحانه به خانه خود خواهد برد. در خانه به من گفت: «برو یک دوش بگیر زیرا بدننت بوی پتو گرفته». حدوداً ساعت ۱۰ به مرحوم شیخ عبدالباسط زنگ زد و وضع مرا برای او شرح داد. تقریباً نیم‌ساعت بعد به منزل شیخ عبدالباسط رفتیم و از آن جا به «بازار موسیقی» در قاهره رفتیم و مرا به حجره یکی از تاجران بازار به نام «حاج سالم احمد سالم» بردند و به او گفتند که شما باید شغلی به شیخ محمد در تجارت‌خانه خود بدهید. ایشان هم با روی خوش درخواست آنان را اجابت کرد و ضمن دادن کاری به من، آپارتمانی را که برای یکی از پسرانش خریده بود تا در آینده در آن سکونت کند به من سپرد و دستور داد تا مقدری وسایل منزل برای من تهیه کنند. از طرفی چون ویزای اقامتم تمام شده بود، مرا نزد معاون اول وزیر کشور سرلشکر «احمد رشدی» بردند و برای شش‌ماه اقامت گرفتند. در همین ایام بود که همسر و فرزندانم نیز به من پیوستند.

در شب اول ماه رمضان برای خرید سحری در صف نانوایی ایستاده بودم که دو پلیس مسلح مرا بازداشت کرده و به کلانتری محل بردند. فردای آن روز یک مأمور مرا با دستبند به (مباحث امن الدوله) که ساواک مصر محسوب می‌شد برد و در راه هر چه پول داشتم و حتی پول خرده‌ایم را از من گرفت. در ساختمان ساواک مصر، مرا در اطاقی تا ساعت چهار بعد از ظهر آن روز زندانی نگاه داشتند. جیغ و فریاد و ناله و زوزه گروهی در بند از همه اطراف آن اطاق به گوش می‌رسید. بازجویی از مرا آغاز کردند و سرانجام گفتند که از من کار خلافی سر نزده و عذرخواهی کردند و گفتند اما من باید برای آنان خدمتی انجام دهم بدین صورت که با چند دانشجوی ایرانی که در قاهره اقامت داشتند، طرح دوستی بریزم و هر هفته گزارشی از فعالیت‌های آنان برای ساواک مصر ببرم. البته وعده و وعیدهایی نیز می‌دادند. من هم برای اینکه از شر آنان خلاص شوم، ظاهراً با در خواست آنان موافقت کردم. چون یقین داشتم که آن‌ها مرا تعقیب خواهند کرد به نشانی‌های دانشجویان ایرانی که به من داده بودند، می‌رفتم و پس از مدتی از خانه آنان خارج و به خانه خود می‌رفتم. طبق معمول هر هفته به ساواک مصر گزارشی می‌دادم که من چیز مشکوکی از آنان ندیده و نشنیده‌ام جز اینکه از سختی امتحانات دانشگاهی و غیره گله‌مند بودم.

چند هفته بعد بار دیگر با دستبند مرا به ساواک بردند و پس از مقداری تهدید، مرا به زندانی در جنوب قاهره به نام زندان «قلعه» منتقل کردند که نه زیرانداز داشت و نه روانداز و نه هیچ چیز دیگری. کف آن سیمانی و بسیار خشن بود و ما مجبور بودیم بر روی زمین بخوابیم. در سفر قبل از انقلاب اسلامی ایران به مصر، ما در همسایگی یک افسر عالی رتبه ارتش به نام سرلشکر «محمد محمد محمد سعید» زندگی می‌کردیم که تشیع را بر اثر خواندن کتبی که من به او داده بودم با فکری باز و آزاده مانند مرحوم شیخ احمد الرزقی پذیرفته بود. وی معاونت دادگاه عالی نظامی ارتش مصر را برعهده داشت و مرا از زندان قلعه آزاد کرد. پس از مدت کوتاهی برای بار سوم مرا بازداشت و به همان زندان قلعه منتقل کردند. پس از دو هفته تلاش، سرلشکر هم نتوانست مرا از زندان آزاد کند. سرانجام به دفتر امور پناهندگان سازمان ملل در قاهره رفت و وضعیت مرا برای آنان شرح داد. مدیر آن دفتر بلافاصله نامه‌ای برای وزارت کشور مصر فرستاد و تعهد اقامت ما را در مصر تا زمانی که ما در آنجا زندگی می‌کنیم، برعهده گرفت. وزارت کشور مصر نیز مرا آزاد کرد و در مصاحبه‌ای که با مدیر دفتر امور پناهندگان سازمان ملل داشتیم، از من خواست تا از فهرست کشورهای پناهنده‌پذیر یک کشور را انتخاب کنم. من در پاسخ گفتم ما مایلیم به وطنمان ایران بازگردیم، اما ایشان گفت با وجود جنگ بین عراق و کشور شما، امکان بازگشت به ایران وجود ندارد و باید کشور دیگری را انتخاب کنید؛ لذا در خواست کردم ما را به هر کشوری بجز آمریکا بفرستند. ایشان فرم‌هایی را به من داد و من آن‌ها را امضاء کردم بدون این که نام کشوری را انتخاب کرده باشم. پس از حدوداً دو هفته، نامه‌ای از سفارت کانادا بدست ما رسید که از ما خواسته بودند برای مصاحبه به آن

سفارت برویم و پس از پنج ماه در دی‌ماه ۱۳۶۱ وارد کانادا شدیم.

قبل از انقلاب اسلامی، دفتر رادیو تلویزیون ایران در قاهره چند «مُخبر» که کارمند و خبرنگار موسسات دولتی و خبری مصر بودند، داشت که در قبال وجوهی کلان خبرهای دست اول را از آنان دریافت و به دفتر خبری رادیو در تهران تلکس می‌کرد. عموماً این خبرها دست اول بود و برای نخستین بار در رسانه‌ها پخش می‌شد. یکی از این مخبرها سرهنگی بود به نام «محمد جمیل» که در واحد امنیت ارتش مصر خدمت می‌کرد و به جهت آشنایی با من روزی به من گفت که راین مطبوعاتی سفارت عربستان در قاهره به نام «محمود شاولی» علاقه‌مند است، مرا ملاقات کند. محمود شاولی در این ملاقات به من گفت که کشور مطبوعش مایل است، مرا برای مدیریت بخش فارسی رادیو جده استخدام کند؛ زیرا چند نفر از پرسنل افغانی آن رادیو مورد پسند نیستند و می‌خواهند کسی که لهجه فارسی تهرانی داشته باشد برای آنان کار کند. حقوقی که برای من تعیین کرده بودند پنج هزار دلار آمریکایی در ماه، سه‌ماه مرخصی با حقوق، خانه مجانی و اتومبیل بود. البته این خاصه خرجی‌ها با توجه به جنگ تحمیلی بی‌دلیل هم به نظر نمی‌رسید.

إن شاء الله فصل مفصل‌تری از زندگی و سرنوشت خود را در موقعیت دیگری برای علاقه‌مندان خواهیم گفت.

توضیحات: دو بخش زندگینامه و ناگفته‌ها طی سال‌های ۹۴ و ۹۵ به خواست خبرگزاری ایکنوا توسط مرحوم استاد محمدتقی مروت به نگارش درآمد که تاکنون منتشر نشده بود، بخش‌هایی از این نوشته به دلیل اشاره به نام برخی از افراد حی و اشخاصی که در قید حیات نیستند به صورت سه نقطه مشخص شده و اصل آن در خبرگزاری محفوظ است. [

هم‌نشینی دواستاد

علاقه‌مندان به فراگیری تلاوت صحیح قرآن پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با مشکلی مواجه بودند و آن دست یافتن به استادانی توانا در زمینه قرائت قرآن بود که در شهر تهران محدود افرادی جلسات تخصصی قرآن داشتند که شاخص‌ترین آنان استاد مولایی بود، استاد مروت نیز به توانمندی ایشان اشاره داشته و وی را فردی مردم‌دار و دلسوز معرفی می‌کرد.

هرساله با عده‌ای از دوستان به همراه استاد مولایی، سفری به مشهد مقدس داشتیم و در حسینیه خیاط‌ها حدود دو هفته اقامت می‌کردیم و در محافل قرآنی اساتید بزرگ مشهد مثل استاد «مختاری» حضور پیدا کرده و در محافل حرم رضوی به تلاوت می‌پرداختیم که واقعا سفری به یادماندنی می‌شد. در مسجد «کرامت» که آن زمان، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در آنجا اقامه نماز جماعت می‌کردند، حضور می‌یافتیم.

از سنین جوانی با استاد مولایی آشنا شدم. ارتباط من با ایشان دوستانه بود؛ استاد مولایی تمامی شاگردان و دوستانش را بسیار خودمانی با عنوان بچه‌ها خطاب می‌کرد و همیشه اسم کوچک مرا صدا می‌زد و این برای من افتخار زیادی بود. از نظر ویژگی‌های اخلاقی به معنی واقعی کلمه مؤدب، متین، مردم‌دار، بسیار مهربان و دلسوز و همیشه برای امور خیر و کمک به دیگران پیش قدم بود.

این سفرها به مشهد با استاد مولایی ادامه داشت که اوایل دهه ۵۰، با سفرم به مصر و سپس کانادا، این ارتباط حضوری کاهش یافت، اما هیچ‌گاه قطع نشد. من از همان کودکی علاقه شدیدی به یادگیری قرآن داشتم. استادم آن زمان استاد «ملا محمد باقر فانی» بود، البته در جلسات استادان سید محمد حسن سیف، فخار، سرهنگ منصور مسگرا، سرهنگ حسن بیگلری نیز صرفاً برای تمرین تلاوت حضور می‌یافتم. در جوانی نیز به شدت علاقه به برپایی جلسات قرآن داشتم و حتی گاهی در هفته تا ۱۴ جلسه را اداره می‌کردم، اما علاقه فراوانی برای حضور در جلسه استاد مولایی داشتم. در این جلسات، استاد به بیان مباحث مهم قرائت و نکات تفسیری و در مناسبت‌های مذهبی نیز به ذکر مناقب اهل بیت (ع) می‌پرداخت.

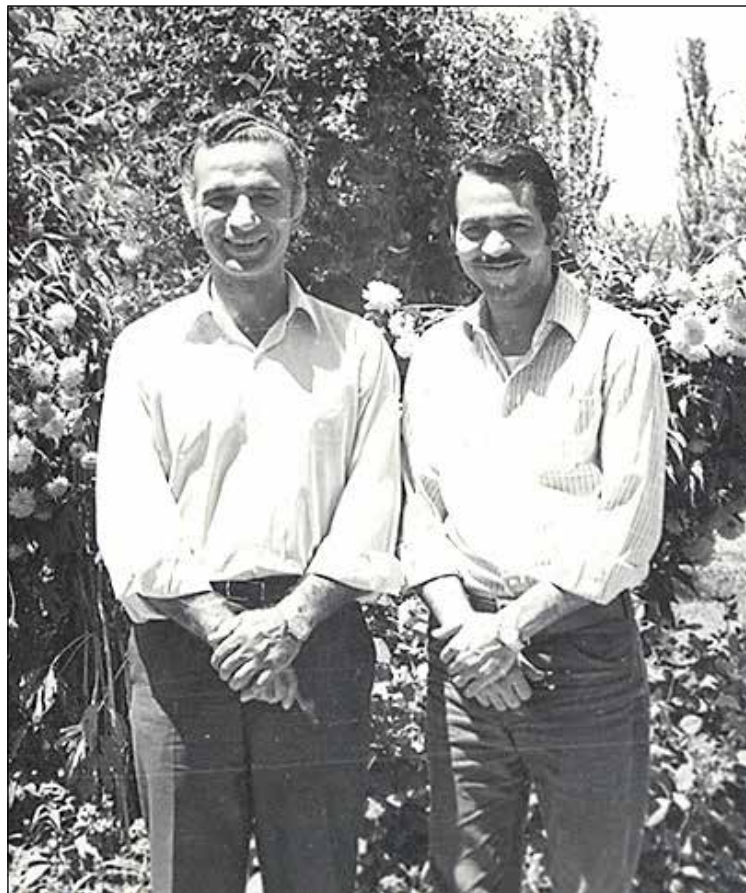
جلسات ماه رمضان را تعطیل و در جلسه بسیار با معنویت استاد مولایی شرکت می‌کردم. نشاط برای بیشتر آموختن در این جلسه به حدی بود که این جلسات، گاهی تا ساعت دوشب به طول می‌انجامید، اما هیچ‌کسی احساس خستگی نمی‌کرد و نمونه‌ای همانند این جلسه کمتر می‌توان یافت.

ابراهیم پورفرزب (مولایی) در سال ۱۳۰۶ ه. ش. در منطقه سنگلج تهران به دنیا آمد. وی از کودکی به فعالیت‌های قرآنی علاقه بسیاری داشت و همواره سعی در قرار گرفتن در این مسیر داشت. مولایی دوران ابتدایی را در دبستان «عنصری» تهران و متوسطه را در دبیرستان «ایران‌شهر» گذراند و در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تهران شد.

نزدیکی دبیرستانش با مسجد لاله‌زار، فرصت مناسبی را برای او ایجاد کرد تا از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد میرحجازی معروف به (عرب) بهره‌مند شود. وی در فاصله همین سال‌ها در جلسات صبح‌های جمعه استاد «احمد نصرالله مازندرانی» شرکت کرد. به دعوت هیئت‌های سنگلجی از سال ۱۳۲۷ به اداره جلسات قرآن این هیئت نیز پرداخت. وی در عمر بابر کت خود شاگردان بسیاری داشت و توانست اساتید متخصصی را تربیت کند.

وی به ارائه تلاوت‌های تأثیرگذار اهمیت ویژه‌ای می‌داد و همواره شاگردان خود را به رعایت اصالت تلاوت قرآن تشویق می‌کرد و معتقد بود قرآن را باید برای قرآن خواند و برای تدریس قرآن نباید مبلغی دریافت کرد. به دلیل صوت دلنشین این استاد مسلم قرآن، رهبر معظم انقلاب اسلامی وی را «اکبر القراء» نامیدند. همچنین وی در سال‌های دهه ۵۰ صندوق اندوخته نیکان را تأسیس کرد.

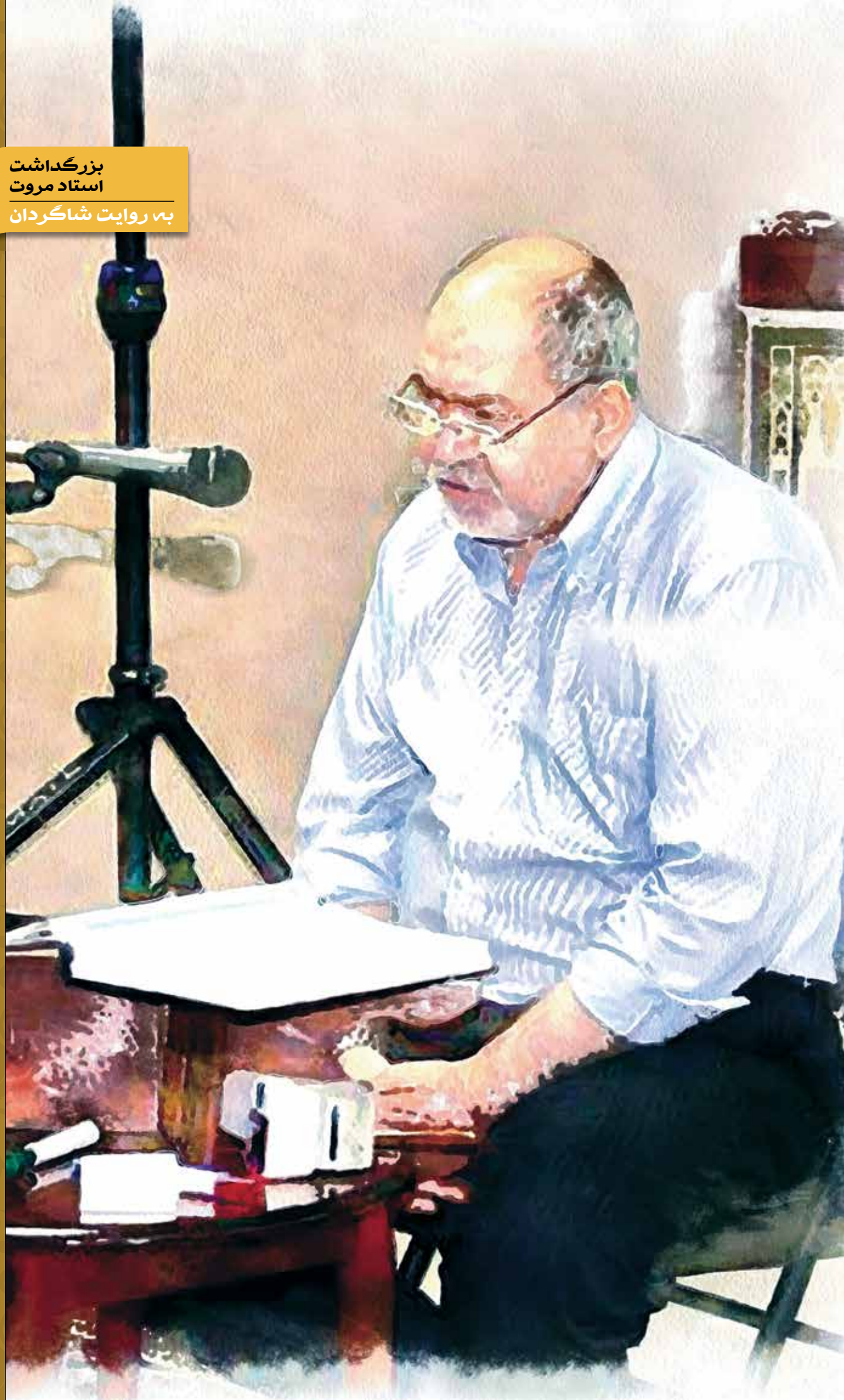
استاد مولایی ۲۲ مهرماه ۱۳۹۳ در سن ۸۶ سالگی چشم از جهان فرو بست.



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

بزرگداشت
استاد مروت
به روایت شاگردان



اولین ایرانی باعنوان قاری بین‌المللی

پایه‌گذار نهضت نوین تلاوت

استاد مروت در آن زمان در کتابخانه «ملک» کتاب «النشر» را مطالعه و زبان انگلیسی و عربی خود را در همان زمان تکمیل کرد و به اوجش رساند. همچنان مطالعات عمیق در حیطه علوم قرائت قرآن را داشت و تلاوت‌های قرائی مصری را گوش می‌داد. نخستین فردی بود که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بدون اینکه معلم داشته باشد در مسابقات بین‌المللی قرآن مالزی، رتبه اول را کسب کرد. استاد مروت، استاد نداشت؛ استاد ما بدون استاد، قاری شد.

نهضت جدید در عرصه تلاوت قرآن

بنده به عنوان معلم کوچک کلام الله و شاگرد استاد مروت، می‌گویم در حدود شصت سال پیش، فردی در کشور وجود داشت که مجدداً جامعه را با هر دو جنبه معارف اسلامی و قرآن و علم تلاوت قرآن، توأمان آشنا کرد. پس از قرن‌ها، عنایت الهی بود که خدا، مردی را برگزید که با استعداد خدادادی اش و بدون اینکه استادی داشته باشد، نهضت جدیدی در عرصه تلاوت ایران بنا کند. دکتر صلاح الصاوی، قاری و داور مصری، سال‌ها در ایران زیست و دو دوره از داوران مسابقات قرآن سازمان اوقاف بود. ایشان گفته بود که نهضت جدید تلاوت قرآن در مصر را شیخ محمد رفعت پایه‌گذاری کرد و نهضت جدید تلاوت در ایران را محمد تقی مروت، بنیان گذاشت.

مهم‌ترین ویژگی که خداوند متعال برای استاد «محمد تقی مروت» مقدر کرده بود، معلمی بود. اگر خداوند به فردی، توفیق معلمی بدهد، همه چیز به او داده است. پروردگار، خودش را اول معلم معرفی می‌کند، چنانکه در قرآن فرموده است «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» و پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (ع) نیز از زمره معلم‌ها بودند و هستند. پس معلمی، ویژگی مهمی است، اما ویژگی استاد مروت این است که او در رشته فن تلاوت کلام الله مجید، استاد و معلم نداشت و این جزو عجیب‌ترین ویژگی‌هایی است که یک معلم می‌تواند داشته باشد که خودش معلم نداشته باشد و معلم شود و آن هم در حد پایه‌گذاری یک نهضت نوین.

تقدیری که خداوند برای او مقدر کرده بود، این بود که جوانی در سنین پایین، شاید کمتر از ۱۶ سالگی معلم می‌شود در جلسه قرآنش ما کوچک‌تر از او بودیم. خداوند لطفی که در حق او کرد این بود که او با قریحه ذاتی، دنبال فن تلاوت رفت. شاید در زمان فعلی این موضوعات و یا کتاب‌هایی در این موضوع زیاد باشد، اما

پایه

ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

بزرگتر جامعه قرآنی

در سال‌های نوجوانی‌ام در کنار پیشکسوتان و معلم‌های قرآنی که جلساتی داشتند، استاد محمد تقی مروت در محله ما به عنوان یک قاری جوان که به اصطلاح آن دوره، امروزی می‌خواند، شناخته شد؛ چرا که با قرائت خود تحولی در این عرصه ایجاد کرده بود و با شنیدن آوازه‌اش، من نیز به جلسات قرآن استاد مروت رفتم تا اینکه شاگرد ثابت جلساتشان شدم. سال پنجاه بود که استاد مروت عزیز، مسئولیت یکی از جلسات قرآنی‌شان را به من داد.

هر چند که قبل از پذیرفتن این مسئولیت، کمی وا همه از اداره یک جلسه آموزشی داشتم و می‌گفتم، بلد نیستم و نمی‌توانم جلسه را اداره کنم، اما استاد مروت، تأکید داشت که این کار حتماً باید صورت گیرد. گاهی اوقات خود استاد در جلسه‌ای که من مسئولیت آن را بر عهده گرفته بودم، حضور می‌یافت و می‌نشست و به تدریس من گوش می‌داد در حالی که ایشان استاد بود و من شاگرد! و از من می‌خواست که در آن جلسه و در محضر ایشان، معلم باشم.

موردی را خوب به خاطر دارم که حتماً باید بیان شود، استاد مروت، یکی از بزرگترین اساتید تاریخ کشورمان را به عنوان استاد خودشان معرفی می‌کردند، روزی از استاد مروت پرسیدم که ما که می‌دانیم شما استاد نداشتید، اما چرا خودتان را شاگرد این استاد بزرگوار مطرح می‌کنید؟

یک نکته بسیار مهمی گفت که «آسید محسن! این نهضت و این حرکت قرآنی، احتیاج به بزرگتر دارد و ایشان شایستگی دارد که بزرگتر جامعه قرآنی ما باشد و من این را اعلام می‌کنم تا این محور در کشور ما مطرح شود که بزرگتر برای محور قرائت قرآن باید باشد.»

سید محسن موسوی بلده

استاد و پیشکسوت در عرصه قرآنی

و مؤلف کتاب حلیة القرآن



تقوای سیاسی «عبدالباسط»

رادیو قرآن مصر را طبق عادت معمول و علاقه به استماع تلاوت‌های قراء مصری می‌شنیدم. شبی که شب معراج رسول اکرم (ص) بود و مصری‌ها آن را «لیلة الاسراء» می‌نامند و با برپایی جشن و تلاوت قرآن، گرمی می‌دارند از این رادیو، تلاوتی به صورت اجرای زنده از استاد «عبدالباسط محمد عبدالصمد» پخش می‌شد.

از صدای تشویق‌های مستمعان این طور به ذهن متبادر می‌شد که مجلس، بسیار باشکوه و مملو از جمعیت است. من صدای استاد محمد تقی مروت را که با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد، استاد عبدالباسط را تشویق می‌کرد، می‌شنیدم.

استاد عبدالباسط آن شب، تلاوتی از سوره مبارکه «اسراء» ارائه کرد، ایشان با هیجان زیاد و به صورتی غیر عادی تلاوت می‌کرد و مردم حاضر در جلسه نیز قیامتی به پا کرده بودند تا این که استاد به این آیه شریفه رسید که خبر از فتنه یهود می‌دهد «وَ قَضَيْنَا اِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْاَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» در کتاب آسمانی‌شان [به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد...]. و استاد، چند بار مبادرت به تکرار این آیه کرد. استاد عبدالباسط هر بار با آهنگی خاص و با قرائات مختلف، آیات را تکرار می‌کرد. مدتی از آن شب سپری شد که استاد مروت به کشور عزیزت کرد و من اولین پرسشی که از بر خوردم با استاد مروت داشتم آن بود که علت آن همه هیجان در تلاوت جاودانه عبدالباسط در لیلة الاسراء چه بود؟ استاد مروت گفتند: «در آن مجلس، شوری عظیم بر پا شد که به هیچ وجه قابل وصف نیست، زمانی که تلاوت تاریخی استاد عبدالباسط به اتمام رسید، دیدم استاد حالت عادی ندارد و بسیار عصبانی است از او دلیل این حالت را جویا شدم. ایشان، انگار که منتظر این سؤال از جانب کسی بود با تعبیر تندی نسبت به «کامل البوهی» رئیس رادیو قرآن مصر که سال‌ها ریاست این رادیو را بر عهده داشت، گفتند: «قبل از شروع تلاوت، البوهی از من خواست که مبادا امشب، سوره اسراء را بخوانید، چون تلاوت این سوره از جانب شما، باعث خدشه به ارتباط مصر و رژیم صهیونیستی می‌شود». عبدالباسط در اینجا بیان می‌دارد، من شاهد آن هستم که کار به جایی رسیده است که قاری قرآن، حق ندارد، سوره اسراء را تلاوت کند که مبادا ارتباط مصر با رژیم اشغالگر قدس دچار مشکل شود، من هم برعکس توصیه‌ای که به من شد، این آیات را چندین بار تکرار کردم. استاد عبدالباسط تعبیری به این مضمون به کار برد که انسان بمیرد، بهتر است که در این شرایط زندگی کند.»

خاطرات سید محسن موسوی بلده

برشی از فاطرات شهریار جامعه قرآنی

قهرمان کودکی من

در سال ۵۲ به طور اتفاقی چندبار تلاوت قرآن را از رادیو شنیدم. خانواده از طرفی نشاط کلاس قرآن مدرسه و حرف معلم چهارم ابتدایی آقای نوری از طرف دیگر این علاقه‌ام در مشتاقانه گوش دادن به قرآن را می‌دیدند؛ لذا این‌ها را به فال نیک گرفتند. کم‌کم داشتند به حرف پدر بزرگم می‌رسیدند (که برخی رفتارهایم در کودکی را تعبیری خوب برای آینده قرآنی من می‌دانست). تا اینکه تلاوت استاد مروت در مسابقات مالزی را از تلویزیون دیدم. دیدن همان و شنیدن آن هم همان!

هنوز به خاطر دارم که استاد از سوره آل عمران خواند. آیه این بود: «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَبَّحْتُم مَّا قَالُوا وَقَتَّلْتُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغْيًا حَقًّا وَقَوْلًا دُونَ عَذَابِ الْحَرِيقِ» طنین خواندن قرآن استاد، هنوز در ذهنم هست. مخصوصاً قسمتی که ایشان خیلی زیبا و شورانگیز خواند: «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْبَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْآنٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَاللَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران / ۱۸۳) الان من خودم تعجب می‌کنم، چطور این فرازها یادم هست.

تفریحات کودکی

از آن موقع به بعد یکی از تفریحاتم این شد که می‌نشستم کنار اتاق و فرض می‌کردم در حال خواندن در مسابقات قرآنم. آن صحنه‌ای که در تلویزیون دیده بودم جلوی چشماتم حاضر بود، فقط جای خودم را با قاری ممتاز عوض می‌کردم. البته با پشتی و متکا جایگاه کوچکی هم درست کرده بودم. همه چیز جور جور بود. به عبارتی در حال شبیه‌سازی بودم. تخیلم قوی بود، فرض می‌کردم مرا به جایگاه دعوت کرده‌اند. می‌آمدم در جایگاه می‌نشستم و به خیال خودم خیلی زیبا قرآن می‌خواندم. نه از روی مصحف بلد بودم بخوانم و نه آیه‌ای حفظ بودم. خودم هم نمی‌دانم چی می‌خواندم آنقدر بود که صدایی از حنجره‌ام در می‌آمد! در تخیل خودم صدای تماشاگران را می‌شنیدم که به شدت تشویق می‌کنند. نفر اول مسابقات می‌شدم و طی مراسمی رسمی جایزه نفر اول را هم می‌گرفتم و با افتخار به ایران برمی‌گشتم. من در عالم خودم مشغول بازی بودم، غافل از اینکه پدر و مادرم بارها این صحنه‌ها را زیر نظر دارند.

پدر، معلم قرآنم را یافت

بعد از پشت سر گذاشتن موفق دوره‌ها و خوانی و تجوید مقدماتی در مسجد توحید، پدرم قضیه را پیگیری کرد. خیلی گشت تا استاد مروت را پیدا کرد. استاد مروت در رادیو، تلاوت قرآن و اذان داشت. من از میدان ارگ، خاطرات خوبی دارم. یکی همین پیدا شدن یک استاد خیلی خوب و حرفه‌ای مثل آقای مروت بود. یکی هم اینکه در همان میدان ارگ بعد از ۱۰-۱۲ سال یک دوره ترتیل قرآن را در رادیو خواندم که به لطف خدا ماندگار شد. پس از هماهنگی پدر با استاد مروت در

ریشه

ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

نشسته سمت راست: شهریار پرهیزکار، احمد حاجی شریف، احمد عتیقی
 ایستاده از سمت چپ: مرحوم قادر اسدی، شهید احمد انصاری، محسن یادبا، حمید رضا مستفید
 استاد مروت، ابراهیم جباری، مرحوم حسن رجعی نوری نژاد
 در سال ۱۳۵۳-۱۳۵۴ شیراز



خوب را ضبط می کرد تا من بیشتر گوش کنم. جلسه استاد مولایی تأثیر خیلی خوبی در رشد من داشت. یاد نمی آید در طول چندین سال جلسه، جز چند جلسه غیبت داشته باشم. برای این جلسات آرام و قرار نداشتم. پدر که همراه همیشگی من بود اگر به دلیل مسافرت، تهران نبود که مرا به جلسه ببرد، مادرم و یا خواهرهایم جایش را پر می کردند. در تلاوت رشد محسوسی داشتم به همین خاطر پدرم هر روز خوشحال تر می شد؛ می گفت باید از همه جلوبزنی!

پیشرفت درسی

من با عشق زیاد جلسات قرائت قرآن را پیگیری می کردم. نشاط خاصی در زندگی ام آمد. همه می گفتند من مستعد هستم. وقتی دیدم دارم پیشرفت می کنم، انگیزه ام برای درس خیلی بیشتر شد. من که معدلم در ابتدایی ۱۶-۱۷ بود در دوره راهنمایی به ۱۹-۲۰ رسید. هر سه سال راهنمایی شاگرد اول بودم.

قاری درس خوان می خواهم

استاد مولایی می گفت: «من قاری درس خوان می خواهم. کارنامه های تان را برای من بیاورید». کارنامه را می بردم و نشان می دادم، استاد مولایی هم تشویقم می کرد. بخش زیادی از جوایزی که استاد مولایی در جلسه می داد، من درو کردم. یادش بخیر! خدا بر درجاتش بیفزاید.

برگرفته از کتاب «شهریار» زندگی و خاطرات شفاهی شهریار پرهیزکار

آدم می گذاشت. اما این باعث شد از ترس اینکه خیط نشوم خوب در کلاس و تمرین دقت کنم. به تک تک حرف های استاد دقت داشتم اگر برایم سؤال پیش می آمد در همان جلسه مطرح می کردم و با دریافت پاسخ، اشکالم مرتفع می شد.

استاد مروت خیلی علمی بحث می کرد و تجوید را استدلالی می گفت. توضیح می داد که چرا نون ساکن در حروف برملون ادغام می شود و در حروف دیگر نمی شود. قوی بود و ذهن من را هم قوی کرد. به همین دلیل تجوید راهم عملی یاد گرفتم و هم علمی.

حدود دو سال در جلسه استاد مروت شاگردی کردم که بعد از چند ماه اول استاد مروت مرا به استاد مولایی که ایشان هم دو جلسه داشت، معرفی کرد. یکی صبح های جمعه در انتهای خیابان بهار شمالی در مسجد الرضا (ع) برگزار می شد و یکی هم شب های دوشنبه بود که در منازل افراد به صورت سیار می چرخید. حالا من باید چهار جلسه شرکت می کردم! این هم زمانی چهار جلسه، دو سال ادامه داشت.

یادگیری بدون حضور در جلسه آموزشی!

الان بعضی ها به من می گویند که ما می خواهیم یاد بگیریم وقتی به ایشان می گویم باید جلسه بروید. می گویند: نمی شود حالا آدم همین جوری یاد بگیرد و جلسه نرود؟ وقتی می گویم یک جلسه در هفته بروید برایشان سنگین است!

در جلسات استاد مولایی، قاری های قوی ای بودند که عبدالباسط، منشاوی و مصطفی اسماعیل می خواندند. پدرم صدای قاری های

۱۱ سالگی برای اولین بار به جلسه ایشان که کاملاً حرفه ای و تخصصی بود، پا گذاشتم. استاد دو جلسه داشتند: یک جلسه مسجد الجواد (ع) در میدان هفت تیر و جلسه دیگر طرف های خیابان باستور. استاد مروت بیشتر روی تجوید کاری کرد. وقتی به جلسه ایشان وارد شدم ضعیف ترین و ابتدایی ترین بودم، اما به لطف خدا، پشتکار و کمک استاد خیلی زود به سطح نسبتاً خوبی رسیدم.

روز به روز بهتر شدم به طوری که توانستم رضایت ایشان را جلب کنم. استاد هم وقتی اشتیاق و رشد مرا دید به صورت ویژه برای من وقت گذاشت. در هر جلسه به من فرصت خواندن می داد و مرتب از من سؤال می کرد.

روش تدریس

استاد مروت، روشی داشت که از یک جهت خوب بود و شاگرد را وادار به دقت می کرد، ولی از یک جهت هم بدجوری سر به سر آدم می گذاشت. استاد عادت داشت سؤال کند. وسط قرائت می گفت حکم این مورد چیست؟ قاری جواب می داد. استاد اول می گفت آفرین. خوب است، خوب دیگر چه؟ بعد یک دفعه می زد توی ذوق شاگرد. «خب پس قاعده این است؟ این مطلب را از کجا یاد گرفتی؟» «من همچنین قاعده ای گفتم و خودم نمی دانم!» بعد می گفت: «پسر جان! همه این هایی که گفتی غلط بود!» حالمان گرفته می شد.

من با توجه به سنم بیشتر ناراحت می شدم. بقیه نمی توانستند بخندند؛ چون ممکن بود از خودشان بپرسد! این روش استاد باعث می شد واقعاً در قاعده ها دقت کنم! یک بار راجع به همزه های وصل سؤالی از من پرسید که وقتی می خواهیم از همزه وصلی شروع به خواندن کنیم، حرکتش چیست؟ با فتحه شروع می کنیم یا کسره یا ضمه؟ قاعده را قبلاً گفته بود منتهی من نیم بند یاد گرفته بودم. گفتم بعد از همزه وصل ساکنی هست، گفت خوب بارک الله! بعد ادامه دادم که اگر اینطور باشد و آنطور. غلط می گفتم او هم همراهی می کرد و آخر سر معلوم شد که همه را اشتباه گفتم. استاد فرمود: «دقت کن همه را اشتباه گفتمی.» یاد استاد مولایی به خیر! روش ایشان فرق می کرد. از همان اول که شاگرد اشتباه جواب می داد، می گفت اشتباه است. در جلسه استاد مروت من کمی می ترسیدم؛ چون سر به سر

بنده از ۱۲ سالگی، شاگرد استاد مروت و مولایی بودم. یاد دارم که این دو استاد چگونه با هم در مسائل قرآنی و نکات مختلف همفکری داشتند و در جهت حل این مشکلات قدم برمی داشتند و در آن زمان که بسیاری از نکات تجویدی در کتب بیان نشده بود و ارتباطی هم با بزرگان قرائت قرآن مصر نبود با همفکری یکدیگر این مشکلات را حل می کردند. به طور مثال زمانی که در زمینه بحث «ادغام» و «اخفای میم» با مشکل روبرو می شدند در این زمینه هیچ گونه کتابی نبود و اگر هم بود بسیار ساده و کلی بود و گره ای را باز نمی کرد. استاد مروت بنا به تعهدی که داشت هفته ها کارشان را رها می کردند و به کتابخانه مراجعه می کردند تا به مطالب مفیدی در این زمینه دست یابند. حس تعهد و پشتکار عجیبی داشت. برخی اوقات پیش می آمد که استاد با نکاتی روبرو می شدند که نیازمند آن بود که به زبان عربی مسلط باشند تاریخ آن نکات را پی ببرند به همین دلیل بود که مرحوم مروت در جهت یادگیری زبان عربی قدم گذاشتند.

در مواردی شاهد این بودیم که استاد مروت برای پی بردن به برخی نکات قرآنی یا به زبان عربی متوسل می شدند یا زمانی که اساتید مصری به ایران می آمدند، فرصت را غنیمت می شمردند و با گفت و گویی که با آنها انجام می دادند به ریز این نکات پی می بردند.

ارتباط با قراء بزرگ جهان اسلام

استاد مروت با اساتید مصری برجسته ای چون «شیخ عبدالباسط، شیخ مصطفی اسماعیل و شیخ ابوالعینین شعیب» رابطه ای صمیمی داشتند و حتی در سفری که به مکه مکرمه داشتند، اساتید مصری به استاد مروت می گفتند: «شیخ محمد تو هم باید با ما بیایی» و ایشان هم پذیرفت و با آنها همسفر شد. بسیاری



مظهر عشق به قرآن

محبوب قراء مصری

محسن بادپا، پیشکسوت قرآنی و شاگرد مرحوم محمد تقی مروت، درباره استاد خود می گوید: مظهر عشق به قرآن و خدمت به عترت پیامبر اکرم (ص) بود و این موضوع روح ما را نوازش می داد. استاد، عشق به قرآن را به من چشاند. چهره ایشان خود نمایانگر عشق است، عشقی خالصانه، عشقی توأم با تلاش برای یافتن بهترین ها برای اهل قرآن. زمانی که از ایشان سخن به میان می آوریم از یک موجود عاشقی صحبت می کنیم که ۷۲ سال زندگی خود را وقف قرآن کرد. همه شاگردان استاد به خاطر سلاله عشقی که به آنها داده شد در این راه ثابت قدم ماندند. بسیاری از قاریان ایرانی که خود را مدیون استاد مروت می دانند، حتی استاد «مولایی» در برخی مواقع با نظرات ایشان گره گشایی می کردند.



ویژه نامه

بزرگداشت
استاد مروت



شهید انصاری، شاگردی اساتیدی چون محمد تقی مروت و مولایی را در کارنامه خود داشت و هم دوره قرآنیان برجسته ای همچون استادان صلح جو، موسوی بلده، خدام حسینی، فرزندان و پرهیزکار بود. شهید انصاری، تسلط خوبی بر تلاوت قرآن به سبک مصطفی اسماعیل و محمد رفعت داشت. تأسیس و تدریس در جلسه قرآن جوانان در مسجد ابوالفضل (ع) خیابان بلورسازی (شهید



یادی از شاگرد شهید استاد مروت

شهید احمد انصاری اصیل از قاریان و فعالان قرآنی بود که علاوه بر تلاوت قرآن در راه اندازی جلسات قرآن نیز کوشا بود. از خصوصیات اخلاقی بارزش، توأم بودن تلاوت و عمل به قرآن بود که با شهادت خود و تأسی به امام حسین (ع) آن را ثابت کرد.

خانه عبدالباسط «دارالتبلیغ»

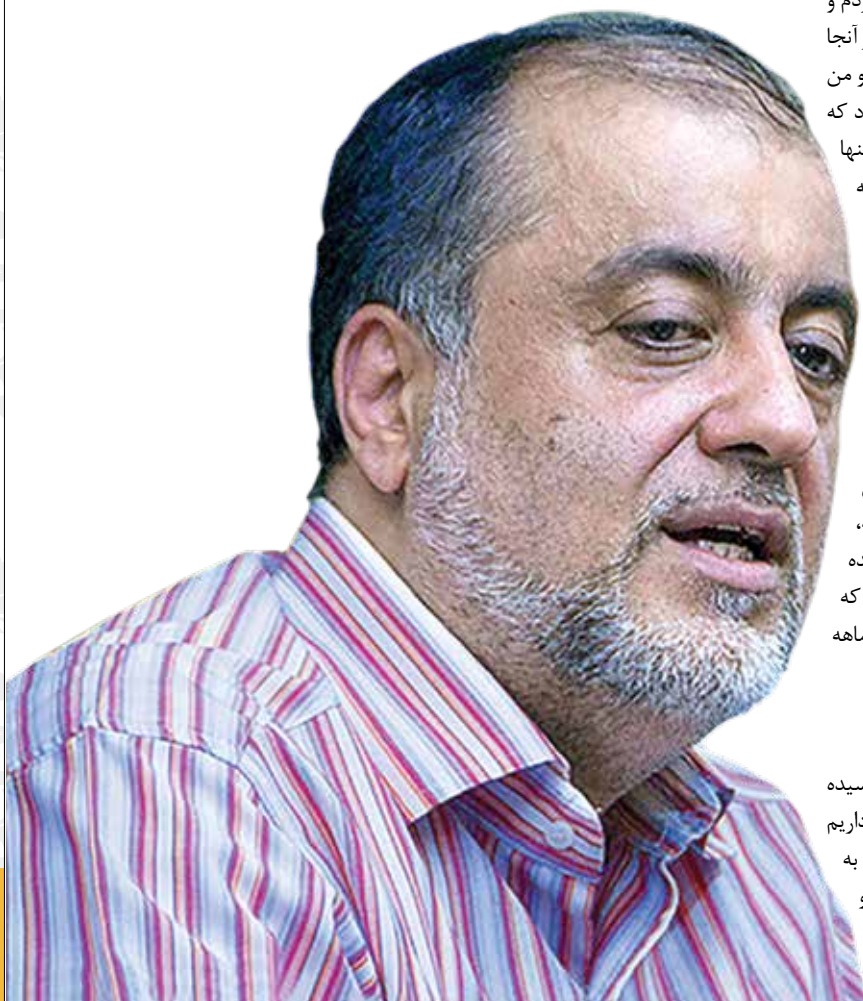
استاد مروت تنها در اختیار قرآن نبود بلکه به اهل بیت(ع) هم ارادت و عشق ویژه‌ای داشت به صورتی که هر زمان که به مصر سفر می‌کرد با درخواست عبدالباسط در منزل وی حضور می‌یافت و برای شاگردان وی از قرآن و اهل بیت(ع) سخن می‌گفت و درباره مذهب شیعه نکاتی را بیان می‌کرد و در واقع خانه عبدالباسط «دارالتبلیغ» استاد مروت بود.

کرد تا این مطالب را در اختیار شورای عالی قرآن قرار دهم تا آنها را منتشر و به صورت رایگان و تنها با هدف آشنایی انگلیسی‌زبانان با قرآن در اختیار آنها قرار دهم که متأسفانه این امر هنوز از سوی نهادهای قرآنی کشور محقق نشده است. همچنین یک کتاب تجوید به زبان فارسی دارند و درخواست داشتند که مثل تألیف قبلیشان بدون هیچ حق‌الزحمه‌ای و به صورت رایگان چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده شود.

از قراء ما به مصر سفر داشته‌اند، اما هیچ کدام به اندازه استاد مروت، دل قراء مصری را نبردند و نتوانستند مانند وی محبوب باشند. زمانی یادم هست که استاد مروت به ما توصیه می‌کردند که برای «عبدالباسط» طلب مغفرت کنید و علت را که جویا شدیم، استاد گفت: «زمانی که من بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به مصر سفر کردم، ساواک مصر از من، اطلاعات تعدادی دانشجوی ایرانی در مصر را می‌خواست و من هم از این کار سرباز زدم و همین امر موجب شد تا به زندان بیفتم و در آنجا بود که شیخ عبدالباسط واسطه بنده شد و من را از زندان رها کردند. در همان زمان‌ها بود که به من، اقامت طولانی مدت نمی‌دادند و تنها یک هفته می‌توانستم در آنجا اقامت داشته باشم و همین امر موجب ناراحتی من شد و عبدالباسط وقتی از این موضوع با خبر شد، گفت: شیخ محمد بیا با هم برویم وزارت کشور، وقتی به آنجا رفتیم همه وی را می‌شناختند و از همان درب ورودی همه برای او احترام خاصی قائل بودند و زمانی که به دفتر معاون وزیر کشور مراجعه کردیم پرسید: شیخ عبدالباسط چه مشکلی برای شما پیش آمده و وی گفت: برای من نه، برای برادرم، شیخ محمد مشکلی پیش آمده که به وی اقامت نمی‌دهند و همانجا بود که معاون وزیر کشور قول داد تا اقامت شش‌ماهه بدهند».

آثار تألیفی استاد مروت

هنوز تألیفات استاد مروت به دست ما نرسیده و تنها یک تألیف ۵۰۰ صفحه‌ای از ایشان داریم که به زبان انگلیسی است. تنها به عشق به قرآن است که دست به چنین کاری زده و آن را در اختیار بنده قرار داد و درخواست



به روایت
شاگردان

ماه رمضان بود و برنامه احیاء ترتیب دادند. وی در اوج ناامیدی به تقویت روحی هم‌زمان خود می‌پردازد که به گواهی بازماندگان در این امر موفقیت مؤثری به دست آورد. صبح روز جمعه، ۲۳ ماه رمضان، مهاجمان با نفرات و تجهیزات بیشتر به بیمارستان حمله می‌کنند؛ ساعت حدود ۱۱ صبح، بیمارستان محاصره می‌شود و ۲۶ تن از این رادمردان، خون خود را نثار راه خدا می‌کنند و شهید احمد انصاری که در این دفاع جانانه با قرآن قرآن، عصبانیت مزدوران را به اوج رسانده بود با تنی مجروح و شکنجه دیده با بی‌رحمی ذبح می‌شود.

نعیمی)، راه‌اندازی هیئت مکتب صادق(ع) خیابان عباسی و در مسجد سجاد(ع)، خیابان میرفندرسکی(شهید انصاری) از فعالیت‌های این شهید بزرگوار بود و در تأسیس کانون اسلامی رسالت نیز مشارکت داشت. با ارسال تجهیزات جنگی برای منافقین در کردستان، شهید احمد انصاری با روحیه انقلابی که داشت، این خیانت‌ها را تحمل نکرد و داوطلبانه به مریوان رفت و به صفوف مردم کردستان پیوست. برای مقابله با منافقین به پاوه عزیمت کرد و در حالی که پاوه در معرض سقوط قرار داشت، ۲۵ نفر، مدافع شجاع به همراه شهید انصاری، مسئولیت دفاع از بیمارستان را برعهده می‌گیرند؛ آن شب مصادف با ۲۳

بنده در حدود سال ۱۳۵۰ در مراسمی از طریق مرحوم «عباس صالحی» - از قاریان قرآن و دعاخوانان خوش صدا که دعای «سحر» وی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بارها از رادیو پخش می‌شد با استاد مروت آشنا شده و سپس مشتاقانه همراه با یکی دیگر از دوستانم، مرحوم «حسن رجبی نوری نژاد» در جلسه ایشان حضور پیدا کردم. حتی این اشتیاق به فراگیری قرائت قرآن در نزد زنده یاد مروت به حدی شد که در طول هفته، حداقل در سه جلسه آموزشی استاد در اماکن مختلف شرکت می‌کردم. در سال ۱۳۵۳ نیز جلسه خصوصی در منزلشان داشت که شش تا هفت نفر در این جلسه حضور داشتند و بنده نیز مجدداً در این جلسه حاضر شدم.

استاد مروت در آن زمان، جوانی خوب و متدین بود که ما را مجذوب شخصیت و رفتار خود می‌کرد. به جز ایشان از لحاظ اطلاعات قرآنی، فردی نبود که چنین مدرن و به‌روز قرائت قرآن داشته باشد. استاد مروت، مسلط به قواعد علم قرائت بود و اختلاف قرائات را نیز به خوبی می‌دانست و به تدریس آن می‌پرداخت. بسیاری بر این موضوع اذعان دارند که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هیچ‌کس نسبت به تدریس کلاسیک علم قرائت قرآن کریم تسلط نداشت.

اهم‌دهای شریف بیان کرد

خدمات فراموش نشدنی

ریشه

ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

حاجی شریف، پیشکسوت قرآنی کشورمان که او را بیشتر به دلیل سال‌ها فعالیت در زمینه نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم می‌شناسیم، از جمله شاگردانی بود که طی سال‌ها حضور زنده یاد مروت در خارج از کشور، همواره ارتباط خود را با استادش حفظ کرد. وی در رابطه با نحوه آشنایی و ارتباطش با استاد مروت به ویژه در دوران جوانی، چنین گفت.



مضمر در جلسات قرآن مشهد

رحیم آهور، از شاگردان مرحوم استاد مولایی و از دوستان استاد محمد تقی مروت است. وی می‌گوید: ۲۸ سال داشتم که با استاد محمد تقی مروت که در آن سال‌ها جوانی بسیار با استعداد و خوش صدا بود، آشنا شدم. ایشان زحمات زیادی در بحث آموزش قرآن کشید. دوستی مادر یک سفر به اوج خود رسید. بنده و استاد مروت برای حضور در یکی از جلسات قرآن مشهد دعوت شدیم، یک روز قبل از سفر برای هماهنگی بیشتر با استاد مروت تماس گرفتم و متوجه شدم که استاد بیمار است و برای عبادت به منزل ایشان رفتم و با هم برای درمان به دکتر رفتیم که مشخص شد استاد، بیماری دیفتیری دارند و پزشک، عنوان کرد اگر بیمار دیرتر به کلینیک می‌رسید، شانس برای زنده ماندن نداشت. از همان زمان بود که ارتباط صمیمانه‌ای بین ما برقرار شد.



جلسه، بیش از صد نفر بود که استاد، اسامی آن‌ها را یادداشت کرد و جالب این بود که در هفته دوم نیز ایشان اکثر افراد شرکت کننده را با اسم صدامی کرد و این نشان دهنده آن است که استاد، حافظه بالایی داشت. این همان مسجدی بود که مرحوم استاد «حسین صبحدل» نیز بعدها جلسات قرآن خود را در آن برگزار می‌کرد.

از جمله مواردی که استاد مروت در مکالماتشان برای من نقل کرد، این بود که زمانی که به مصر رفته بود تا محضر اساتید بزرگی چون مصطفی اسماعیل، عبدالباسط و... را در ک کند، خود شاهد بوده است که هنگامی که شیخ مصطفی اسماعیل تلاوت می‌کرد، «عبدالحلیم» که از بزرگترین موسیقی‌دانان آن زمان مصر بود، پای تلاوت مصطفی اسماعیل می‌نشیند و نت برداری و سپس از این برداشته‌های خود، آهنگسازی می‌کند در صورتی که شیخ مصطفی اسماعیل، اصلا در کلاس موسیقی شرکت نکرده بود و این برخلاف تصویری است که عامه درباره استاد مصطفی اسماعیل دارند. می‌توانیم، دریابیم که تلاوت قرآن این نیست که ما کلاس موسیقی برویم، اگر قرآن را به خاطر خدا بخوانیم و به طور نسبی نیز به معانی قرآن مسلط باشیم، آنگاه خداوند متعال به قاری کمک می‌کند که آن را با چه لحنی بخواند.

استاد مروت در راه قرآن و آموزش آیات الهی خدمات زیادی داشت. استاد مروت، حقا معلم خوبی بود و آموزش‌های ایشان نیز بسیار عالی بود. ما پس از رفتن ایشان از کشور، کسی را نداشتیم که بتواند، آموزش دهد و بتوانیم اشکالاتی که در زمینه علم قرائت داشتیم از او جویا شویم.

وی انسان متدینی بود و با اینکه زندگی ساده‌ای داشت، اما کمک به دیگران و افراد ناتوان را تا آنجایی که در توانش بود، انجام می‌داد. بنده، خوب به خاطر دارم که مشکلی برای فردی به وجود آمده بود که استاد مروت با اینکه خود زندگی ساده‌ای داشت، فرس منزلش را فروخت و به وی کمک کرد.

کلاس‌های قرآن کشور در آن زمان، بیشتر به شیوه سنتی برقرار می‌شد و برخی نیز که به شیوه‌های روز به تقلید از قراء مصری تلاوت می‌کردند، سطح تلاوتشان خیلی بالا نبود. در این شرایط، استاد مروت، تنها کسی بود که به سبک قراء مصری تلاوت می‌کرد و با نغمات آشنا بود؛ البته نه آشنایی به شیوه فعلی و امروزی، بیشتر بر آن بود تا قرآن را حزین و با توجه به مفاهیم آن بخواند؛ البته پیش از انقلاب، حتی مصری‌ها نیز همین گونه بودند و کمتر در نغمات خود را غرق می‌کردند.

استاد مروت در سال ۱۳۵۴ به دلیل اینکه در ایران کسی نبود که سطح بالایی در زمینه علم قرائت داشته باشد، پس برای کسب علم و تبحر بیشتر به کشور مصر سفر کرد و به همین دلیل ما از وجود ایشان بی‌بهره شدیم، البته اگر پرسشی داشتیم به ایشان نامه می‌نوشتیم و استاد نیز با از طریق نامه و یاد برخی موارد که سؤال مادر مورد تلفظ و میزان کشش‌ها بود از سال صوت از طریق نوار کاست، پاسخ شاگردانش را می‌داد.

زمانی که استاد مروت، قصد سفر به مصر را داشت، پیش از سفر، تقریباً هر روز هفته، شب‌ها جلسه قرآن دایر می‌کرد. بنده به خاطر دارم، ایشان جلسه‌ای در مسجد حضرت رسول (ص) محله مجیدیه داشت که در هفته اول برپایی، تعداد افراد حاضر در



مال و هوای آموزش قرآن در تورنتو



ویژه‌نامه
بزرگداشت
استاد مروت

تلاوت قرآن باتکیه بر مفاهیم

مهدی مرصوصی، مقیم کانادا و از قاریان ممتاز قرآن کریم و از شاگردان استاد محمدتقی مروت درباره تأکید استاد بر مفاهیم قرآن بیان کرد: استاد مروت اشاره داشت که مهم، تلاوت قرآن با حضور دل و توجه قلب و درست خواندن است نه اینکه آواز خوانی کنیم و صدایمان را خیلی بالا ببریم تا با صوت، توجه عموم را به دست آوریم. تذکر ایشان این بود که در این وادی غرق نشویم و ضرورتاً مفاهیم قرآن را در نظر بگیریم و بر اساس آن تلاوت کنیم.





که اکنون نیز اینجا در کانادا هستند، حسینیہ کوچکی برای تدریس استاد تدارک دیدند و مدتی بعد از ایشان برای حضور در مسجد امام مهدی (عج) که در اختیار ایرانی ها قرار گرفته بود، دعوت شد. استاد مروت در ادامه برای اهل تسنن نیز جلسات قرآن برقرار کرد؛ آنها نیز استقبال خوبی داشتند و برای جلسات اهمیت زیادی قائل بودند. البته هم‌اکنون بنده نیز جلسه قرآن دارم، اما تعداد افراد حاضر در آن اندک است؛ چرا که شیعیان کانادا بیشتر در جستجوی تفسیر و مفاهیم قرآن هستند تا صوت و لحن و تجوید و یادگیری صحیح خوانی قرآن.

پرهیز از آواز خوانی

استاد مروت، همواره تأکیدشان بر صحیح‌خوانی قرآن و پرهیز از آواز خوانی بود. یادم هست، سال ۸۸ که ایران آمده بودند با استقبال خوبی مواجه شدند، اما از یک چیز شوکه شدند و آن اینکه در ایران همه به سمت آواز خوانی پیش رفته‌اند و خیلی‌ها هم به جایگاه‌های بالا دست یافته‌اند، اما موارد تجویدی را رعایت نمی‌کردند؛ از این مسئله خیلی گله‌مند بودند. برایم تعریف کردند، فلان قاری این طوری خواند، ولی غلط فاحش تجویدی داشت!

استاد مروت تأکید داشت که مهم، تلاوت قرآن با حضور دل و توجه قلب و درست خواندن است نه اینکه آواز خوانی کنیم و صدایمان را خیلی بالا ببریم تا با صوت، توجه عموم را به دست آوریم. تذکر ایشان این بود که ضروراً مفاهیم قرآن را در نظر بگیریم و تلاوت کنیم.

تمام جلسات من با استاد مروت به شکل خصوصی و تلفنی بود و هر دو سه هفته یکبار منزل ایشان می‌رفتم. استاد مروت در جلسات، مسائل مختلفی از جمله نکات مهم تجویدی و معانی و ... را بیان می‌کردند، همین‌طور در مورد یک مسئله خاص تاریخی یا نکات کلامی، مطلبی را متذکر می‌شدند. سعی می‌کردند جلساتی که با ایشان داشتم، با نشاط برگزار کنند و زمانی را صرف لطیفه‌گویی می‌کردند.

هنگامی که کانادا آمدم در مسجد امام مهدی (عج) به عنوان قاری قرآن حضور یافته‌ام، اما خیلی مشتاق بودم که تجویدم را کاملتر کنم که آن موقع هنوز استاد مروت را نمی‌شناختم تا اینکه به من گفتند

استادی در تورنتو است که ایشان متخصص در این زمینه است.

منزل استاد رفتم. بار اولی که به من گفتند بخوان، واقعا بدنم می‌لرزید، فکر کنید کسی که با مصطفی اسماعیل و عبدالباسط مراده داشته است، چطور می‌خواهید در برابرش بخوانید. استاد گفت: «تجوید باید بر نعمات سوار باشد و تجوید مهمتر است». دفعه دوم که خدمت ایشان شروع به خواندن کردم دیگر حواسم را جمع کردم، کار ما شروع شد و استاد راهنمایی می‌کرد و من یادداشت برمی‌داشتیم و تمرین می‌کردم به تدریج، احساس کردم که تجویدم بهتر شده است.

استاد مروت مقامات را تا حدی می‌شناختند؛ لذا بنده به سایت‌های اینترنتی آموزش مقامات مراجعه می‌کردم و از آن سایت‌ها ملودی‌هایی را انتخاب کردم و همه مقام‌ها را استخراج کردم و نیز تلاوت‌های استاد مصطفی اسماعیل را گوش می‌دادم و بعد برای استاد مروت می‌خواندم و با نظرانی که از ایشان می‌گرفتم، تلاوت‌م را اصلاح می‌کردم.

قراءات مختلف از نظر استاد

نکته مهمی که ایشان همیشه تذکر می‌دادند، بحث اختلاف قراءات بود. ایشان یکبار از من پرسیدند: «نظرت درباره اختلاف قراءات چیست؟» خواستند مطمئن شوند که من علاقه‌ای ندارم؛ پاسخ دادم تسلطی ندارم، اما فکر می‌کنم که مناسب است، قراءت نکنیم، بهتر است بر سبکی که از امیر المؤمنین (ع) به ما رسیده است، تکیه کنیم و این را تقویت کنیم.

ایشان خیلی روی این مسئله تکیه داشتند که علوم تجویدی برای این است که قرآن را با سهولت و شیواتر تلاوت کنیم و بهترین مصداق تلاوت، قراءت حفص از عاصم است. در قراءت‌های دیگر به خاطر تکرر سبک و چیزهای مختلف از شیوایی و روانی تلاوت کاسته می‌شود.

ایشان مثال‌های مختلفی داشتند و می‌گفتند که مثلا در این روایت، قرآن خیلی بد تلاوت می‌شود؛ در صورتی که در تلاوت حفص از عاصم، تلاوت زیبا می‌شود. ایشان روی این مسئله تأکید فراوانی داشتند که به جد از اختلاف قراءات خودداری کنیم.

زمانی که بنده شاگرد استاد مروت بودم، ایشان جلسه عمومی نداشتند؛ توفیق داشتم، سه سال شاگردی ایشان را کردم. استاد مروت در ابتدا با جمعی از شیعیان پاکستانی که عنوان «خوجه» را داشتند، جلساتشان را آغاز کردند. آنها جمع بسیار منسجمی هستند که سابقاً مسجد امام مهدی (عج) تورنتو در اختیار آن‌ها بود.

استاد مروت، اولین جلسات قرآن را در آن مسجد برقرار کرد. شخصی به نام «شیخ رضی» از این اقدام استقبال کرد، اما هنگامی که هیئت امنای مسجد تغییر کرد با ایرانی‌ها خوب نبودند؛ لذا به استاد اجازه نمی‌دادند تا به آنجا برود. در ادامه جمعی از دوستانی



و امید غفاریان از جلسات قرآن استاد در کانادا می‌گویند

نجات شاگردان از اسارت نغمات

جلسات استاد محمد تقی مروت در شهر تورنتو، بیشتر در باره تجوید و مفاهیم قرآن و به دور از هیاهوی پرداختن به نغمات بود. تلاوتش، بسیار حزن‌برانگیز بود. بارها کلامش این بود که این روایت را داریم که با صوت حزن‌برانگیز بخوانید و اگر مبدا خواندن خود را به صورت آوازه‌خوانی در بیاورید، آن حال و هوای قرآن از ذهنتان می‌رود.

خاطرشان مانده در حالی که از یاد مارفته بود. نکته‌یابی ایشان خیلی عجیب بود. تکیه عمده‌ای که روی مفاهیم و تجوید داشت، بسیار تأمل‌برانگیز بود. مثلاً یک نقطه‌ای از قرائت را رها می‌کرد و در مقوله مفهوم وارد می‌شد و راجع به آن پنج تا ۱۰ دقیقه صحبت می‌کرد، شاید رشته کلام قاری از دست می‌رفت، اما ایشان خیلی در بند صوت نبود و همواره تأکید داشت که مبدا مفاهیم و تجوید را فدای صوت کنید.

ایشان بستگی به رتبه‌ای که شاگرد داشت؛ یعنی براساس هر شاگرد یک فایل در ذهنشان داشت؛ یعنی فرض کنید برای یک شاگرد حتی روی ترتیب حروف صحبت می‌کرد. در جای دیگر زمانی برای فردی قواعد پیچیده‌تر در نظر داشت و این امر بسته به شاگرد مورد نظر خیلی متفاوت بود، اما عمده مسئله‌ای را که من شاهد بودم، این بود که ایشان تأکید فراوانی داشت که شما باید از ابتدا شروع کنید؛ یعنی مثلاً به افرادی که تنها با اطلاعات صوت و نغمات نزد ایشان می‌آمدند، تأکید می‌کرد که شما بروید و قرائت مرحوم خلیل الحصری را گوش دهید تا در تجوید سر رشته پیدا کنید.

استاد مروت از همان ابتدای آموزش، خیلی حوصله به خرج می‌داد و اشاره داشت که این امر هیچ اشکالی ندارد که ابتدا صوت را گوش دهید و تجوید را قوی کنید و این تجوید، می‌توانست یا با توجه به وقوف و یا ادای حروف باشد، فرقی نمی‌کرد؛ چرا که هر کدام از این مباحث را از ابتدا

استقبال برای مسئولان مسجد کمی گران بود؛ لذا روزی امام جماعت که هندی بود، نزد ایشان می‌آید و می‌گوید شما همه مردم را به خود جذب کردید، بهتر است که به مسجد ایرانی‌ها بروید، البته آن وقت ایرانیان، مسجدی نداشتند.

مرحوم مروت، بسیار شخصیت بسیطی داشت از این جهت که هیچ چیزی را نمی‌توانستیم از وی مخفی نگاه داریم؛ یعنی اگر کسی در تلفظ، یک لحظه اشتباهی را انجام می‌داد، ایشان خیلی زود آن را گوشزد می‌کرد. حتی گاهی آموزش قرآن را از طریق تلفنی از استاد دریافت می‌کردیم، صدانیز خیلی خوب به گوش نمی‌رسید با این حال نیز حتی یک لحظه اگر یک تلفظی مقداری اشتباه بود و یا به هر صورتی یک قاعده، کامل رعایت نمی‌شد، ایشان با فراست این را می‌گرفت و تذکر می‌داد و این بسیار برایم قابل تحسین بود و یا به طور نمونه فرض کنید شما در ماه مهر هستید، ایشان می‌گفت که شما در چند ماه پیش در آن جلسه، این اشتباه را داشتید و الآن نیز مجدداً انجام دادید و من هم به شما گفته بودم؛ یعنی از این جهت حافظه‌شان بسیار عالی بود، البته عالی که چه عرض کنم، یک مقدار شگفت‌انگیز بود که چگونه این مورد

سفره آموزش قرآنش همیشه پهن بود. شیعه و سنی همه با شوق به جلسه‌اش می‌آمدند. یاد می‌آید ایشان می‌گفت حدود سی سال قبل در مسجد Bayview تلاوت می‌کرد که آن مسجد برای خوجه‌های پاکستان بود و چنان محیط را تحت تأثیر قرار داده بود که مردم زیادی صرفاً برای شنیدن قرائت استاد می‌آمدند. خلاصه این



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت





کار هر شاگرد، تأکید داشت که «حفص» را دنبال کند. من در این مدت برنامه قرآنی خود را با ایشان ادامه دادم تا این چندماه اخیر که مدتی حال ایشان اجازه نمی‌داد تا حضوری خدمتشان برسم و از طریق تلفن در خدمت ایشان بودم تا اینکه پس از مدتی حال عمومیشان اجازه نداد تا بیشتر از محضر استاد بهره‌بریم.

بنده فیزپوتراپ هستم و مدت ۱۲ سال است که در کانادا زندگی می‌کنم. از کودکی در ایران توفیق آن را داشتم که در مکتب قرآن باشم. لطف خداوند متعال بود که آنجا اساتید مختلفی مانند مرحوم «سیدحسین حسینی» را به‌ویژه در زمینه تجوید درک کردم. سپس با مرحوم مولایی آشنا شدم و توفیق داشتم که خدمت ایشان باشم. پس از ورود به کانادا نیز با مرحوم مروت آشنا شدم و واقعا استاد مروت را با هیچ استاد قرآنی قابل قیاس نمی‌دانم؛ یعنی دیدگاهی که ایشان نه تنها به من بلکه به بقیه شاگردانش دادند به‌ویژه در رابطه با نحوه برخورد با مفاهیم قرآنی بسیار تحسین‌برانگیز و متفاوت بود.

فقدان مرحوم استاد مروت واقعا برایم دردناک و سخت است. مقام علمی استاد واقعا بی‌نظیر و بی‌بدیل بود، البته بعید می‌دانم که از لحاظ احاطه علمی در مباحث قرآنی شخصی در حد ایشان باشد، ولی امیدوارم راه مرحوم استاد مروت که از اساتید بی‌نظیر در عرصه تلاوت قرآن کریم و کلام الهی بود، ادامه پیدا کند.

یا تلویزیون عربی بودند. در ادامه، بحث از مباحث قرآنی خارج شد و به مباحث مذهبی کشید. استاد به قدری ماهرانه از آیات قرآن در جهت اثبات تشیع استفاده می‌کرد که برایم بسیار جای خشنودی داشت که ایشان چگونه با تسلط کامل به زبان عربی می‌توانست در برابر فردی که غیر شیعه بود این مبحث را جلو ببرد. آن روز یکی از بهترین و زیباترین روزهایی بود که من در خدمت استاد بودم و به داشتن چنین استادی افتخار کردم.

نکته‌ای که درباره استاد به ذهنم می‌رسد که مرحوم مروت را از بقیه اساتید، ممتاز می‌کند، این است که متوجه شدم که ایشان در طول زندگی، بسیار مجاهدت کرده و خیلی سختی کشیده‌اند. استاد آرام خود را در خود می‌ریخت و نمی‌گذاشت تا بروز کند. زندگی‌اش چه در ایران و چه در کانادا، خیلی سخت گذشته بود، اما این سختی را به جان می‌خرید و سعی می‌کرد تا به خود تکیه کند.

ایشان شاید وضعیت معیشتی خوبی نداشت، اما هیچگاه به خود اجازه نداد که برای آموزش قرآن که ساعت‌ها برایش وقت می‌گذاشت، مطالبه مالی داشته باشد. به خاطر دارم که در یک برهه زمانی در یکی از مساجد تورنتو، تلاوت می‌کرد، فردی از ملیتی دیگر، تلاوت ایشان را ضبط می‌کرد و سپس، این صوت‌ها را در جای دیگر می‌فروخت، استاد با وجود اطلاع از این مسئله، چشم‌پوشی می‌کرد.

در رابطه با قرائات مختلف نیز استاد از همان ابتدای

خیلی از پایه مطرح می‌کرد که آن سنگ ابتدا را خوب بچیند و بالا برود.

اگر فردی که پایه آموزش قرآنش خوب نبود و با همان ضعف بالا می‌آمد، می‌گفت که شما این مباحث را کار نکردید و باید دوباره از پایه آغاز کنید. ایشان خیلی تأکید داشت که تنها فردی که تجوید خوبی دارد، روی نغمات کار کند.

جلسات مرحوم مروت، جلسات خاص و به دور از هیاهو بود. استاد مروت تلاوت حزینی داشت. همیشه می‌گفت که این روایت را داریم که با صوت حزین بخوانید. مبدا اسیر موسیقی شوید و آن حال و هوای قرآن از ذهن‌تان برود.

استاد سعی می‌کرد، کنترل کامل روی جلسات داشته باشد؛ یعنی فضا فضای قرآن بود. عمده بحث ایشان این بود که مبدا از آن خواندن کلاسیک قرآن عقب بنشینید. اگر احساس می‌کرد، فردی اسیر مقامات شده است و وی را به عقب برمی‌گرداند و از همان جلسات نمی‌گذاشت آن فرد جلو تر برود، ولی اگر فردی را می‌دید، خیلی خوب کار می‌کند، وی را تشویق می‌کرد که ادامه دهد و جلو رود. افرادی که واقعا به دنبال قرآن بودند و در جلسات استاد شرکت می‌کردند، سر از پا نمی‌شناختند تا روزهای یکشنبه پای درس استاد بنشینند.

جلسه‌ای را به خاطر دارم که در منزل ایشان، خدمت استاد رسیده بودیم و من مشاهده کردم که ایشان در حال بحث با یکی از شبکه‌های رادیو

استاد از دید سردار

خود ساختن و متواضع

سردار ابراهیم جباری، فرمانده حفاظت و امنیت سپاه پاسداران و فرمانده سپاه ولی امر است. او پیش از این، فرماندهی سپاه‌های زنجان، قزوین و قم را نیز بر عهده داشته است، وی در سال‌هایی که هنوز لباس خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را بر تن نکرده بود در جلسات قرآن استاد محمد تقی مروت کسب فیض کرده است که در ادامه گفت‌وگو با وی رami خوانید.

● **سردار، در چه سالی و به چه نحوی با استاد مروت آشنا شدید؟**

اوایل دهه ۵۰ با استاد مروت آشنا شدم و توفیق یافتم تادر جلسات آموزش و قرائت قرآن ایشان که در سطح شهر تهران برگزار می‌شد، شرکت کنم. یکی از این جلسات قرآن پر ثمر و سرشار از معنویت در محدوده پل امامزاده معصوم (ع) تهران برگزار می‌شد.

● **یعنی اولین جلسسه‌ای که پای درس استاد مروت نشستید، جلسه آستان امامزاده معصوم (ع) بود؟**

خیر؛ اولین جلسه‌ای که پای درس استاد حضور یافتم و تلمذ کردم، مسجد قنات آباد بود. از حدود سنین ۱۵ سالگی به همان شیوه قرائت سنتی و قدیمی که در ایران مرسوم بود، جلسه قرآنی را دایر کرده بودم، یک بار

در مجلسی برای استاد مروت، آیتی از قرآن را خواندم که ایشان متوجه توجه من به قرآن و علاقه من شدند و از من خواستند تادر یکی از جلساتشان حضور یابم. این دلیلی شد که در جلسات بعدی او حضور یابم.

● **شاگردان استاد بیشتر از کدام مناطق بودند، می‌خواهم بدانم که پراکندگی خاصی داشت؟**

اغلب شاگردان استاد از افرادی بودند که در همین محدوده امامزاده حسن (ع) و پل امامزاده معصوم (ع) زندگی می‌کردند.

● **رابطه استاد با شاگردان به چه صورتی بود، آیا در جلسات ایشان شاهد یک رابطه خشک و صرفاً آموزشی بودیم؟**

رابطه صمیمی و عاطفی بین شاگرد و استاد در جلسات قرآن زنده یاد مروت برقرار بود. استاد، همواره من را با اسم کوچک و با پسوند «جان» صدامی کرد. حتی بعدها که در خارج از کشور ساکن بودم، بعضاً باهم در ارتباط بودیم. با من تماس می‌گرفت و درد و دل و صحبت می‌کرد.

● **آخرین دیدار شما با استاد چه زمان و به چه نحوی بود؟**

سال ۸۸ که به کشور آمدند، دیداری با ایشان داشتم و این باعث شادی و شغف بسیار زیادی برای من شده بود.

● **اگر بخواهید به یکی از ویژگی‌های خاص استاد اشاره کنید، به کدام ویژگی اشاره می‌کنید؟**

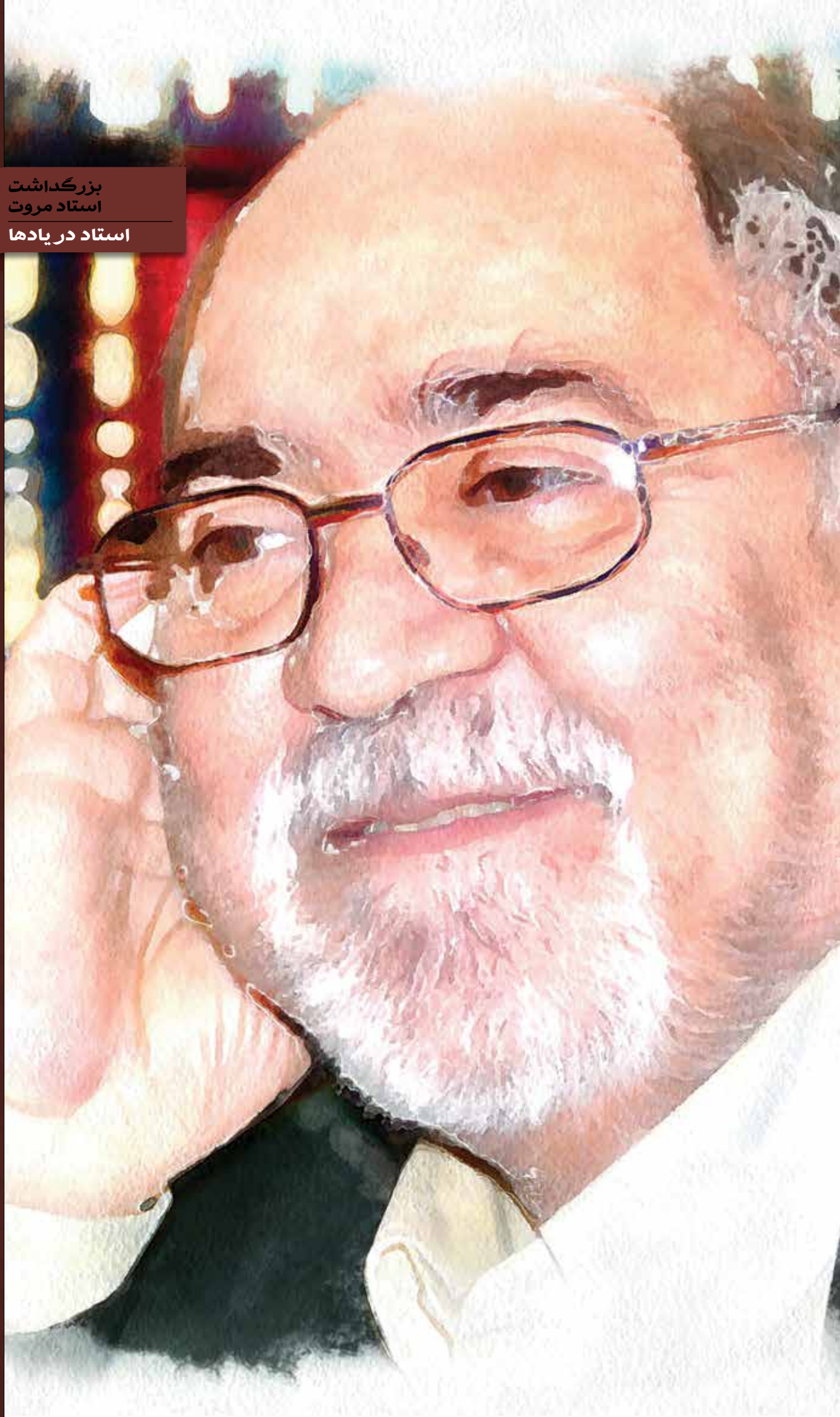
از جمله ویژگی‌های استاد مروت، بحث خودساختگی ایشان بود. واقعاً زحمت کشید و قرائت قرآن را به سبک صحیح و نوین در ایران بنیان گذاشت. ادب و تواضع او در جایگاه استادی به اندازه‌ای بود که او نسبت به شاگردان مهر و محبت وصف ناپذیری داشت به گونه‌ای که انسان را شیفته خود می‌کرد.

● **اگر مطلب خاصی در مورد استاد مروت باقی مانده است، بفرمایید.**

من سفرهای متعددی را با ایشان داشتم؛ لذا گاهی به همراه استاد و سایر دوستان قرآنی، برنامه‌های زیارتی و سیاحتی می‌گذاشتیم که از بسیاری از جهات آموزنده بود. نکته دیگری که می‌توانم درباره استاد مروت بگویم، این است که ایشان، بسیار متواضع بود و حقیقتاً روح بلندی داشت. ضمن اینکه با همه، رابطه صمیمانه‌ای برقرار می‌کرد.



بزرگداشت
استاد مروت
استاد دریادها



دورادور ادامه داشت و سه ماه به طول انجامید تا اینکه سرانجام ایشان به من پیشنهاد ازدواج داد. وی با خوشحالی به بیان خاطرات خود ادامه داد و گفت: من از ایشان خواستم که به من دو هفته فرصت فکر کردن بدهد اما ایشان فقط با یک هفته موافقت کرد.

زیتون بنت محمد افزود: در آن زمان به عنوان مدیر توسعه اقتصادی در یک شرکت سنگاپوری به نام «فناوری سنگاپور» در جزیره کوچکی در اندونزی کار می‌کردم که بعد کارم را به خود سنگاپور منتقل کرده بودم. من در سنگاپور متولد شده و تحصیلات مقدماتی را در آنجا گذراندم و دیپلم خود را در رشته مدیریت بازرگانی گرفته‌ام. وی افزود: پس از اینکه با پیشنهاد ازدواج موافقت کردم، ایشان به مدت یک هفته برای آشنایی با خانواده من به سنگاپور آمد. ایشان به کانادا برگشت و من با رضایت خانواده، مقدمات قانونی ازدواج را که در سنگاپور کمی زمان‌گیر است، فراهم کردم و ایشان دوباره به سنگاپور آمدند و ماعدت کردیم.

وی ادامه داد: دوباره ایشان به کانادا برگشتند و کارهای لازم برای مهاجرت به کانادا را انجام داد و سال بعد یعنی سال ۲۰۰۰ در کانادا به او پیوستم و زندگی خود را شروع کردیم.

می‌گفت بهتر شوم، به ایران می‌روم

همسر مرحوم استاد مروت گفت: در طول مدت بیماری بسیار دلش می‌خواست که به ایران بیاید، اما وضعیت بیماری‌اش شدیدتر می‌شد. می‌گفت بهتر که شوم می‌خواهم به ایران بروم اما بیماری او هرگز بهتر نشد. زمانی بود که تصور می‌کردیم که ایشان بهبود یافته و می‌خواستیم به ایران بیاییم، اما پزشکان به ایشان اجازه پرواز ندادند و ما مجبور شدیم پرواز خود را کنسل کنیم. وی افزود: استاد در روزهای آخر تصور می‌کرد که



شفیعت استاد مروت به روایت همسر

ترجمه قرآنی که ناتمام ماند

«زیتون بنت محمد»، همسر مرحوم محمد تقی مروت که متولد سنگاپور است و ۱۷ سال با استاد مروت زندگی کرده است به نحوه آشنایی و بخشی از خاطرات زندگی‌اش اشاره می‌کند و از ترجمه ناتمام قرآن کریم به زبان انگلیسی می‌گوید.

آنان در یک گردهمایی شرکت کردم. در این گردهمایی همسر خواهرم، مرا به استاد مروت معرفی کردند و ما با هم آشنا شدیم. وی افزود: پس از آن من به کشورم سنگاپور برگشتم و ایشان به کانادا رفتند، اما آشنایی ما

همسر مرحوم استاد محمد تقی مروت با مرور خاطراتش از ۱۷ سال زندگی مشترک با این استاد نامدار قرآنی از نحوه آشنایی با وی گفت: سال ۱۹۹۹ بود، خواهرم و همسرش در مالزی زندگی می‌کردند. من به مالزی رفته بودم و همراه



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

زیادی می‌گذاشت. خاطرات فراوانی از مهر پدری‌اش دارم، که در این روزهای فقدانش بارها آن را با خود مرور می‌کنم.

پدرم شخصی امین و حضور خدا همیشه در زندگی‌اش ملموس بود. کاری را بخاطر پول انجام نمی‌داد و به دلیل عشقی که به قرآن داشت، علاقه‌مند بود تا قرائت قرآن را به همه آموزش دهد به گونه‌ای که جلساتی در خانه‌اش مخصوص آموزش قرآن داشت، بدون اینکه مبلغی دریافت کند؛ چون عشق یاد دادن این هنر خدایی را به سایرین داشت. زندگی پدرم تماماً قرآن بود و واقعا همه چیز در زندگی او فقط قرآن بود و غیر از آن نبود.



همه زندگی پدرم قرآن بود

فرزند اول و تنها دختر محمد تقی مروت هستم. او پدری ایده‌آل بود، همیشه به تمامی اعضای خانواده چه من و چه برادرانم احترام

در ایران است و مرتب سراغ خواهران و برادرش را می‌گرفت و می‌پرسید که چرا به دیدن او نمی‌روند و ما مجبور بودیم مرتب یادآوری کنیم که در ایران نیستیم و در بیمارستان تورنتو هستیم. زیتون بنت محمد توضیح داد: سه ماه در بیمارستان «تورنتو جنرال هاسپیتال» بستری بود و بعد از آن به بیمارستان دیگری به نام «تورنتو ایست جنرال هاسپیتال» منتقل شد و یک ماه در آنجا بستری بود که در همانجا درگذشت. وی در مورد ویژگی‌های شخصیتی استاد مروت گفت: ایشان بسیار فرد سختگیر در آموزش قرآن بود، اما صبور و به‌طور کلی انسان خوبی بود. همسر استاد محمد تقی مروت گفت: استاد در کنار فعالیت‌های خود کلاس‌های آموزش قرآن در خانه هم داشت. قرآن‌آموزان یا به خانه ما می‌آمدند یا در صورت وجود فاصله مکانی به صورت تلفنی آموزش را فرامی‌گرفتند.

قرآن‌آموزی استاد به شاگرد در بیمارستان
وی افزود: یکی از قرآن‌آموزان او حتی زمانیکه استاد بیمار بود با قرآنش به بیمارستان می‌آمد و استاد با وجود اینکه بسیار بیمار بود به او درس می‌داد. برخی شاگردان او نیز از دیگر شهرهای کانادا تماس می‌گرفتند و استاد به صورت تلفنی به آنان آموزش می‌داد. خانم زیتون گفت: او استاد بسیار برجسته‌ای بود و در دوران سلامتی‌اش، قرآن‌آموزان بسیاری را آموزش می‌داد. ایشان به دانش‌آموزان نوجوان زیادی از ۱۰ سال به بالا در مسجد و یاد در خانه قرآن آموزش می‌داد. زیتون بنت محمد گفت: او از قرآن‌آموزانش، همواره می‌خواست که یادداشت‌برداری کنند و می‌گفت اگر می‌خواهید یاد بگیرید و

فراموش نکنید باید نکات مهم را در یک مجموعه داشته باشید.

استاد به من قرآن آموخت

وی گفت: من خواندن قرآن را بلد نبودم و ایشان به من نیز قرائت قرآن را آموزش می‌داد و من چیزهای زیادی از ایشان آموختم. زیتون بنت محمد گفت: ایشان یک استاد قرآنی بود و به همین خاطر من عاشقش بودم. خانواده من نیز ایشان را بسیار دوست داشتند.

علاقه استاد به مصطفی اسماعیل

زیتون بنت محمد افزود: قرائت مصطفی اسماعیل، قرائت مورد علاقه ایشان بود و همواره در حال گوش دادن به قرائت ایشان بود. گاهی نیز به قرائت استاد عبدالباسط گوش می‌داد.

گردآوری ترجمه انگلیسی قرآن

بنت محمد گفت: استاد مروت همچنین در حال ترجمه قرآن به زبان انگلیسی بود که البته نمی‌دانم آیا توانست آن را به اتمام برساند؟ اما می‌دانم تعداد زیادی از سوره‌ها را ترجمه کرده است. در حال حاضر نیز نوه ایشان «یاشا» در حال گردآوری ترجمه‌های انجام شده توسط استاد است تا در ایران به چاپ برسد.



استاد در یادها

پدر به جا مانده است که با تنظیم و تدوین آنها در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهیم داد. ما، فرزندان استاد قرآنی محمد تقی مروت، همیشه به پدرمان و استعدادهای خدادادی‌اش، تواضع، انسانیت، مهربانی، امانتداری‌اش و البته رابطه نزدیکش با خدای متعال، افتخار می‌کردیم و خواهیم کرد. واقعه فقدان پدر، هنوز برایم دردناک است. خداوند به ما برای گذر از این مرحله، صبر عنایت بفرماید.

مرضیه مروت

به یاد دارم در لحظات آخر عمر پدرم، فردی در کنار تختشان مشغول به قرائت قرآن شد با وجود اینکه پدرم نمی‌توانست صحبت کند، اما ابراد قرائت او را گرفت و این نشان‌دهنده میزان علاقه او به قرائت قرآن بود. از قاهره و قاریان مصری، تصاویر زیادی در ذهن دارم به گونه‌ای که در یادم هست، پدرم مورد احترامشان و مدام با قاریان بزرگ مصری در تماس بود؛ چون قرائت وی مشابهت با قرائت آنان داشت. پدرم در این اواخر نیز در حال نوشتن کتاب دیگری بود که ان شاء الله سعی در چاپ آن داریم. همچنین حدود ۱۷۱ لوح فشرده از قرائت‌های

عباس سلیمی در توصیف عملکرد نخستین قاری بین‌المللی ایران

آغاز افتخارات جامعه قرآنی

عباس سلیمی، خادم القرآن و پیشکسوت قرآنی که پس از استاد محمدتقی مروت، دومین ایرانی است که در سال ۱۳۵۸ ه. ش (۱۹۷۹) رتبه اول مسابقات بین‌المللی قرآن کشور مالزی را کسب کرده متنی را در بیان میزان اثرگذاری فعالیت استاد مروت در روند شکل‌گیری تلاوت صحیح قرآن و نیز از دست رفتن فرصت‌ها برای بهره‌مندی از وجود این خادم قرآن منتشر کرد.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ ما اینگونه نیکوکاران را پاداش خواهیم داد.» (الصفافات/۸۰)
و هنگامی که خداوند حکیم علی‌الاطلاق و پروردگار عادل مهربان، اراده فرماید عزت و سربلندی را قریب راه عروج بندگان صالح و قرآنیان با اخلاص خویش فرماید، اینگونه مقدر می‌سازد که برادر والامقام و معلم و پیشکسوت ارجمند قرآن، شادروان زنده یاد مرحوم استاد محمدتقی مروت رضوان الله تعالی علیه در سن ۷۲ سالگی و در شب عاشورا؛ یعنی همان شبی که سالار شهیدان کربلا حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام آن را به تلاوت قرآن و اقامه نماز اختصاص دادند، دعوت خدای حسین را لبیک گفته، میهمان عاشورائیان قرآن‌باور و ولایت‌مدار گشته و پاداش عمری مجاهدت خود را در راه قرآن دریافت نماید.
الغزوة للواحد القهار.

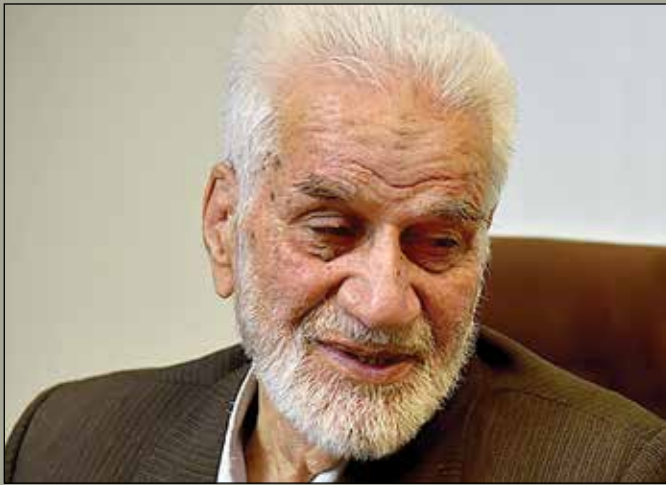
اولین‌الگوی ممتاز قرائت قرآن

مرحوم استاد محمدتقی مروت، همان عزیز بزرگواری است که اولین‌الگوی ممتاز قرائت قرآن در عصر ما و نسل گذشته بود،...
وی تمام دوران عمر شریف خود را از زمان نوجوانی در سال‌های خفقان رژیم ستمشاهی در راه قرآن و نشر و گسترش تلاوت و فرهنگ آن مصروف داشت و از همین رو سهم فراوانی در ارتقاء فرهنگ تلاوت قرآن در طول بیش از نیم قرن گذشته داشت و حق بزرگی بر گردن آحاد جامعه قرآنی دارد.
برکات وجودی آن خادم با اخلاص قرآن، منحصر به میهن عزیز اسلامی نشد و بلکه در فراسوی مرزهای کشور از جمله در کانادا نیز مایه کسب حیثیت برای ملت بزرگ ایران اسلامی گردید.
اگرچه جامعه قرآنی ایران اسلامی، استادی بزرگ و دلسوز، معلمی عاشق، مدرسی توانمند و کوشا، عنصری علمی و مفید و بالاخره مردی وارسته و عاشق را از دست داد، لکن این مشیت الهی در تقارن با ساعاتی قرار گرفت تا همیشه شب‌های عاشورا، یادآور عروج ملکوتی آن شاگرد موفق قرآن و خادم با اخلاص حضرت امام حسین علیه السلام باشد.

همزمان با ارتحال آن عزیز سفر کرده قرآنی به این ویژگی بارز ایشان نیز باید اشاره نمود که استاد محمدتقی مروت، با وجود بی‌مهری‌ها و تنگ‌نظری‌های معدود افرادی که خود را قیم جامعه

ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت



اوج گیری فضای جلسات استاد مولایی با حضور استاد مروت

یحیی علیمردانی، پیشکسوت قرآنی در رابطه با مرحوم استاد محمد تقی مروت در بیان چند خاطره کوتاه عنوان کرد: از سال ۱۳۴۶ با این استاد مسلم قرآن کریم آشنایی داشتم و هر زمان که به بازار می آمد به مغازه بنده سر می زد و کلی با یکدیگر صحبت می کردیم.

وی بیان کرد: در سال های ۱۳۴۶-۱۳۴۷، اوقاف آن زمان، تصمیم گرفت مسابقات قرآنی برگزار کند و منتخبان این مسابقات را برای تلاوت قرآن به شهرهای مختلف اعزام کند. البته این کار برای این بود که وجهه دستگاه شاهنشاهی را دین دار جلوه دهد. این مسابقات که ۱۸۰ نفر نام نویسی کرده بودند در مسجد ارگ به مدت چهار شب برگزار شد و بنده و مرحوم استاد مروت و چند نفر دیگر مقام کسب کردیم و به استان های مختلف برای تلاوت قرآن کریم اعزام شدیم. استاد مروت به مشهد مقدس و بنده به استان کرمان اعزام شدم.

این مدرس قرآن در ادامه به صحبتی از دوران ریاست جمهوری مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: مقام معظم رهبری فرموده بودند که استاد محمد تقی مروت را هر طوری هست، برگردانید و از وجودش استفاده کنید اما برخی مسائل مانع شد ایشان بتوانند برای زندگی به ایران بازگردند.

علیمردانی افزود: تنها کسی که از تمامی قاریان جلو تر بود و حتی از قاریان مصری هم عقب تر نبود، استاد مولایی بود؛ ایشان در جلسات خود هر قرآن آموز را با هر سطح توانمندی و صوت، تحمل می کرد. زمانی که استاد مروت به جلسه قرآن استاد مولایی می آمدی گذاشت این جلسه فضای دیگری پیدا می کرد. همچنین زمانی که اساتیدی از جمله موسوی بلده، خدام حسینی، غفاری، شهید احمد انصاری و... به جلسه استاد مولایی می آمدند، دیگر جلسه روی دست می رفت.

یادآور می شود، استاد علیمردانی، پیشکسوت قرآنی بیش از ۵۰ سال سابقه برگزاری دوره های آموزش قرآن را در قالب جلسات قرآن در بسیاری از ارگان های دولتی و غیر دولتی دارد.

قرآنی می پندارند با پیروی از دیدگاه آن عالم عارف فرزانه ای که شیوه (مرنج و مرنجان) را ارائه فرمود، همواره نشاط و شادابی و انگیزه های خود را در طول زندگی و عشق به ایران اسلامی و خدمت به ساحت مقدس قرآن حفظ نمود و البته آنان که مانع بهره روری کامل جامعه قرآنی از برکات وجودی ایشان شدند، باید خود را برای پاسخگویی در یوم الحساب آماده سازند.

موفقیت استاد مروت نقطه عطفی در آموزش قرآن کریم در کشور ما بود. از آن تاریخ ایشان فتح باب افتخارات امروز جامعه قرآنی شد و ما به عبارتی مستقیم و غیر مستقیم وامدار و مدیون محمد تقی مروت عزیز و بزرگواری هستیم که در دوران رژیم اختناق الگویی ممتاز برای جوانان و نوجوانان عزیز ما شد. اگر چه مع الاسف برخی از تنگ نظری هایی که همیشه مانع و آفت راه رشد استعداد های جوانان عزیز ما بوده سبب شد تا به خاطر این بی مهری ها نتوانیم از وجود استاد آنگونه که باید و شاید بهره مند شویم، اما هیچ عاملی نتوانست مانع عشق ورزی او به قرآن شود. او این مسیر و ارتقای سطح کیفی قرائت قرآن را مجدانه دنبال کرد.

سال ها حضور او در مهد قرائت قرآن، درک شور مصر و ارتباط بسیار صمیمی و نزدیک با اساتید بزرگ آسمان تلاوت قرآن بزرگانی که اسطوره های جاودان قرائت قرآن هستند و ارتباط با ایشان سبب ایجاد تحولی شگرف در امر قرائت قرآن و علم قرائت قرآن در کشور ما شد. در ایام غربت نیز استاد مروت عاشق و خادم قرآن بود و همواره تا پایان عمر خدمتگزار قرآن بود تا اینکه خداوند اراده فرمود پاداش او را در سن ۷۲ سالگی به او مرحمت کند و او در عاشورا میهمان خداوند بزرگ شد.

سلام و درود فراوان بر آن عزیز سفر کرده قرآنی، آن روز که دیده به جهان گشود، اکنون که به دیدار خدای مهربان شتافت و آن روز که برانگیخته خواهد شد.

این کمترین، ارتحال ملکوتی آن استاد عزیز و گرانقدر را به حضور خانواده معظم ایشان و جامعه محترم قرآنی، بالاخص نور دیدگان و سرور ارجمند جناب استاد دکتر سید محسن موسوی بلده تسلیت و تعزیت عرض نموده و به موازات آرزوی رفعت درجات و علو مرتبت زنده یاد جناب استاد محمد تقی مروت، امیدوارم نسل نوجوان و جوان ما با الگو برداری از این الگوی شایسته قرآنی، مسیر سعادت و خوشبختی و حسن عاقبت را پیمایند.»

مراودات پربرکت قاریان مصر و ایران

مرحوم استاد محمد تقی مروت، طی سال‌هایی که در ایران حضور داشتند به معنی واقعی کلمه بسیار برای آموزش قرآن به ویژه آموزشی بر طبق تجوید و قرائت اصولی و صحیح بدون هیچ چشم‌داشتی تلاش کردند و پس از دریافت رتبه اول در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم کشور مالزی در سال ۱۳۵۲ که نخستین مسابقات جهانی و مطرح‌ترین آن در آن برهه زمانی بود، شناخته شدند و طیف بیشتری از جوانان و نوجوانان را مشتاقانه گرد خود جمع کردند. او نه تنها ایران را در جهان به عنوان کشوری که به کلام‌الله مجید اهمیت می‌دهد، معرفی کرد، افتخاری برای همه شیعیان شد تا جلوی بسیاری از تهمت‌ها به شیعیان گرفته شود.

در آن زمان من نوجوان بودم و آوازه ایشان را شنیدم در این سن بیشتر وقتم را به جمع‌آوری نوارهای کاست قرائت قرآن می‌گذراندم و این کار را به سختی اما با عشق و علاقه‌ای فراوان انجام می‌دادم، همین جمع‌آوری تلاوت‌ها عاملی شد تا بیشتر با این استاد قرآنی آشنا شوم.

کسب این رتبه در آن زمان توسط مرحوم مروت، موج بسیار خوبی را ایجاد کرد و منجر شد تا اعتماد بنفوس خوبی بین نوجوانان و جوانان ایجاد کند که آن‌ها نیز چنین افقی را برای خودشان متصور باشند که می‌توانند در زمینه قرائت قرآن به قله‌ها دست پیدا کنند.

استاد مروت برای رسیدن به این رتبه بسیار تلاش کرد و حتی دو بار نیز طعم شکست در این رقابت‌ها را طی سال‌های قبل کشیده بود اما از پانزدهم شهریور ماه سال ۱۳۵۲ با عزمی جدی تر پا در این راه نهاد.

همین اتفاق؛ یعنی کسب رتبه جهانی، سرآغاز جریان بسیار بزرگ‌تر و مهم‌تری شد و آن اینکه زمینه را فراهم کرد تا مراودات بین استادان و قاریان ایرانی و مصری بیشتر شود، البته آن زمان، شرایط سختی وجود داشت و اینگونه مراودات و رفت و آمدها به سختی صورت می‌گرفت.

امکانات محدود بود و به طور معمول قاریان مصری به دعوت افرادی چون استاد مروت به کشور دعوت می‌شدند و بیشتر در منازل اساتید مطرح در تهران و مشهد حضور می‌یافتند. جوانان قرآنی با چه شوق و ذوق و صف ناپذیری گرد قاریان مصری حلقه می‌زدند و از کوچکترین لحظه برای پرسش از آنان غافل نمی‌شدند.

مسابقات قرآن به اشکال امروزی و تعدد بسیار وجود نداشت، تعداد اساتید ماهر در این زمینه محدود بود، جلسات آموزش قرائت قرآن اندک و در تهران و مشهد منحصر می‌شد، جوانان با اطلاع یافتن از حضور قاریان مصری، سریعاً اقدام به درک محضرشان می‌کردند.

البته این دریافت اطلاعات و دانش قرائت قرآن از قاریان مصری یک طرفه باقی نماند، بلکه مصری‌ها نیز تحت تأثیر این حضور، آمادگی پیدا کردند تا

درباره مذهب تشیع
بیندیشند و با



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت



جایگاهی که استادالاساتید بودن مرحوم «مروت» را تأیید می‌کند

دبیر شورای توسعه فرهنگ قرآنی در مورد استاد محمد تقی مروت و فعالیت‌های ایشان به نزدیک بودن محل زندگی‌اش با استاد مروت اشاره کرد و گفت: هم در محله خانی آباد و نیز در مسجد المصطفی (ص) در منطقه حسن آباد با هم ملاقات و دیدار داشتیم، ایشان از همان موقع کارهای قرآنی خوبی را شروع کرده بودند تا به عنوان یکی از پایه‌گذاران اصلی مکتب قرآنت در ایران به حساب بیایند. وی به آیه مبارکه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» اشاره کرد و افزود: ایشان از این حیث حق سبقت در امر احیای تلاوت در ایران را دارند و از این جهت می‌توان ایشان را به‌عنوان استادالاساتید نام برد. نکته قابل توجه ارادت ایشان به انقلاب و مقام معظم رهبری بود که نقطه قوتی برای این استاد فقید بوده و هست.

محمدی با اشاره به اینکه شرایط داخلی ایجاب نکرد که استاد مروت در کشور بمانند، تصریح کرد: ایشان شاید احساس می‌کرد به‌عنوان یک قاری مهاجر می‌تواند خدمات خود را در کشورهای غربی بیشتر پیش ببرد. ایشان به‌عنوان یکی از پیروان اهل بیت (ع) که توانست به عنوان نخستین شیعی در مسابقات بین‌المللی مالزی رتبه به دست بیاورد، نقطه عطفی است همان‌طور که امروزه شاگردانی از ایشان رشد یافته‌اند که خود استادالاساتید هستند. اینها همه نقاط قوت زندگی استاد مروت هستند.

محمدی در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان خدمات این استاد گرانقدر را پاس داشت؟ گفت: مکتبی که استاد پایه‌گذاری کرده است، جدی دنبال شود تا باعث رونق بحث تلاوت در کشور شود، ضمن اینکه باید تلاش کنند تا اخلاق‌مداری و متخلق بودن به اخلاق قرآنی در بالاترین سطح خود باشد در کنار آن از عالی‌ترین سطوح قرآنت نیز بهره‌مند باشند؛ این مسئله می‌تواند باعث شادی روح استاد و تداوم راهی باشد که توسط ایشان آغاز شده است.

اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بیشتر آشنا شوند و پس از مدتی ما شاهد رفتارها و عملکردهایی از این قاریان بودیم که نشان می‌داد که این آشنایی ایجاد شده است. خاطرات و نقل‌های بسیاری از این تغییرات در رفتار و گفتار قاریان قرآن مصری که با ایرانی‌ها نشست و برخاست داشتند، شنیده شد.

مرحوم استاد محمد تقی مروت، شخصیتی بود که به لحاظ معرفتی پایبند به مکتب قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) بود؛ عمری تلاش مؤثر برای ارتقای امور قرآنی در کشورمان کرد و شاهد بودیم که به سلامت زندگی کرد و منشأ آثار فراوانی شد. از دیگر مواردی که باید به آن اشاره داشت این بود که استاد مروت به عشق فراگیری هر چه بهتر علوم قرآنت قرآن کریم، تسلط کاملی بر زبان عربی به ویژه با لهجه مصری پیدا کرد و در دوران حضورش در کانادا نیز زبان انگلیسی خود را تکمیل نمود و افراد بسیاری را در مساجد مسلمانان آن دیار اعم از شیعه و سنی با استفاده از سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی با قرآنت صحیح کلام الله مجید آشنا کرد.

در بحث قرآنت به خاطر فرا گرفتن قرآنت‌های نوین و ارتباطی که توانست با جامعه بین‌الملل برقرار کند و نیز آموزشی که به شاگردان ممتاز خود داد، باعث شد تا نقش بسیار اثرگذار این استاد مسلم در امر فعالیت‌های قرآنی کشور بر هیچ کسی پوشیده نباشد. همه اینها برخی از دستاوردهای این استاد قرآنی در طول سال‌ها عمر با پرکتشان بود.

در مجموع آموزش قرآن در دهه‌های اخیر را مدیون شاگردان ممتاز اساتید بزرگی چون ابراهیم پورفرزب (مولایی) و محمد تقی مروت باید دانست. قاریان نوجوان و جوان باید بدانند که مدیون چنین اشخاصی هستند هر چند که افتخار درک محضرشان را نداشته‌اند، اما آنان پیشتاز بوده و راه را برای امروزی‌ها هموار کردند. اگر تأکیدات و دغدغه‌های این بزرگان را مورد توجه داشته باشیم، اینگونه توانسته‌ایم تا حدی قدردان زحمات آنان باشیم.

احمد مسجد جامعی، فعال قرآنی و عضو شورای اسلامی شهر تهران



نصیحت استاد به قاریان

در جمهوری اسلامی ایران به دلیل مقوله دوم؛ یعنی متبحر بودن به زبان عربی این انتخاب برای ما بسیار سخت می‌شد، تصریح کرد: به همین دلیل آن زمان وقتی شنیدیم که استاد مروت سالیانی در مصر بوده و مسلط به زبان عربی نیز هستند، به جهت دیدار و دعوت از ایشان به همراه یکی از عوامل برنامه عازم منزل همشیره استاد شدیم که استادان مهدی دغاغله و صدیق نیز آنجا تشریف داشتند.

مجری عرب زبان مسابقات بین‌المللی قرآن جمهوری اسلامی ایران در ادامه با اشاره به اینکه وظیفه بنده ایجاب می‌کرد که به دلیل آبروی جامعه قاریان ایران، داوری انتخاب می‌شد که هر دو مقوله داوری و زبان عربی را داشته باشد، افزود: بنابر این مجبور بودم که استاد مروت را از لحاظ تسلط به زبان عربی آزمایش کنم و این امر باعث شد که بنده خودم را به ایشان کاملاً شخصی عرب‌زبان معرفی کنم و به محاوره به زبان عربی بپردازم.

منتخلق به اخلاق قرآن

وی ادامه داد: استاد مروت با کمال تخلق به اخلاق قرآنی کاملاً با بنده به مهربانی به زبان عربی و لهجه زیبای مصری و از موضوعات مختلف صحبت کردند و بنده که بر تسلط ایشان به زبان عربی واقف شده بودم، در بین محاوره، جملاتی فارسی را به زبان می‌آوردم که ایشان سعی می‌کردند بعضی از این جملات زبان فارسی را

عدم تکلف در قرائت قرآن

مدیر خبرگزاری قاف در رابطه با مرحوم استاد محمد تقی مروت، استاد الاساتید قرآنی کشور اظهار کرد: استاد مروت هنگامی که برایشان تلاوت می‌کردم تذکر می‌داد که با تکلف تلاوت نکنید و سلیس تر و شیواتر بخوانید.

الکوتر انتخاب شده بودم که مهمترین مقوله این مسابقات در بعد بین‌المللی و به دلیل پخش زنده آن انتخاب داوران مسلط به داوری و در عین حال متبحر به زبان عربی بود.

مجری برنامه‌های قرآنی صدا و سیما با بیان اینکه

سیداحمد نجف در ادامه ضمن بیان خاطره‌ای از دیدار با استاد مروت تصریح کرد: به خاطر دارم در سالی که استاد مروت به ایران اسلامی بازگشتند، سالی بود که بنده به عنوان مجری و سردبیر مسابقات بین‌المللی قرآن شبکه جهانی



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

تصحیح کنند و جملات عربی را در بین محاوره جایگزین می کردند که البته این امر تسلط ایشان به زبان عربی را کاملاً بر ما آشکار می کرد و به خاطر همین نیز به روی خودشان نمی آوردند ولی تبسمی و ملیح و قابل تأمل داشتند.

وی در ادامه با بیان اینکه آن سال در حقیقت استاد مروت داوری فینال مسابقات بین‌المللی شبکه الکوثر را قبول کردند و پنج روز کامل ما در خدمت آن بزرگوار بودیم، گفت: همه دوستان قرآنی عرب‌زبان خارج از کشور از تبحر ایشان در مقوله داوری و بیان آن به زبان عربی به دلیل اینکه موضوع تجوید نیز بود و دقت زیادی می‌خواست، اظهار خوشحالی می‌کردند و از ما می‌پرسیدند که جلسات ایشان کجا برگزار می‌شود و ما پاسخ می‌دادیم که معلوم نیست ایشان در ایران اقامت داشته باشند یا خیر.

عدم تکلف در خواندن قرآن

این قاری و مبتهل در ادامه با بیان اینکه استاد مروت تمایل به عدم تکلف در خواندن قرآن داشتند، تصریح کرد: مطالبی که ایشان در داوری بازگو می‌کردند نیز از این مقوله پیروی می‌کرد و احياناً به بنده نیز که در فواصل برنامه و گاهی بعد از برنامه برای ایشان تلاوت می‌کردم، تذکر می‌دادند که این گونه تلفظ نکنید و مقداری سلیس‌تر، شیواتر و بدون تکلف بخوانید.

سید احمد نجف با اشاره به اینکه به قول خود استاد مروت برگزاری این مسابقات در جهان رسانه در حقیقت تجربه کم‌نظیری بود که جمهوری اسلامی ایران در آن پیش قدم شده بود، اظهار کرد: به یاد دارم که ایشان از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند که به ما مطلب جدید یادآور شوند که به نظر بنده این امر بار مسئولیت‌پذیری ایشان را در ذهن‌ها حک می‌کرد.

مدیر خبرگزاری قاف در ادامه با بیان اینکه بنده استاد مروت را قبل از دیدار فقط اسماً می‌شناختم، تصریح کرد: اما وقتی استاد مروت را زیارت کردم و به منزل ایشان رفتم، یک آشنایی جدیدی باز شد و این آشنایی جدید احساسی غیر از استاد و شاگردی در ما ایجاد کرد و احساس پدرانۀ نیز به همراه داشت.

وی در پایان سخنان خود با اشاره به اینکه استاد مروت خیلی مهربان بودند و برخورد ایشان نیز خیلی عالی و جذب‌کننده بود، اظهار کرد: ایشان همواره ما را برای برگزاری و ادامه این گونه برنامه‌ها تشویق می‌کردند و بنده هم‌اکنون احساس این را دارم که ما پدری را از دست دادیم.



زحماتی مخلصانه برای قرائت قرآن

محمدحسین سبزی‌علی، مدرس و دارنده رتبه بین‌المللی مسابقات قرآن در رابطه با استاد محمد تقی مروت چنین بیان کرد: این کلام درستی است که ما استاد مسلم قرآن را از دست دادیم. همیشه در جلسات قرآنی که حضور دارم، برایشان علو درجات را آرزو دارم و ثواب تلاوت‌ها را به روح این استاد عزیز هدیه می‌کنم.

این قاری بین‌المللی به بیان خاطر‌های از اولین دیدار خود با استاد مروت پرداخت و گفت: اولین دیدار بنده با استاد مروت به سال‌های قبل از انقلاب بازمی‌گردد که در محضر ایشان تلاوت کردم که سبک تلاوت بنده را پسندیدند. ما وقتی درباره استاد مروت صحبت می‌کنیم، باید خود را در زمان آن استاد بزرگوار قرار دهیم. در زمانی که قاریان ما، قاری مصری ندیده بودند و تلاوت‌های مصری هادر ایران در دسترس نبود. اما امروزه به برکت انقلاب اسلامی و با عنایت و توجه ویژه مقام معظم رهبری، تلاوت‌های زیادی از قاریان مصری در دسترس است و قاریان مصری زیادی برای تلاوت به ایران آمده‌اند.

سبزی‌علی در ادامه عنوان کرد: استاد محمد تقی مروت در آن زمان، شاهکار کرد و به عنوان اولین ایرانی و قاری شیعه، مقام اول مسابقات بین‌المللی قرآن مالزی را کسب کرد. در آن دوران، سن زیادی نداشتم و مسابقات بین‌المللی مالزی را از رادیو پیگیری می‌کردم. این پیشرفت فعلی سطح تلاوت قاریان ایرانی، مرهون زحمات با اخلاص مرحوم استاد محمد تقی مروت و فعالیت‌های شاگردان خوب ایشان است.

این مدرس هنر تلاوت قرآن در ادامه به آخرین سفر مرحوم استاد محمد تقی مروت به ایران اشاره کرد و گفت: در سال ۱۳۸۸ که استاد مروت به ایران آمدند و در جلساتی که با ایشان داشتیم، خیلی نکات مهمی را از این استاد بزرگوار یاد گرفتیم و تجربیات زیادی از ایشان کسب کردم. اما متأسفانه، آن قدر که دیگران از وجود ایشان استفاده کردند، امثال بنده، مستقیماً از ایشان استفاده نکردیم.



سعیدیان اظهار کرد

استاد مروت به واسطه تلاش‌های خستگی‌ناپذیری که در راه کسب دانش تجوید و قرائت قرآن داشت و نیز در مسابقات بین‌المللی قرآن کشور مالزی به عنوان نخستین ایرانی شیعه حائز رتبه اول شد، انگیزه تلاوت صحیح و درست قرآن را در میان جوانان آن برهه زمانی و حضوری جدی‌تر در عرصه‌های جهانی را ایجاد و نهضت قرآنی کلاسیک را پایه‌گذاری کرد؛ در راه ارتقای سطح تلاوت قرآن کریم نیز استاد ابراهیم پورفرزب (مولایی) نیز زحمات ارزنده‌ای کشیدند که البته استاد مولایی بیشتر جنبه تئوری تلاوت را پیگیری می‌کرد و منجر به تربیت شاگردانی قدر شد که هر کدام به کسوت استادی رسیدند و سطح تلاوت ایرانی‌ها را ارتقاء داد. محمدحسین سعیدیان با اشاره به سطح بالای

پایه‌گذار نهضت قرآنی کلاسیک

مدرس، قاری بین‌المللی و داور مسابقات قرآن کریم در رابطه با مرحوم استاد محمد تقی مروت چنین بیان کرد: او را می‌توان به حق، استاد قرائت تمامی قاریان ایرانی دانست و نیز یک عالم قرآنی بود که همه قرآنیان کشورمان مرهون او هستند.



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

کرد: ما تلاوت قرآن را از شاگرد شاگرد ایشان فرا گرفتیم؛ شاگردانی که سردمداران حرکت‌های مؤثر در پیشرفت سطح تلاوت قاریان ایرانی و فرهنگ قرآنی کشور بوده و هستند.

ابوالقاسمی با اشاره به اینکه این پیشرفت، مرهون زحمات با اخلاص استاد مروت و فعالیت‌های شاگردان خوب ایشان است، تصریح کرد: در دوره طاغوت که در کنار هر مسجدی، مغازه مشروب‌فروشی بود، مرحوم استاد مروت با انتخاب خود به سمت نشر و ترویج قرآن، موجب پایه‌گذاری نهضت بزرگ تلاوت‌نویان قرآن در ایران شدند. وی به اولین مکالمه خود با استاد مروت اشاره کرد و گفت: در سال ۱۳۸۵ که



رد تمامی تلاوت‌های قاریان

احمد ابوالقاسمی، رتبه نخست مسابقات بین‌المللی قرآن مالزی در سال ۱۹۹۳ میلادی با بیان اینکه جایگاهم در بحث تلاوت قرآن را مدیون زحمات استادی؛ چون استاد محمد تقی مروت می‌دانم، بیان



یادی از اشک‌های استاد

نحوه آشنایی من با استاد مروت به زمانی باز می‌گردد که حدود ۱۲ سال سن داشتم، البته پیش از آن در جلسات استاد سرهنگ منصور مسگرا حضور می‌یافتم. ایشان نیز برخی اوقات به جلسه استاد مسگرا می‌آمدند و همین رفت و آمدها باعث شد تا برای نخستین بار، موفق به دیدارشان شوم.



با اینکه سعادت‌ی برای تلمذ بیشتر در محضر استاد مروت نداشتم، اما از همان حضورهای کوتاه استاد مروت در جلسه مرحوم مسگرا، بیشترین استفاده را برده و کسب فیض می‌کردم.

به یاد دارم، استاد مسگرا، مسابقه قرائت قرآن، بین من و یکی دیگر از قرآن‌آموزان گذاشت و قرار بود فقط به یک نفر هدیه داده شود که اتفاقاً در آن روز، استاد مروت نیز حضور داشت و رقابت سختی بین ما دو نفر شکل گرفت که استاد مسگرا رو به استاد مروت کرد و گفت: «من دیگر نمی‌توانم بین این دو قضاوت کنم، شما بگوید کدام بهتر می‌خوانند؟» استاد مروت هم تلاوت‌های ما را گوش کرد و گفت هر دو با هم برابر هستند و اگر قرار است، جایزه‌ای داده شود، باید هر دو تشویق شوند.

سال ۸۸ بود که ایشان سفری به ایران داشت که مجدد موفق به زیارت ایشان شدم، یکی از جلسات بسیار خوبی که با حضور ایشان و جمعی از قرآنی‌ها برگزار شد. آن جلسه بسیار خاطره‌انگیز بود، استاد مروت از همان لحظه اول که وارد شدند، دقایق زیادی اشک ریختند. صحنه‌های جالبی در آن جلسه رقم خورد که هیچگاه از ذهن نه تنها من که اکثر حاضران در آن جلسه، پاک نخواهد شد. استاد مروت در آن جلسه بیشتر از این غبطه می‌خورد که چرا از ایران رفته و چنین جو دوستانه‌ای را از دست داده است. البته ایشان در مصر و کانادا، جلسات قرآن پر براری داشتند، اما وقتی چنین جمع قرآنی‌رامی دیدند، خیلی احساس شوق می‌کردند و به شدت غبطه می‌خورند.

احداصل محمدی، مدرس و پیشکسوت قرآنی

تلاوت استاد مروت بیان کرد: ایشان چندین سال با قاریان بنام مصری، همچون عبدالباسط محمد عبدالصمد و مصطفی اسماعیل، روابط حسنه‌ای داشت و در میان اساتید مصری مبنای شیعی را مطرح می‌کرد و از ایشان نقل شده است که در میان اساتید مصری، استادان عبدالباسط و احمد الرزیقی، بدون هیچ غرضی، بیشترین طرفداری را از مکتب تشیع می‌کردند.

وی به اولین دیدار خود با استاد مروت اشاره کرد و گفت: سال ۱۳۸۸ که ایشان به مدت چهارماه به ایران آمدند، فرصت بسیار مغتنمی حاصل شد تا از نظرات استاد بیشتر بهره‌مند شویم. در آن ایام به دعوت مسئولان دارالقرآن امام‌علی (ع) که هر ساله مسابقات قرآن ویژه آقایان و بانوان برگزار می‌کند، استاد مروت به عنوان رئیس هیئت داوران آن دوره مسابقات دارالقرآن امام‌علی (ع) انتخاب شد. یکی از نشست‌ها که در حاشیه مسابقات با حضور استاد مروت برگزار شد، بنده روش‌های قرائت را برای حاضران توضیح می‌دادم که خوشبختانه نظرات بنده، بسیار مورد تأیید ایشان قرار گرفت. از جمله نکاتی که مطرح کردم و مورد تأیید استاد مروت قرار گرفت، این بود که باید با صدای خودمان سبک‌های اساتید مصری را بخوانیم، نه اینکه برای تقلید از یک سبک، خودمان را شدید تحت فشار قرار دهیم. از دیگر نکاتی که در آن روز مطرح کردم، این بود که اوج خوانی زیاد به مرور به صدای قاری آسیب می‌رساند و قاریان جوان باید سعی کنند با توجه به جنس صدایشان، میزان استفاده از اوج را تنظیم کنند؛ چرا که زیاد اوج خواندن، صدرا از بین می‌برد. این داور بین‌المللی بیان کرد: استاد مروت، محضر بسیاری از قاریان و اساتید مطرح جهان اسلام را درک کرد و در محضر فتحی قنديل و عامر عثمان، دوره‌های تجوید قرآن را به طور کامل گذرانده بود و تسلط کاملی بر علم تجوید و فنون تلاوت قرآن داشت.

استاد در یادها

به تلاوت بنده علاقه‌مند هستند و خط و ربط‌های تلاوت و مبحث اصالت و تجویدم را تأیید کردند. بنده هم به ایشان عرض کردم از محضر استاد محمدرضا ابوالقاسمی کسب فیض کرده‌ام و از اقوام ایشان هستم که این پاسخ من، برای استاد نیز جالب بود و بیشتر علاقه‌مند شدند. ابوالقاسمی با اشاره به سفر سال‌های اخیر مرحوم استاد مروت گفت: در سال ۱۳۸۸ و سفر استاد به ایران در جلساتی که با ایشان داشتم، خیلی موار دراز این استاد بزرگوار یاد گرفتم و تجربیات زیادی از ایشان کسب کردم. اما متأسفانه، آن قدر که دیگران از وجود ایشان استفاده کردند، هم سالان من مستقیماً نتوانستند، بهره‌ای ببرند.

همراه استاد حسین رستمی که به عنوان نماینده ایران در مسابقات قرآن مالزی حضور داشت، اعزام شده بودم؛ در آنجا یکی از دوستان با استاد مروت، تماس برقرار کرد و من دقایقی با ایشان صحبت کردم. مرحوم مروت در خلال آن تماس گفتند که تمام تلاوت‌های قاریان ایرانی را رصد می‌کنند؛ همچنین بیان کردند که در میان تلاوت‌های قراء ایرانی





ممد رضا پورزرنگری بیان کرد

آشفتگی استاد از آوازه خوانی برخی قاریان

پورزرنگری، مدرس و قاری بین‌المللی به بیان خاطراتی از مرحوم استاد محمدتقی مروت پرداخت و گفت: نخست وظیفه خود می‌دانم که فقدان استادالاساتید مروت را که بنده، فقط سال‌ها در محضر استاد سیدمحسن موسوی بلده، تنها اسمشان را می‌شنیدم، خدمت همه به ویژه استاد عزیزم، تسلیت عرض کنم.

پورزرنگری افزود: زمانی که استاد مروت سال ۸۸، پس از حدود سی سال به ایران بازگشتند، این توفیق حاصل شد تا در فرودگاه امام خمینی (ره) به استقبال ایشان بروم. در آنجا واقعا این احساس را داشتم که یک پدر به میان فرزندانش بازگشته است و بسیار احساس قرابت و نزدیکی کردم.

قاری بین‌المللی کشورمان از خاطره و مکالمه‌ای که با استاد مروت داشته است می‌گوید و اینکه استاد از آنچه که با عنوان آوازه خوانی در میان قاریان قرآن، باب شده است، اظهار گلابه کرده و از این موضوع بر آشفته بود.



ویژه‌نامه
بزرگداشت
استاد مروت

می‌گوید: در آن سال‌ها به همراه یکی از قاریان و مداحان اهل بیت (ع) مطرح آن روزها «حاج عباس آقاوودی» در جلسات استاد مروت حضور می‌یافتیم.

این جلسه به صورت هفتگی در خیابان پاستور و در منزل «حاج حسین گلگیر ساز» برگزار می‌شد. حضور ما بیشتر برای استماع تلاوت بود که البته در آن جلسه استفاده‌های بسیار زیادی بردیم.

در آن جلسات، مجذوب تواضع استاد مروت شدم. تواضع استاد مروت در جذب شاگردان و حضور مستمر و مداوم آنها در جلسات بسیار مؤثر بود.



تلاوت فاشحانه خواسته استاد مروت از شاگردان

علی سیاح‌گرچی، دارنده رتبه بین‌المللی مسابقات قرآن مالزی درباره نحوه آشنایی خود با استاد مروت





اندک در آمدش را خرج قرآن می‌کرد

هادی فروزان، قاری و پیشکسوت قرآنی با اشاره به اینکه استاد محمد تقی مروت علاوه بر سمت استادی، حکم دوستش را نیز داشته است، اظهار کرد: ویژگی‌های او متعدد است که شاخص آن احساس تعلیم و تعلمش بود. او در فراگرفتن، بسیار کوشا بود و نیز هنر آموزش دادن را داشت.



فروزان با اشاره به اینکه افراد زیادی بودند که هنر فراگرفتن را داشته‌اند، اما هنر آموزش دادن را نداشته‌اند، بیان کرد: او از وقت به صورت مگتنم برای فراگیری و آموزش استفاده می‌کرد و هنر شایانی در زمینه تعلم داشت.

وی با تأکید بر حوصله بالای این استاد در تربیت شاگردان، تصریح کرد: از دیگر خصوصیت این استاد، صمیمیت، صادق بودن، بی‌ریا و بی‌تکلف بودنش بود که همین باعث می‌شد که او شاگردانش را به خوبی جذب کند؛ یعنی علاوه بر اینکه شاگردانش او را به عنوان استاد می‌شناختند، او را به عنوان دوست نیز تلقی می‌کردند که این هنری است که در کمتر کسی دیده می‌شود.

این پیشکسوت قرآنی ادامه داد: وی در عین وضعیت مالی متوسط، کوشش بیش از حدی در فراگیری و آموزش قرآن داشت و به خوبی می‌توان احساس کرد در چنین وضعیت مالی، افراد دنبال حل مشکلات اقتصادی باشند، اما او عاشقانه و مشتاقانه به فکر آموزش و تدریس قرآن بود.

فروزان بیان کرد: معمولاً انسان‌هایی که حرفه‌ای را می‌آموزند، سعی می‌کنند از آن درآمدی داشته باشند، اما او به هیچ وجه در این زمینه به فکر درآمد نبود، حتی به جرئت می‌توانم بگویم مبلغی هم که با جمعیت جمع می‌کرد، صرف فراگیری، تعلیم و ترویج قرآن می‌کرد.

وی افزود: اگر فردی چنین خصوصیتی داشته باشد، یقیناً می‌توان گفت او استاندارداست؛ آن هم در جامعه‌ای که معمولاً هدف بیشتر افراد جنبه‌های مادی است، اما برای او صرفاً جنبه اعتقادی و معنوی اهمیت داشت.

استاد در سفر چهار ماهه خود در آن سال به ایران، جمله مشهوری از خود به یادگار گذاشتند که در برخی رسانه‌ها منعکس شد و بازتاب یافت که «قرآن خوانی، آوازه خوانی نیست».

این قاری قرآن اضافه کرد: در دیداری که قاریان با مقام معظم رهبری داشتند، پس از تلاوت چند قاری جوان، استاد مروت با ناراحتی به بنده گفتند: «چرا جوانان به این شکل قرائت می‌کنند؟» که بنده جوابی نداشتیم. تا اینکه مسابقات دارالقرآن امام علی (ع) برگزار شد، در پایان این مسابقات طی مراسمی و در جمع قرائین از ایشان، تقدیر و تجلیل ویژه‌ای به عمل آمد. به خاطر دارم که در همان دوره مسابقات دارالقرآن امام علی (ع) «محمود شحات» قاری مصری برای تلاوت به ایران دعوت شده بود. استاد مروت، قبل از تلاوت با زبان عربی با محمود شحات صحبت می‌کرد و با توجه به تسلط استاد بر لهجه مصری و فرهنگ این کشور، شوخی‌هایی بین آنها رد و بدل شد. وقتی محمود شحات تلاوت کرد و از کرسی پایین آمد، استاد مروت به بنده گفت: تازه فهمیدم که داستان قرائت بچه‌های ایرانی از کجا آب می‌خورد؟ کار این دو تا برادر (انور شحات و محمود شحات) است که سیستم تلاوت بچه‌های ما را تغییر داده‌اند.

پورزرگری توضیح داد که بخش‌هایی از تلاوت‌های محمود شحات و انور شحات، زیباست و بخش‌هایی از آن قابل تأمل است. حدود تلاوت قرآن، توسط پیامبر اکرم (ص) معین شده است و جوانان ما باید حواسشان باشد که قصد آوازه خوانی نباید داشته باشند.

وی در پایان به نقش بسیار والای اساتید پیشکسوت قرآنی در ارتقای سطح تلاوت کشور اشاره کرد و گفت: باید قدران زحمات آنان و شکرگزار خداوند باشیم.

تجدید بیشتری نشان دهم.

در تلاوت استاد مروت، خشوع و متانت برگرفته از اجرای قواعد تجوید صحیح و صوت و لحن قابل قبول برای اهل فن، شنیده می‌شد و اثر گذاری آن برای همگان، قابل لمس بود. ایشان از شاگردانشان می‌خواستند که در تلاوت‌های خود چنین باشند.

چیزی که مهم بود این بود که استاد مروت بدون چشم‌داشتی این زحمات را می‌کشید و اجر خود را از خداوند متعال می‌خواست. البته در برهه‌ای نیز مورد بی‌وفایی و بی‌مهری دوستان قرار گرفت با این وجود همیشه سر بلند بود و سر بلند نیز دار فانی را وداع گفت.

در جلسه استاد مروت از تلاوت‌های استادان «هادی فروزان»، مرحوم «حسن رجبی» و مرحوم «حسن تسویه‌چی» که به سبک استاد منشأوی تلاوت می‌کرد و نیز «احمد عشقی» که به سبک مصطفی اسماعیل تلاوت می‌کرد، بسیار استفاده بردم. استاد مروت در مسجد بزرگ قنات آباد خیابان مولوی، جلسه دیگری داشت که برای اولین بار در آن جلسه، تلاوت قرآن را شروع کردم که بسیار مورد تشویق استاد قرار گرفت.

استاد مروت، شاگردان را به نیکی مورد تشویق قرار می‌داد، همین تشویق بعد از اولین تلاوت در روحیه من بسیار اثر گذاشت و باعث شد



گزارشی از مراسم بدرقه پیکر استاد مروت؛



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

آخرین همراهی بامهاجر

سرانجام پس از ۱۸ روز از درگذشت استاد محمدتقی مروت (۲۱ مهر ۹۵ مصادف با شب عاشورای حسینی)، پیکر این استاد قرآنی در قطعه ۲۵۵ نام‌آوران بهشت زهرا (س) آرام‌گرفت تا از این پس، تنها به ذکر نام و یاد این استاد برجسته قرآنی در محافل و مراسم گوناگون دلخوش باشیم و اگر زمان، دست یاری بدهد، گاهی پنجشنبه‌ها سری به قطعه ۲۵۵ ردیف ۴۰ شماره ۵۰۳ بزنیم و دیداری با استادالاساتید کشور تازه کنیم و آیات قرآن کریم را برایش بخوانیم.

پیکر این پیشکسوت قرآنی ساعت ۸:۳۰ صبح هشتم آبان از مقابل مسجد جامع امام صادق (ع) واقع در میدان فلسطین بر روی دستان شاگردانش تشییع شد. استادی که سال‌های سال در دیار غربت ذکر حق گفت و هنوز هم الحان الهی در وجودش به ذکرالله مشغول

استاد محمدتقی مروت، استادالاساتید قرآنی کشور که سال‌ها دور از وطن بود زمانی به کشور بازگشت که بر روی دستان شاگردانش به سوی دیار ابدیت رهسپار شد. هشتم آبان‌ماه ۹۵ تاریخی است که شاگردان استاد مروت همیشه آن را به یاد خواهند داشت؛ چرا که در این روز با استاد سال‌های دورشان بیعت و تجدید دیدار کردند.



می فرستاد و با خبرنگاران از دغدغه‌هایش سخن می‌گفت تا نشان دهد حتی اگر کیلومترها از وطن دور باشد، اما هنوز هم دغدغه آموزش و پیگیری فعالیت‌های قرآنی در داخل کشور را دارد. استاد محمدتقی مروت که بدون شک اگر در دوره حیاتش به ایران می‌آمد یکی از اولین کارهایش حضور در ایکننا بود، حالا آمده بود تا از ایکننا راهی خانه ابدی‌اش شود.

وداع آخر برای شاگردان، سخت‌ترین کاری بود که در روز تشییع پیکر استاد، انجام شد، وداعی که کلمات قادر به روایت آن نیستند و تنها تصاویر هستند که می‌توانند گوشه‌ای از آن را بیان کنند. قطعه نام‌آوران و تمامی اهالی آن از این پس، میهمان یک استاد قرآن هستند. استادی که نور قرآن سال‌ها بر دل و زبانش جاری بود و از این پس می‌توان قطعه نام‌آوران را با نام و یاد یک چهره مؤثر قرآنی به همگان معرفی کرد.

آن شب که کیلومترها دورتر از استاد خود، در حال احیای قرآنی شب عاشورا بودند، بر استاد چه گذشت اما شاید گذشت زمان روزی برای ما روایت کند که استاد سال‌های دور از وطن و شاگردان عزیزش را چگونه گذرانند. اشک‌ها در فراق استادالاساتید احوال را دگرگون کرده است اما خلأ استاد چه در سال‌هایی که در کشور نبود و چه حالا که در قید حیات نیست، پرشدنی نخواهد بود و همین، غم شاگردان را صد چندان می‌کند.

پیکر استاد محمدتقی مروت بعد از ورود به میهن و در مسیر تشییع تا بهشت زهرا(س) برای لحظاتی نیز به خبرگزاری قرآن آورده شد، همان جایی که در همین اواخر به پایگاهی برای بیان درد دل‌ها و نقطه نظرات استاد تبدیل شده بود. همانجایی که استاد نظراتش را در قالب کامنت بر زیر خبرها درج می‌کرد و گهگاهی ایمیلی

هستند. استادی که بیشتر سال‌های عمرش با کلام وحی همراه بود، در آن روز، با شکوهی وصف‌ناشدنی تشییع شد.

فردی که رضایت به هجر خود داد، حالا پس از سال‌ها به میهن بازگشته بود تا از وطنش به سرای ابدیت هجرت کند. استادالاساتید قرآنی کشور بر روی دست‌های شاگردان نسل اول تا سومش به سمت دیار ابدی رهسپار شد.

هیچ‌کس حتی نزدیک‌ترین شاگردان استاد، نمی‌دانند که نفوذ نگاه استاد مروت که پر از آیات الهی و کلام وحی بود، آن لحظه که جان به جان آفرین تسلیم کرد، به دنبال چه بود، شاید به دنبال بازگشت به وطن، شاید در پی تماسی با شاگردان، اما حالا شاگردانی که تا همین دیروز از نبود استاد گلایه می‌کردند، امروز آمده بودند تا او را تا منزل ابدی‌اش رهسپار کنند.

با اینکه هیچ کدام از شاگردان استاد، نمی‌دانند



ویژه‌نامه
بزرگداشت
استاد مروت



۸ مراسم تشییع پیکر مرحوم مروت از میدان فلسطین تا خیابان گزازی ایگنا



نشست هماهنگی ستاد بزرگداشت استاد مروت / سازمان دارالقرآن الکریم

♥ حضور سید رضا صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم بزرگداشت مرحوم مروت / مسجد محمدیه تهران



♥ مراسم بزرگداشت مرحوم مروت در خانه مداحان با حضور جمعی از جامعه قرآنی



♥ مراسم بزرگداشت در مسجد جامع امام صادق (ع) / میدان فلسطین، تهران

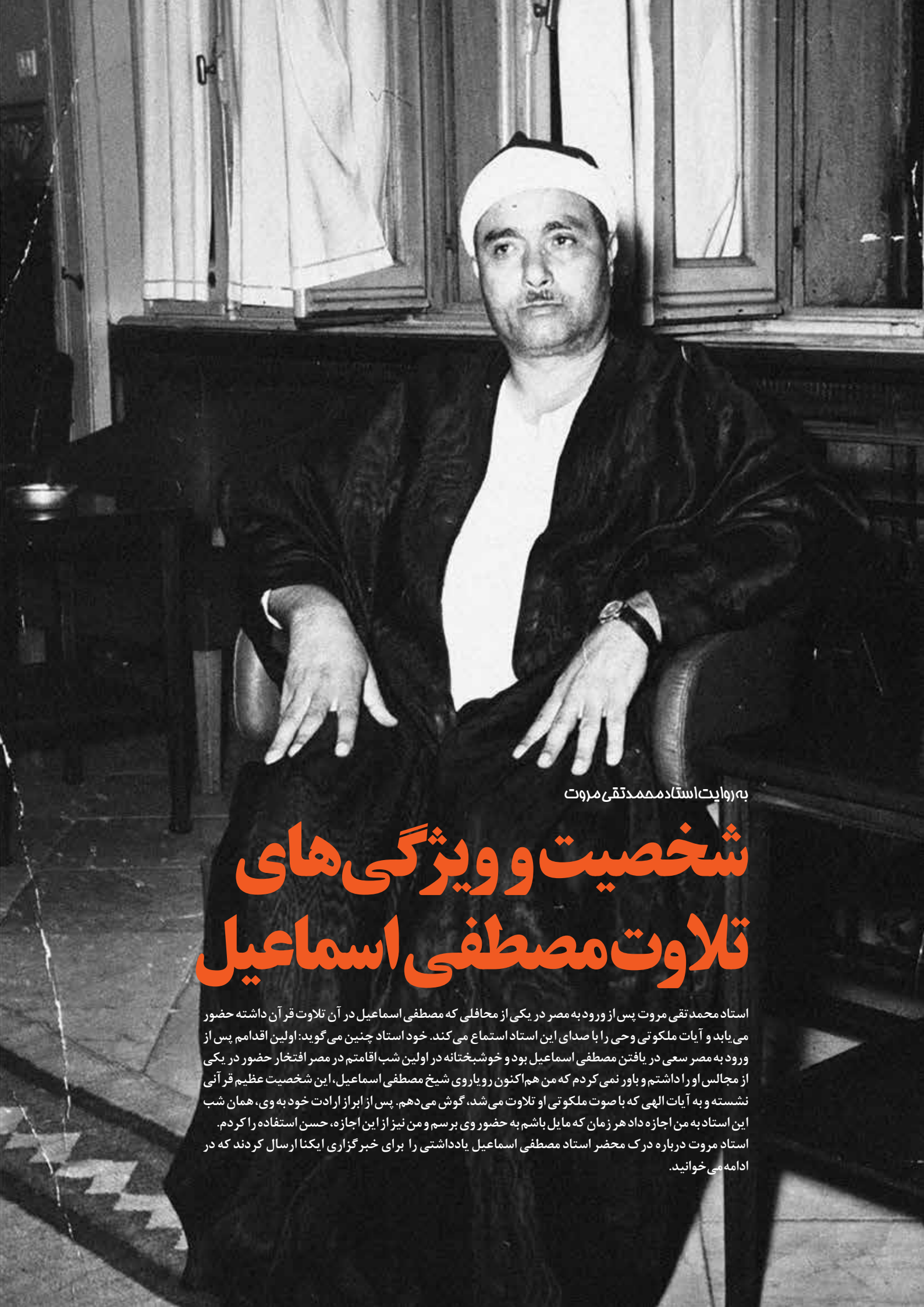


سپهر

ویژه نامه
بزرگداشت
استاد مروت

بزرگداشت
استاد مروت
درس گفته‌ها





به روایت استاد محمد تقی مروت

شخصیت و ویژگی‌های تلاوت مصطفی اسماعیل

استاد محمد تقی مروت پس از ورود به مصر در یکی از محافل که مصطفی اسماعیل در آن تلاوت قرآن داشته حضور می‌یابد و آیات ملکوتی وحی را با صدای این استاد استماع می‌کند. خود استاد چنین می‌گوید: اولین اقدام پس از ورود به مصر سعی در یافتن مصطفی اسماعیل بود و خوشبختانه در اولین شب اقامت در مصر افتخار حضور در یکی از مجالس او را داشتیم و باور نمی‌کردم که من هم اکنون رویاروی شیخ مصطفی اسماعیل، این شخصیت عظیم قرآنی نشسته و به آیات الهی که با صوت ملکوتی او تلاوت می‌شد، گوش می‌دهم. پس از ابراز ارادت خود به وی، همان شب این استاد به من اجازه داد هر زمان که مایل باشم به حضور وی برسم و من نیز از این اجازه، حسن استفاده را کردم. استاد مروت درباره درک محضر استاد مصطفی اسماعیل یادداشتی را برای خبرگزاری ایکنا ارسال کردند که در ادامه می‌خوانید.



بنده اغلب یا در مجالس تلاوتش و یا در منزلش به خدمتش می‌رسیدم و در ضمن این استاد به محافظ شخصی خود «فتحی» که مردی ورزشکار و تنومند بود سفارش کرده بود تا هر وقت به محافل وی وارد می‌شوم جای خود را — که همیشه در کنار خود شیخ بود — به من واگذار کند. مصطفی اسماعیل حتی مرا به محافلی که قرار بود تلاوت وی به طور زنده از رادیو پخش شود، با خود می‌برد و در جایگاه مرتفع مخصوصی که ویژه قاریان برای جلوگیری از نزدیک شدن مردم به قاری ساخته بودند، در کنار خود می‌نشاند.

تواضع مثال‌زدنی

روزی در منزل استاد مصطفی اسماعیل بودم که استاد «عبدالباسط محمد عبدالصمد» که در آن زمان من را خوب می‌شناخت وارد شد و پس از سلام و علیک به سوی مصطفی آمد و استاد نیز برخواست و به پیشواز او رفت و شیخ عبدالباسط دست وی را با نوعی تواضع و احترام بوسید و مصطفی اسماعیل نیز صورت او را با مهربانی مانند فرزند خود بوسید، این صحنه برای من بسیار شگفت‌انگیز بود که چقدر صفا و صمیمیت و احترام متقابل در میان این بزرگواران وجود دارد. از جمله مسائل قابل تذکر، برقراری ارتباط ویژه‌ای میان مرحوم مصطفی اسماعیل و موسیقیدانان، آهنگسازان و خوانندگان مصری به ویژه «محمد عبدالوهاب» موسیقیدان و خواننده معروف مصری که خود نخست با حفظ و تلاوت قرآن آغاز کرده و سپس به آهنگسازی و خوانندگی روی آورده بود و این دو شخصیت اغلب براساس دوستی و رفاقت و نیز همکاری با یکدیگر در خلق آثار ماندگار همکاری می‌کردند، همان‌گونه که پیش از آن عبدالوهاب در ساختن بسیاری از آهنگ‌های خود به طور حضوری در محافل تلاوت مرحوم «محمد رفعت» شرکت می‌کرد و از تلاوت او برای خلق آثار خود الهام می‌گرفت. از جمله خصوصیات مرحوم مصطفی اسماعیل این بود که قاریان مصری عموماً بر امتیاز و برتری وی معترف بودند و کسی را از او بهتر نمی‌دانستند، به یاد دارم در ایران پس از این که نام مرحوم مصطفی اسماعیل بر سر زبان‌ها افتاده بود، براساس سلیقه‌های مختلف قاریان ایرانی، همیشه فقط در مورد برتری او نسبت به دیگر قرای بزرگ مصری بحث می‌شد.

پاسخ محمد طوخی به ایرانی‌ها

گروهی که پیش از مصطفی اسماعیل به طور

عمده به تلاوت مرحوم عبدالباسط عادت و از او تقلید می‌کردند، حاضر به پذیرش برتری مصطفی اسماعیل نبودند و شاید به علت صعب‌التقلید بودن اسلوب پیچیده تلاوت مصطفی اسماعیل بود که خود را نسبت به وی بی‌تفاوت نشان می‌دادند.

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی که «محمد طوخی» به همراه مرحوم «حسین ابوزید» به ایران آمد، همه مایل بودند تا نظر استاد طوخی را درباره این که قاری اول مصر چه کسی است؟ بدانند و لذا با پافشاری فراوان استاد طوخی را احاطه کردند تا پاسخ این سؤال را از یک قاری معتبر مصری بشنوند.

استاد طوخی هم برای این که وجهه دیگر قاریان را حفظ کند در آغاز بسیار مقاومت کرد و پاسخی نداد، اما سرانجام پس از چند روز، مقاومتش را از دست داد و ناگهان فریاد زد استاد مصطفی اسماعیل... و سپس با لحن محترمانه‌ای که در آن احترام عمیقی احساس می‌شد، بر گفته خود تأکید کرد. گروه مخالفان مصطفی اسماعیل که هنوز هم در ایران وجود دارند، تلاش کردند شأن این قاری بزرگوار را تقلیل دهند، از این افراد هنوز در محیط قرآنی ایران یافت می‌شوند که در ادامه به دلایل آن اشاره خواهیم کرد.

تعریف مطرب

در این جا باید نکته‌ای را ذکر کنم و آن این است که مفهوم کلمه «مطرب» — که برخی به استاد مصطفی اسماعیل نسبت می‌دادند — در عرف کشورهای عربی به ویژه مصر با مفهوم آن در ایران به طور کامل متفاوت است، در نظر مصری‌ها مطرب کسی است که در هنر خوانندگی دارای تمکنی بسیار چشمگیر باشد و از رموز و عمق دانش موسیقی آگاه بوده و آن را به طور عملی

به کار بندد.

مرحوم مصطفی اسماعیل بسیار زیاد از این هنر خدادادی و تمکنی شگرف در موسیقی برخوردار بود و آن را در تلاوت قرآن کریم به کار می‌گرفت و شنوندگان حاضر و غائب تلاوت‌هایش، چه در زمان حیاتش و نیز اکنون که چند دهه از خاموشی وی می‌گذرد به وجد و طربی روحانی که منشأ آن کلام خداست، سوق می‌دهد.

از خلال تجربیات اقامت پنج ساله‌ام در مصر دریافتم که مصطفی اسماعیل از محبوبیت بسیاری در بین قاریان مصری برخوردار بود و همگی از کوچک و بزرگ مایل بودند خود را به نحوی به وی مربوط کنند، از جمله یکی از هفته‌نامه‌های مصری به نام «المصور» در خلال ماه مبارک رمضان با قاریان مصری درباره رخدادهای با اهمیت زندگی‌شان مصاحبه می‌کند و آنان بیشتر از خاطرات خود با استاد مصطفی اسماعیل سخن می‌گویند.

خاطره خلیل الحصری

یکی از مصاحبه‌شوندگان قاری و علامه بزرگ قرآنی مرحوم استاد «محمود خلیل الحصری» بود که در مصاحبه‌اش با مجله المصور ضمن بیان خاطراتش از دوستی‌اش با مصطفی اسماعیل در دوران کودکی چنین می‌گوید: «با این که ۱۲ سال جوان‌تر از استاد مصطفی اسماعیل بودم ولی با او در یک آموزشگاه درس قرآن را فرا می‌گرفتم و شیرین‌ترین لحظات زندگی‌ام زمانی بود که پس از فراغت از درس‌های روزانه، پیاده به دنبال او تا خانه‌اش که مسافت چند کیلومتری بود، می‌رفتم تا از تلاوتش لذت ببرم؛ زیرا استاد عادت داشت به هنگام بازگشت به منزلش در راه قرآن بخواند».

«راغب مصطفی غلوش» نیز در بخشی از



ویژه‌نامه

بزرگداشت استاد مروت

خاطراتش می‌گوید که من همیشه آرزوی کردم یک قاری مشهور و محبوب باشم و در آغاز بسیار به خود مغرور بودم و فکر می‌کردم که چون صدای من شبیه صدای استاد «مصطفی اسماعیل» است، من نیز مانند او مشهور و محبوب خواهم شد.

مرحوم استاد «طه الفشنی» قاری و مبتهل معروف و صاحب ابتهال ملکوتی «حب‌الحسین» که متأسفانه قبل از وصولم به مصر رحلت کرده بود، علاقه مفراطی به استاد مصطفی اسماعیل داشت و اغلب هنگام ورود مصطفی به محافل وی، مناسبت ابتهال خود را تغییر می‌داد و در مدح و ثنای استاد مصطفی اسماعیل ابتهال می‌گفت، این موضوع را برادر استاد طه الفشنی که در جوار مسجد حضرت سیدالشهدا ابا عبدالله‌الحسین (ع) یک دکان داشت با چشمانی پر از اشک برای من تعریف می‌کرد.

ویژگی‌های شخصیتی مصطفی اسماعیل
استاد مصطفی اسماعیل فردی باوقار، باامانت، خوشرو و در عین حال شوخ طبع و بذله‌گو و مؤدب بود که گذشته از تبحر و استادی وی در تلاوت کلام حضرت حق، مردم و به خصوص افراد عادی را شدیداً شیفته خود می‌کرد به طوری که هنگام تلاوتش سعی می‌کردند تاحدی به او نزدیک‌تر باشند و پس از تلاوتش او را احاطه کرده و تازمانی که در میان مردم بود از او دور نمی‌شدند. مصطفی اسماعیل نیز این مردم را عزیزان خود می‌دانست. وی در یکی از مصاحبه‌های رادیویی‌اش در پاسخ به پرسش مصاحبه‌کننده که پرسیده بود موسیقی قرآنی را چگونه فرا گرفته است؟ گفت که من مقامات و دانش موسیقی قرآنی خود را از مردم، این عزیزانم که به گردن من خیلی حق دارند، فرا گرفتم و مدیون آنان هستم؛ زیرا وقتی قرآن می‌خواندم در جلوی من می‌نشستند

و به طور مثال می‌گفتند این «بیات شور» است، این «حجاز کار» است، این «هزام» است، این «چهارگاه» است و...

مصطفی اسماعیل در مدرسه موسیقی؟

وی از این که هرگز به مدرسه موسیقی نرفته بود در همان مصاحبه می‌گفت که من آلات موسیقی مانند عود، قانون، کمانچه (ویلون) و پیانو را هرگز ننواختم و حتی نام این مقامات را هم از مردم یاد گرفته‌ام، ضمن این مصاحبه که در منزل استاد مصطفی اسماعیل انجام می‌شد، مصاحبه‌کننده به پیانویی که در گوشه‌ای قرار داشت، اشاره کرد و پرسید پس این پیانو برای چیست؟ و استاد نیز در جواب گفت که این پیانو برای زمانی است که فرزندان و نوه‌هایم برای دیدن من می‌آیند و خود را بانواختن آن سرگرم می‌کنند. لازم به یادآوری است که خود من در ملاقات‌هایی



استاد «عبدالفتاح شعشاعی» و پسرش «ابراهیم شعشاعی» و من هم در گوشه راست... و من تصور می‌کنم بدین ترتیب تیم خوبی خواهیم داشت و حتماً جام جهانی را کسب خواهیم کرد! و خنده شدید حاضران.

داستان سرایی برای بزرگان قرائت

برخی از مردم بنا بر طبیعت شایعه‌سازی‌شان، شایعاتی می‌سازند که واقعاً تعجب‌آور است. گروهی را قهرمان می‌کنند، به طور مثال خود من وقتی در ایران بودم، کسانی را می‌دیدم که شایع کرده بودند که مرحوم استاد «محمد صدیق منشاوی» افسر خلبان نیروی هوایی مصر بوده که در جنگ ۱۳۵۲ هجری شمسی (۱۹۷۳ میلادی) بر اثر سقوط هواپیمایش شهید شده بود و بعضی از افراد ساده‌دل نیز بدون هیچ‌گونه تحقیق و پیگیری این شایعات را می‌پذیرند، در حالی که آن مرحوم چهار سال پیش از جنگ مصر با رژیم غاصب صهیونیستی بر اثر بیماری تورم سرخانی در ۴۹ سالگی به رحمت ایزدی می‌پیوندد. این موردی که عرض کردم یکی از موارد قهرمان‌سازی است و عکس آن شایعاتی را علیه استاد و عالم مسلم قرائت قرآن مرحوم استاد «مصطفی اسماعیل» ساخته‌اند که هدف آن‌ها فقط بدنام کردن اوست و این آقایان فراموش کرده‌اند که استاد مصطفی اسماعیل و دیگر قاریان عصر طلایی تلاوت قرآن چه حق بزرگی برگردن همگی ما بلااستثناء-اولین آنان خود من- دارند که ادای آن محال و غیر ممکن است. از جمله یکی از رفقا از من سؤال می‌کرد که آیا صحت دارد که استاد مصطفی اسماعیل به روایت یکی از فرزندان، شصت هزار دلار آمریکایی را تنها برای اطلاق خوابش خرج کرده بود؟ این شایعه یکی از شایعاتی است ولوا از زبان پسرش نقل شده باشد و حتی اگر پسرش شخصاً این موضوع را به خود من گفته باشد، نه این که هرگز آن را نخواهم پذیرفت، بلکه با دلایلی ثابت خواهم گفتاری کاملاً کذب و افتراء ناجوانمردانه و (به قول عوام) دروغی شاخدار است.

درباره «عبدالباسط محمد عبدالصمد» نیز ادعا می‌کنند که وی ژنرال نیروی زمینی بوده است، همچنین وجود ارتباط خانوادگی بسیار نزدیک میان استاد «عبدالفتاح شعشاعی»، استاد «ابوالعینین شعیب» و استاد «عبدالباسط محمد عبدالصمد» کاملاً بی‌اساس است، حال اگر کسی در ارتباط با زندگی قاریان بزرگ کتابی تألیف کرده و شایعات و مضامینی این‌چنینی در آن‌ها

آورده باشد، به تحقیق از تراوشات فکری و قریحه شخصی وی و یا شنیدن از دیگر شایعه‌سازان شکل می‌گیرد که در بسیاری از موارد ربطی با واقعیت نیز ندارد.

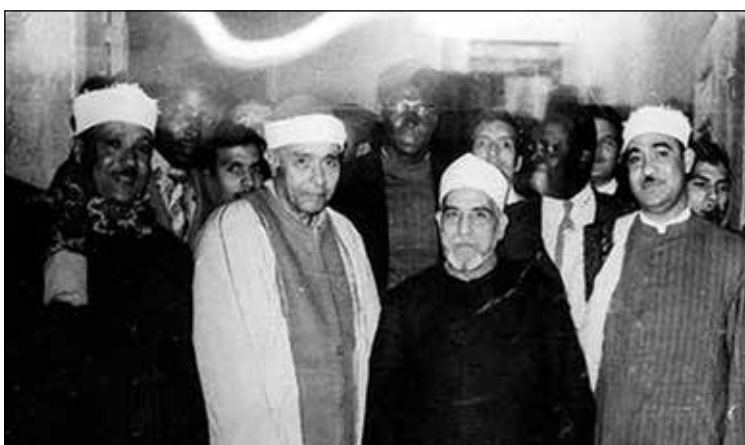
افسانه‌ای برای عبدالباسط

برخی از ایرانیان خوش قریحه نیز از این قاعده مستثنی نیستند و بنا بر سلیقه خود یا قهرمان‌پروری می‌کنند و یا اهریمن می‌سازند، مثلاً پس از گذشت سال‌ها از وفات استاد عبدالباسط محمد عبدالصمد، مطلبی را در مورد این استاد شنیدم که واقعاً حیرت کردم. قضیه بدین گونه است که در اوایل دهه ۱۳۳۰ در مراسم ختم خاله «ملک فیصل» - شاه آن وقت عراق که در صحن مطهر کاظمین (ع) برگزار شده بود - هنگامی که مرحوم عبدالباسط مشغول تلاوت معروف خود (اواخر سوره حشر و سوره تکوین و دو آیه آخر سوره فجر) بود، یکی از حاضران از فرط زیبا بودن تلاوت و صوت وی جان به جان آفرین تسلیم می‌کند و از دنیا می‌رود! کسی که این شایعه را ساخته به تصور خود وقفه تلاوت را دلیل وفات آن بنده خدا می‌داند و شیخ نیز به همین دلیل،

تلاوت خود را متوقف می‌کند، حال بنده متحیرم که این قضیه را چگونه تلقی کنم، قهرمان‌پروری یا اهریمن‌سازی؟! در حقیقت عبدالباسط تلاوت خود را در آن لحظه به خاطر ورود شاه عراق به مجلس



که با بعضی از قاریان و مبتهلان مصری در منازل آنان داشتیم، شاهد وجود آلت موسیقی «عود» بودم و احیاناً بعضی‌ها آن را در حضور من می‌نواختند. در همان مصاحبه رادیویی یکی از حاضران به استاد مصطفی اسماعیل می‌گوید که همان‌طور که همه می‌دانیم مردمی‌ترین ورزش در مصر فوتبال (کرة القدم) است و هر گروه و صنفی برای خود یک تیم فوتبال به وجود آورده است، حال فرض کنیم اگر قاریان مصری هم تصمیم بگیرند تیمی برای خود تشکیل دهند ترکیب آن تیم به چه صورت خواهد بود؟ مصطفی اسماعیل نیز پس از لحظاتی درنگ کرد و گفت که دروازه‌بان استاد «محمود علی‌البناء»، بک استاد «محمود عبدالحکم»، ابوالعینین شعیب در خط وسط، استاد «محمود خلیل الحصری» هافبک چپ، استاد «فؤاد العروسی» و استاد «عبدالباسط محمد عبدالصمد» در خط حمله و



جایگاه استاد در دو عالم

آن مرحوم از راننده‌اش خواست او را به روستای محل زندگی خود بازگرداند، ولی بین راه تصمیم گرفت به اسکندریه برود، در راه اسکندریه دچار سردرد بسیار شدیدی شده بود و از راننده‌اش خواست توقف کند و برایش چند قرص مسکن و غذا بگیرد. پس از خوردن غذا، وقتی به اسکندریه می‌رسند، مصطفی از راننده می‌خواهد اتومبیل او را با پوشش پلاستیکی ببوشاند ولی راننده از درخواست استاد تعجب می‌کند؛ زیرا مصطفی همیشه به خاطر آن که مبادا پوشش پلاستیکی در گرما به اتومبیل بچسبد و سبب از بین بردن رنگ آن شود، او را از این کار منع می‌کرد، وقتی مصطفی اسماعیل علائم تعجب را در راننده می‌بیند به او با قاطعیت می‌گوید: «آقای من، من دیگر از خانه خارج نخواهم شد!» مصطفی اسماعیل داخل منزلش می‌شود و از پیشخدمت‌های خود می‌خواهد تا با وی در سالن پذیرائی بنشینند، وی از علاقه خود به آنان سخن می‌گوید و از آنان می‌خواهد تا با وی چای بنوشند. پیشخدمت مصطفی اسماعیل نقل می‌کند که در آن لحظه

و از من می‌پرسید که آیا بعدی چیست؟ «واللهی قل لی یا محرم ایہ الایہ اللی بعد الایہ دی» یعنی محرم، ترا به پیغمبر بگو آیا بعدی چیست؟ من نیز در قاهره به تلاوت وی از سوره مبارکه که کهف که به طور مستقیم از رادیو پخش می‌شد، گوش می‌دادم که ناگهان متوجه شدم آیه ۱۹ «قال قائل منهم کم لبثتم قالوا لبتنا یوماً أو بعض یوم» را که جمع است با افراد خواند و گفت: «قال کم لبثت قال لبثت یوماً أو بعض یوم» یعنی آیه ۲۵۹ سوره البقره را به طور اشتباه به جای آیه ۱۹ سوره کهف خواند. در آن جا بود که احساس ناراحتی غربی به من دست داد، که چرا امام القراء باید چنین اشتباهی در تلاوتش باشد؟ شاید بدین طریق می‌خواست به مستمعان و عاشقان تلاوتش بگوید که دیگر برای آنان قرآن نخواهد خواند. در همین لحظات بود که یک جواب جواب را با او جی بسیار بلند خواند و ناگهان صدایش به تدریج افول کرد و همان لحظه تلاوتش پایان گرفت، به طور معمول قاری که تلاوت نماز جمعه را برعهده دارد، اذان را هم می‌گوید ولی اذان آن روز را شخص دیگری گفت و به همین سبب نگرانی من بیشتر شد.»

و ایجاد همه‌مه از سوی مردم و تا برقراری نظم و آرامش به مدت ۷۰ ثانیه قطع می‌کند که این حقیقت مطلب است و از جانب دیگر برای اثبات ادعای خود استناد می‌کند که شخصی آب می‌طلبد تا با آن تازه در گذشته را به زندگی بازگرداند!

هم‌اکنون استاد «حبیب صحاف» از قاریان ممتاز که در همان مراسم حضور داشت و شاهد قضیه بود، می‌تواند بر این مسأله صحنه بگذارد، ثانیاً دو آیه آخر سوره مبارکه الفجر (یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة، فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی) که عبدالباسط در پایان قرائت خود در آن مناسبت تلاوت کرد، بنابر تفسیر آیت‌الله «سید مرتضی قزوینی» از علمای عراق در شأن سیدالشهداء حضرت امام حسین (ع) نازل شده و قاریان مصری نیز در مراسم ترحیم، این آیه و آیاتی مانند (کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الإکرام) و یا (ان الی ربک الرجعی) و یا (ثم ردوا الی مولاهم الحق) و امثال آن‌ها را تلاوت می‌کنند. ماجرای شایعه‌سازی علیه استاد مصطفی اسماعیل به این جا ختم نمی‌شود، بلکه شایعه‌سازان شایعه ناجوانمردانه دیگری را که به مراتب از شایعه قبلی بدتر است در رابطه با درگذشت این استاد ساخته و پرداخته‌اند که به یقین هدفشان جز بدنام کردن این اسطوره تلاوت قرآن مجید که او را به حق «امام القراء» لقب داده‌اند، چیز دیگری نیست. سؤال حیرت‌انگیز این است که چرا این قدر شایعات مغرضانه، منفی و بدنام کننده برای این بزرگوار می‌سازند؟ به طور قطع با توجه به مسأله‌ای که هم‌اکنون در جریان است، شاید بتوان پاسخی برای آنان به دست آورد که من استنتاجات شخصی خود را در پایان این مطالب اعلام خواهم کرد.

چگونگی وفات مصطفی اسماعیل

استاد مصطفی اسماعیل در روز جمعه اول دی ماه ۱۳۵۶ برابر ۲۲ دسامبر ۱۹۷۸ برای تلاوت قرآن در مراسم افتتاح مسجد «البحر» شهر دمياط واقع در ساحل دریای مدیترانه که «انور سادات» نیز در آن مراسم حضور داشت دعوت شده بود. مصطفی اسماعیل روستای خود میت غزال را در ساعت ۹ صبح پس از وداع با دخترش که در روستا با وی زندگی می‌کرد به سوی دمياط ترک کرد، در راه نیز طبق عادتش با راننده خود «محرم» مزاح و ضمناً آیاتی از قرآن را زمزمه می‌کرد، راننده متعجبانه می‌گوید: «شیخ ظاهراً دچار حواس‌پرتی شده بود و بعضی از آیاتی را که می‌خواند، فراموش می‌کرد



ویژه‌نامه

بزرگداشت استاد مروت

میت غزال، طنطا و اسکندریه که اغلب قاریان بزرگ حضور داشتند، شرکت کردم و در همه آنان به درخواست مرحوم «محمود علی البناء» (که همیشه مرا «علا» می خواند) قرآن تلاوت کردم، ضمناً مراسم مشابهی نیز در بسیاری از شهرهای مصر برگزار شد که متأسفانه موفق به شرکت در آن هاندم.

شایعه‌هایی برای رحلت مصطفی اسماعیل

این شایعه فقط از چند کلمه ساخته و پرداخته شده، ولی تأثیر آن بسیار مخرب و عمیقاً اهانته‌بار است؛ شایعه این است: «جنازه شیخ مصطفی اسماعیل پس از مرگش به مدت چند روز بر زمین ماند تا آن که همسایگان از بوی جسد وی به مرگش پی بردند!»، آیا این است پاداش و تشکرمان از او برای عمری آموزش تلاوت قرآن به من و امثال من؟ آیا این است سپاسگزاری از او برای بعضی افراد که هرچه از راه تلاوت قرآن دارند از او وامثال او دارند؟

به عقیده من سازندگان این گونه شایعات به طور قطع کسانی هستند که همیشه به دیگران که از آنان بهتر بودند حسادت می‌ورزند و عقده شکست‌های خود را بدین وسیله باز می‌کردند تا روح پلید خود را تسلی دهند، در گذشته خود من نیز دچار این مسائل و هدف آماج نهمت‌های بعضی‌ها بوده و از روحیه این گونه اشخاص به خوبی آگاهم، تلاوت قرآن مانند تلاوت استاد مصطفی اسماعیل برای هر کسی میسر نیست و همین سبب حسد و کینه به او شده است. تلاوت مصطفی اسماعیل دارای عمق و روحانیتی است که حتی در تلاوت قاریان بزرگ هم نمی‌توان آن را یافت، تلاوت وی مانند موسیقی کلاسیکی است که سازندگان آن غالباً در دوران زندگی‌شان گمنام بوده و چندی پس از مرگ‌شان اسطوره‌های موسیقی می‌شدند.

تلاوت‌هایی برای همیشه تاریخ

میل دارم عقیده شخصی خود را در رابطه با تلاوت مرحوم استاد مصطفی اسماعیل ابراز کنم و آن این که تلاوت وی از کامل‌ترین تلاوت‌هایی است که تا به حال تاریخ قرائت قرآن به یاد داشته و برخلاف آثار باقی‌مانده دیگر قاریان عصر طلایی، تلاوت او اینک بیش از هر وقت دیگر مورد مطالعه و تحقیق و بررسی دانشمندان موسیقی قرار دارد و تلاوت او همان‌طور که همه شاهد هستیم روز به روز جهانی‌تر شده و علاقه‌مندان بیشتری را به خود جذب می‌کند و ماندگارترین تلاوت‌ها بوده و خواهد بود.



پیشخدمت استاد فکر می‌کند مصطفی اسماعیل از فرط خستگی به خواب رفته است، ولی پس از گذشت چند ساعت مشاهده می‌کند که استاد برای نماز بیدار نمی‌شود و پس از آن که تلاش او برای بیدار کردن استاد به نتیجه نمی‌رسد، به یکی از دوستان او جریان را خبر می‌دهد و آن شخص نیز چند پزشک را بر بالین مصطفی می‌آورد و فوراً استاد را به بیمارستان منتقل می‌کند. پزشکان بیماری مصطفی اسماعیل را خونریزی شدید مغزی اعلام کردند، جرایم شامگاهی و صبحگاهی مصر همگی این خبر را بلافاصله با تیتر بزرگ منتشر کردند و سرانجام مصطفی اسماعیل به رحمت ایزدی می‌پیوندند، این بود شرح مختصری از آخرین روز زندگی شیخ مصطفی اسماعیل و آخرین باری که قرآن را تلاوت کرد پس از آن که ثروتی بی‌نظیر از تلاوت کلام‌الله مجید با آوای ملکوتیش بر جای گذارد که تکرار آن به سادگی میسر نخواهد بود.

شرح کوتاهی که درباره رحلت مصطفی اسماعیل از نظر شما گذشت من خودم از نزدیک شاهد آن بودم و در بعضی از مناسبت‌های یادبود او در قاهره،

ناگهان استاد از سعادت و خوشبختی خود در دنیا سخن به میان آورد و گفت: «من بسیار خوشبختم و خود را در عرش می‌بینم که همه جهان برای من دست می‌زنند.» سپس سعی کرد به طبقه اول که اطاق خواب او در آن جا بود برود.

پیشخدمت از مصطفی می‌پرسد که آیا قصد دارد بخوابد و استاد نیز در پاسخ می‌گوید: «دارم برای تشییع جنازه فاطمه (همسرش) می‌روم.» پیشخدمت به شدت تعجب می‌کند؛ زیرا همسر استاد هنوز در قید حیات بود، استاد مصطفی اسماعیل سپس بر روی تخت خواب می‌نشیند و دختر خود را که با او در میت غزال بود، صدا می‌کند، پیشخدمت به او می‌گوید: «دختر شما در اینجا نیست من «سراری» پیشخدمت شما هستم.» آخرین کلماتی که بر زبان مصطفی اسماعیل جاری می‌شود این است که به پیشخدمت خود می‌گوید: «بین این چیست که در داخل سرم است؟» و دست خادمه را می‌گیرد تا آن بخش از سر را که احساس می‌کرد چیزی در آن است به او نشان دهد که ناگهان هر دو دست وی به پایین می‌افتند.

تأثیر وقف وابتدا

برای قاری، دانستن حداقل زبان عربی لازم است. بخش اعظم تر تیل «وَوَرَّيْلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً» مسئله وقف و ابتداء است؛ (التر تیل هو حفظ الوقوف و أداء الحروف) در تر تیل قرآن «همه انواع تلاوت» اجماً لا چهار نوع وقف موجود است که مادر اینجا به شرح دو نوع آن می پردازیم.

چند مثال از وقوف نادرست

در اهمیت این موضوع دانشمندان کتابهایی تألیف کرده‌اند که در این جا مجالی برای ذکر آن نیست؛ چند مثال کوتاه از وقوف نادرست: بخشی از آیه ۲ سوره ممتحنه «يَخْرُجُونَ الرُّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ» که معنای آن این است: (مشرکان) رسول (خدا) و شما را (از مکه) بیرون می‌رانند که چرا به خدا یعنی پروردگارتان ایمان می‌آوردید! حال اگر کسی بر الرُّسُولَ وقف کند و از وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ آغاز کند، معنای این عبارت بدین صورت تغییر می‌کند: بر حذر باشید از ایمان آوردنتان به خدا که پروردگارتان است!

در بخشی از آیه ۷ سوره بقره می‌خوانیم: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» معنای آیه این است: به یقین آنان که کافرنند، برایشان یکسان است چه بدانان هشدار دهی و یا هشدار ندهی، ایمان نخواهند آورد.

این آیه یک جمله



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت



تمرکز بر تجوید و معانی

بهبود می‌یافت؛ هم‌اکنون هر کدام جلسات قرآن دارند. روش تدریس را در شروط پانزده‌گانه تدریس و شرایط معلم بیان کردم، اما باز بر این نکته تأکید دارم که استاد برای بهره‌گیری هر چه بیشتر دانش تجوید از قرآن آموزان بخواهد تا از بحث پیرامون مقامات موسیقی که شایسته محیط فراگیری تلاوت صحیح قرآن نیست، بپرهیزند و تمام تمرکز خود را صرف آموختن تجوید و معانی کنند. تلاشم بر این بوده است که این روش تدریس را برای قرآن آموزانم شرح داده و شروط آموختن تجوید و سپس تعلیم آن به دیگران را بیاموزند.

مواردی که در شروط پانزده‌گانه ذکر شده، شمه‌ای از اقداماتی است که در

نحوه تدریس در کانادا بحمدالله ثمر بخش بوده و شاگردانم که بجز چند جوان شیعه همه از اهل تسنن و حتی ائمه جماعت و خطبای جمعه آنان بودند، به سرعت قواعد تجوید را فرا می‌گرفتند و تلاوت آنان سریعاً



تقلید برای آشنایی بالهجه

اصل اساسی در قرائت قرآن، یادگیری قواعد آن به صورت کامل و آبیاری روح و ذهن با این قواعد است. قاریان قرآن برای اینکه جزء برترین قاریان شوند و تلاوت خوبی را در برابر مستمع ارائه کنند باید صوت تلاوت‌های موجود قاریان بزرگ را بارها بشنوند و براساس آن صوت‌ها و سبک‌ها، تمرین کنند. تقلید از قاریان ممتاز و بزرگ در صورتی که تقلید لهجه باشد، خوب است. برای اینکه تلاوت خوبی داشته باشیم باید با گوش دادن به تلاوت‌های قاریان ممتاز بالهجه قرآنی آشنا شده و از آن‌ها بهره بگیریم. قطعاً تلاوت صحیح قرآن، جیغ کشیدن و آواز خوانی نیست و شخصی که قرآن را تلاوت می‌کند، باید با احترام به خدا، احترام به قرآن بخواند تا تلاوت خوبی داشته باشد. قاری در قرائت قرآن باید به مبانی قرآن توجه داشته و مفاهیم و معانی قرآن را با تلاوت زیبا و بدون آوازه خوانی و فریاد کشیدن برای مخاطبان به تصویر بکشد و صدای بلند را ملاک بهترین تلاوت قرار ندهد. فریاد کشیدن در تلاوت قرآن علاوه بر اینکه تارهای صوتی تلاوت کننده را در مدت کوتاهی از بین می‌برد، سبب ایجاد تکرار و عادی شدن صدای قاری در میان مخاطبان شده و هر چه تلاوت کننده با صدای بلندتری تلاوت کند، تقاضای مخاطب نیز بالا رفته و انتظار صدای بلندتری را از قاری دارد. زیبایی‌های تلاوت قرآن با صدای بلند قاری از بین می‌رود و در این صورت شنوندگان از زیبایی‌ها و معانی قرآن محروم شده و تنها به صدا توجه می‌کنند. این در حالی است که قاریان مصری به این دلیل که تنها به صدای بلند اکتفا نکرده و زیبایی‌های قرآن را نیز برای شنوندگان به تصویر می‌کشند، می‌توانند تا یک یا دو ساعت نیز تلاوت قرآن داشته باشند و در نهایت خسته نشوند.

کامل قرآنی است و وقفی که بر آن می‌شود، وقف کافی است؛ چون از نظر معنی با آیه بعد از آن ارتباط دارد.

حال اگر این آیه را بدین صورت بخوانیم: **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ كَفَرُوا وَرَزَقُوا مِنَ الْغَنِيِّ** آنان یکسان است!

برای آنان چه چیزی یکسان است؟ و یا بدین صورت **«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ»** چه معنایی خواهد داشت؟

یا در آیه ۲ سوره مسد **«تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ»** معنای تحت‌اللفظی این آیه این است: بریده باد دو دست آبی لهب (که عموی پیامبر (ص) و از سران کفار و مشرکین قریش بود) اگر در این آیه بر کلمه **«تَبَّتْ يَدَا أَبِي»** وقف کنیم، معنی آیه بدین صورت تغییر می‌یابد «بریده باد دو دست پدرم».

شنیع ترین وقف

در آیه ۵ سوره ماعون نیز می‌خوانیم: **«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»** یعنی: پس وای بر نمازگزاران. این وقف در حقیقت از وقف مجاز نیست؛ زیرا به آیه بعد از آن ارتباط مستقیم دارد که در صورت وقف بر آن به معنای مقصود آیه لطمه می‌زند مگر آن که آن را به آیه بعدی وصل کنیم؛ **«الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»** (ماعون ۶) و با وجود این به جهت پایان آیه وقف را بر آن اجازه داده‌اند. مثال‌های فراوانی در قرآن است که قاری حتماً باید متوجه آنان باشد.

از همه وقف‌ها شنیع‌تر و زشت‌تر وقفی است که آن را وقف اقیح (زشت‌ترین وقف‌ها) خوانده‌اند، وقفی که بر اثر آن خدش‌های بر نام‌های ذات الهی سبحانه و تعالی وارد سازد؛ مانند ایستادن بر: **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»** بدون گفتن **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»**، یعنی خدائی نیست یا: **«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»** یعنی او خدائی است که خدا نیست! و بسیاری از این موارد را که می‌توان در قرآن کریم به وفور یافت.

درس گفته‌ها

به عنوان رئیس اتحادیه قاریان و غیره را نپذیرفت، همواره محور و مرجع قاریان بود و حتی یکی دو مخالف هم از قاریان طبقه دو داشت. گروه دیگری از قاریان و حافظان قرآن که در علوم قرآنی علامه هستند و به جهت نداشتن یک صدای دلپذیر مورد استقبال مردم نیستند، به استخدام وزارت اوقاف مصر در آمده تا در مقارئ حاضر شوند؛ یک بخش از قرآن را در برابر شیخ مقرأه از حفظ بخوانند. این مقارئ هفته‌ای یک بار در مساجد برپا می‌شوند و هر کدام از قاریان ماهیانه حدوداً ۷ دلار حقوق در یافت می‌کنند و بقیه مخارج زندگی خود را متأسفانه به سختی به دست می‌آورند.

جهت فراگیری سریع قرآن آموزان در جلسات درس می‌توان به کار برد و نتیجه بهینه گرفت. مسائل و تجربیات دیگری با ممارست بیشتر در این زمینه برای هر استادی به دست خواهد آمد.

نیم‌نگاهی به مصری‌ها

اماد مصر چه کار می‌کنند؟ قاریانی که در مصر تحت نظارت وزارت اوقاف مدیریت می‌شوند، دارای یک سازمان متشکل نیستند، ضمن این که گاهی با یکدیگر اختلافات شدید نیز دارند.

در عصر طلایی تلاوت، مرحوم مصطفی اسماعیل با اینکه هیچ بستنی



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

استاد محمدتقی مروت بیان کرد

تلاوت صحیح؛

اولین قربانی بساط مقامات

زنده یاد استاد محمدتقی مروت، در گفت و گوی اختصاصی با خبرگزاری ایکننا نظرات خود را درباره برخی مسائل روز قرائت قرآن از جمله بایسته‌های شأن، رفتار و منزلت قاری و نیز حدود و مرز استفاده از نغمات قرآنی بیان کردند.

● جناب استاد مروت، چیستی تقوای در

تلاوت را بیان بفرمایید.

قرآن خود همه تقوی است. نخست سوره بقره، پس از «الم» خداوند بزرگ قرآن را هادی «متقین» معرفی می‌کند؛ «هدی للمتقین» که «و من أصدق من الله حدیثا؛ چه کسی از خدا صادق‌تر است؟» در قرآن مجید، کلمات مشتقه از تقوا از ۲۳۵ مورد تجاوز می‌کند که این امر، بهترین نشانه برای عموم مردم به‌ویژه قاریان و تالیان کلام پاک خداست تا آن را همواره مد نظر داشته و بدان عمل کنند.

برخی از تلاوت‌کنندگان قرآن، دروغ می‌گویند، غیبت می‌کنند، تهمت می‌زنند، درباره یکدیگر تجسس می‌کنند و بسیاری از منہیات و افعالی که



محترم و ارجمند شده و در نظر دشمنان دین، قرآن را بی اعتبار سازد. این نوع قاریان در وهله اول، سبب سرشکستگی خود شده و سپس از شأن قاریان دیگر می کاهند. قاری قرآن نباید به خود چه با جهت و چه بی جهت مغرور باشد. روزی در منزل مرحوم استاد مصطفی اسماعیل بودم و مرحوم استاد عبدالباسط محمد عبدالصمد وارد شد به مجرد ورود خم شد و دست مصطفی اسماعیل را بوسید و مصطفی اسماعیل هم او را در آغوش گرفت و صورتش را بوسید. این گونه باید اخلاقی و رفتار قاریان قرآن با یکدیگر باشد.

● **حد و مرز استفاده از نغمات قرآن چیست؟**
 درباره حوزه مقامات و نغمات قرآنی باید بگوییم؛ اولاً چه در مقوله مقامات و چه در مبحث وقف و ابتداء، قاری باید با زبان عربی آشنایی کافی داشته باشد تا بتواند معنی، مفاد و مفهوم آیاتی را که تلاوت می کند بداند تا براساس آن نغمه مناسبی را که هم خوانی با معانی آیات داشته باشد در تلاوت خود به کار برد. حال اگر یک قاری زبان عربی را نمی داند، باید معانی آیاتی را که قصد خواندنشان را دارد، از قبل مرور کند و به هنگام تلاوت، براساس معانی آنان مقام مناسبی را به کار برد.

اولین قربانی بساط مقامات

برخی می گویند که برای هر آیه ای باید یک مقام مشخص را به کار برد. این حرف صحیح نیست؛ زیرا هر یک از مقامات به تنهایی دارای شعب و شاخه های متعددی هستند که پاسخ گوی معانی آیاتی که خوانده می شوند، هستند. متأسفانه بساط مقامات و نفس طولانی (ناشی از نفس دزدی)، قربانی بس عزیز؛ یعنی تلاوت صحیح قرآن را گرفته، که جمعا دربرگیرنده ترتیل آن؛ یعنی «حفظ الوقوف و أداء الحروف» می باشد. ترتیل قرآن، سنت خداوند تبارک و تعالی است که در قرآن مجید فرموده: «كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» (فرقان/۳۳). همچنین سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (مزمّل/۵) «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً» که ما همگی مُلَزَم به اطاعت و تبعیت از آنان هستیم.

اغلب گفته می شود که یک مبتدی باید مرتب به تلاوت یکی از قاریان مورد علاقه خود گوش کند تا بتواند مانند وی بخواند، ولی معتقدم که یک مبتدی در هر موقعیتی که دارد باید تلاوت همه قاریان بزرگ عصر طلائی تلاوت قرآن را استماع کند تا شیوه تلاوت آنان در ذهن او رسوخ کرده و

اهل بیت گرامی اش (ع) پیروی می کند، باید نحوه تلاوت آنان را در ذهن خود تصویر کرده و از آنان تقلید کند، نه اینکه با چیغ و فریاد و شکلک بازی، سعی در جلب نظر مستمعین داشته باشد.

خاطره ای از تواضع اساتید مصری

خداوند استاد مصطفی اسماعیل را رحمت کند؛ وی به هنگام تلاوت، سر را به سوی آسمان برمی داشت و به افق می نگرست و به هنگام سکوت، سر را به پایین می انداخت و توجهی به حضار نداشت. شأن قاری باید براساس حفظ و صیانت شأن کلام خدا باشد؛ همان طور که در پاسخ قبلی گفته شد کاری نکند که (خدای ناخواسته) موجب سرشکستگی دیگر قاریان

در قرآن کریم نکوهش شده، انجام می دهند؛ این خود تفسیر حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است که فرمود: «رَبِّ تَالٍ لِلْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ»؛ یعنی، چه بسا کسانی که قرآن را تلاوت می کنند، اما قرآن آنان را (به جهت سرپیچی از اوامر الهی) لعنت می کند.

● استاد به نظر شما بایسته های شأن، رفتار و منزلت قاری چیست؟

قاری قرآن، همواره باید در نظر داشته باشد که بنابر احادیث صحیح، خداوند متعال در هنگام تلاوت با وی سخن می گوید؛ به همین جهت باید احترام حضور در برابر خالق خود را مراعات کند و به عنوان کسی که از سنت پیامبر اکرم (ص) و

پس از چندی متوجه خواهد شد که خود شیوه تلاوت مخصوص به خود را یافته است.

دو خاطره

در سفری که چند سال پیش به تهران داشتم، شورای عالی قرآن یک روز از من دعوت کرد تا درباره تلاوت چند جوان نظر دهم. اولین جوانی که شروع به تلاوت کرد، دیدم که ایشان کاملاً از مرحله پرت است و قرآن را بدون توجه به احکام تجوید و ترتیل می‌خواند. از ایشان پرسیدم این چه نحوه قرآن خواندن است و چرا از احکام تجوید پیروی نمی‌کنند؟ در پاسخ گفت: «اگر من با تجوید بخوانم دیگر نمی‌توانم از شحات انور تقلید کنم.» در جواب گفتم: «چرا از قواعد تجوید شحات انور پیروی نمی‌کنید؟» گفت: «استادم این طور به من توصیه کرده!»

یک مورد دیگر نیز در سال ۱۳۷۷ بود که دو هفته مرخصی داشتم و تصمیم گرفتم سفری به مالزی داشته باشم. شیخ‌القرآن مالزی، حسن ازهری برای دیدار من به هتل آمد و پیشنهاد کرد اگر مایل باشم دو برنامه تلاوت ۱۵ دقیقه‌ای در رادیو مالزی ضبط کنم که بپذیرم. در فاصله بین راه (شاید برای امتحان که آیا هنوز می‌توانم بخوانم یا نه) از من درخواست کرد که چند آیه تلاوت کنم.

به مجرد خواندن اولین آیه گفت: این قرار بیات است و هرچه جلوتر می‌رفتم، مقاماتی را که در تلاوت من اجرا می‌کردم برمی‌شمرد؛ این صبا است، این حجاز است، این نهاوند است، این رست است الی آخر. من تا آن روز حتی نام این مقامات را نمی‌دانستم ولی متأسفانه برخی از قاریان این روزها به جای معطوف داشتن توجه خود به تجوید و مفاهیم قرآن، اغلب خود را به سلاح مقامات و نفس طولانی که غالباً در حالت وصل، فعل قبیح نفس‌گیری را انجام می‌دهند، مجهز کرده تا هرچه بیشتر، بلند و طولانی تر بخوانند تا توسط مستمعین غافل خود، تشویق شوند و «الله الله» بگیرند.

جریان قاریان منحرف

در کلام رسول اکرم (ص)

امام صادق (ع) و ائمه طاهریین (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) از قول رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کنند که فرمود: «قرؤوا القرآن بلحون العرب و أصواتها، و إیاکم و لحون أهل الکتابین و أهل الفسق و الکبائر، فإنه سیجیء قوم من بعدی یرجعون بالقرآن ترجیع الغناء و الرهبانیه و النوح، لا یجاوز حناجرهم، مفتونة قلوبهم و قلوب الذین یعجبهم شأنهم»؛ یعنی قرآن را با نواهای

عرب و آهنگ‌های آنان بخوانید و بر حذر باشید از نواهای اهل کتاب (یهود و نصاری) و پرهیز کنید از نواهای هرزه‌گان و بی‌بند و باران و کسانی که مرتکب گناهان کبیره می‌شوند و پس از من گروهی خواهند آمد که قرآن را در (گلوئی) خود (مانند چهچه زدن در آواز) می‌پیچانند و آن را به شیوه تارکان دنیا و مرثیه خوانان می‌خوانند. تلاوت اینان از حنجره‌هاشان تجاوز نکند (یعنی به قلب‌شان نرسد). قلب این گونه از قاریان و قلب آنانی که بدین اشخاص دل‌بستگی پیدامی‌کنند از راه راست منحرف است. در حدیث دیگری جمله «أولئک هم الغافلون» در آخر آن آمده که برای شناخت این گروه بهتر است به آیه ۱۷۹ سوره اعراف رجوع شود.

از سوی دیگر یکی از ملزومات تلاوت قرآن مجید، همانطور که در حدیث بالا آمده باید با نواهای عربی باشد، نه کمتر و نه بیشتر. در زمان رسول خدا (ص) این همه مقامات و شاخ و برگ‌ها که به قول یک متخصص این فن به ۱۲۰ شاخه متفرع می‌شود، وجود نداشته و برداشت من از این حدیث، رساندن معانی و مفاهیم قرآن مجید به وسیله آواهای خوشایند و صداهای آهنگین آن زمان برای جلب توجه مسلمانان به تلاوت قرآن مجید بوده است.

رشد قاریان پس از انقلاب اسلامی

نیک‌بختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، و رهبر عظیم الشأن انقلاب (مد ظله العالی) دیگر بساط خوانندگی‌های آنچنانی که توسط مردها و زن‌ها در مراکز فساد اجراء می‌شد، برچیده شد و مردان خوش‌صدا به جای آن صدای‌شان را برای تلاوت قرآن به خدمت گرفتند. مردانی که به مراتب دارای اصواتی زیباتر از آن خوانندگان قدیمی هستند. آیا تصور نمی‌شود که برخی از این خوش‌صدایان در صورت به فرجام نرسیدن انقلاب اسلامی «لا قدر الله» به جرگه خوانندگان لاله‌زاری می‌پیوستند؟ به یاد دارم که در دبستان ما دانش‌آموزی بود که صدای خوش و دل‌نشینی داشت و در مراسم صبح‌گاهی آیاتی از قرآن مجید را تلاوت می‌کرد.

چندی بعد دیدیم که سرو و کله این آقا از کبابه‌های خیابان لاله‌زار، مرکز فساد زمان طاغوت درآمد و در آن کبابه‌ها آواز می‌خواند. نمونه بهتری که همه با وی آشنا هستیم، کسی است که پس از چند بار توبه کردن سرانجام نتوانست در برابر افسون خوانندگی مقاومت کند، تلاوت قرآن را

رها کرد و به خوانندگی بازگشت. یکی از جوانان که من به نحوه تلاوتش به خاطر سوءاستفاده و افراط در اجرای مقامات اعتراض کرده بودم، در غیابم به دیگران گفته بود که فلانی (یعنی من) دیگر پیر شده و نمی‌تواند با مقامات بخواند.

جابجایی از پنج مقام در یک نفس

من در شورای عالی قرآن فرصتی یافتم و از یکی از رفقا خواستم که از من بخواهد چند آیه قرآن بخوانم. در بخشی از تلاوت من از سوره بلد با یک نفس که ۴۵ ثانیه طول کشید، ۵ آیه کوتاه را با ۵ مقام بدون وقفه عوض کردم که همگی از تعجب به پا خواستند. این مقامات عبارت بودند از حجاز، نهاوند، رست، چهارگاه و سه‌گاه.

دیدگاه شما درباره بدعت‌هایی که اخیراً

در زمینه تلاوت قرآن شاهد هستیم چیست؟ در این زمینه چه آسیب‌هایی جامعه جوان قاری کشور را تهدید می‌کند؟ در پاسخ به بدعت در تلاوت قرآن باید به آیه ۴۳ سوره فصلت اشاره کنم «لَا یَأْتِیهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ؛ هیچ باطلی از پیش رو و پشت آن (قرآن) نباشد، بلکه نازل شده‌ای از سوی (خداوند) حکیم و ستوده است». این آیه شریفه نشانه آن است که آنچه میان دو جلد قرآن از آیات نازل موجود است، فقط قرآن است و هر چیز دیگری بجز آن قرآن نیست و برابر آیه بالا باطل است.

بدعت‌هایی که حیرت‌انگیز است

مسئله بدعت در قرآن مجید، تاریخی بس طولانی دارد که می‌توان آن را از زمان تسلط بنی امیه بر جهان اسلام برشمرد. گویند که بسمله (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) به فرمان معاویه از نمازهای یومیه حذف شد که این سنت سیئه تا زمان ما در میان مسلمانان تندرو از اهل سنت باقی مانده است. حتی در تلاوت معمولی قرآن نیز بسمله‌ها را حذف کرده و به جز بسمله آیه ۳۱ سوره نمل «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از ۱۴ بسمله، فقط این بسمله را ابقاء کرده‌اند.

گروهی از قراء سبعة و عشره که در زمان اموی‌ها می‌زیست‌اند نیز بدعت‌های خود را با افزودن الفاظ و عباراتی مانند: «لا اله الا الله و الله اکبر و الله الحمد» و بعضی از اذکار دیگر در آغاز سوره‌ها اضافه می‌کردند که این سنت سیئه هنوز هم در میان قاریان جهان کم‌وبیش پابرجاست.

در باب قرائت‌های مختلف، صرف نظر از

اصول نحوی، در کلمات قرآن مجید بدعت‌هایی گذاشته‌اند که حیرت‌آور است.

بازگشت از اختلاف قرائات با مطالعه عمیق

خود بنده بر اثر مطالعات اولیه و توجه به تلاوت قاریان مصری این پدیده را پذیرفته و نخستین کسی بودم که قرآن را با قرائت‌های مختلف می‌خواندم. ولی پس از مطالعات بسیاری دریافتم که خداوند تبارک و تعالی فقط یک قرآن نازل کرده و همه باید ملزم به تلاوت آن به یک شیوه که به قول صاحب «حرز الامانی و وجه التهنانی» امام شاطبی، روایت امام حفص است را توصیه کرده و می‌گوید: «وَحَفْصٌ وَبِالْإِثْقَانِ كَانَ مُفَضَّلًا»؛ یعنی حفص در صحت تلاوت قرآن بهترین بود.

متأسفانه در حال حاضر بسیاری از قاریان ایرانی به‌ویژه جوانان از قاریان مصری تقلید می‌کنند و حتی حروف را به تقلید و تبعیت از آنان تغییر می‌دهند که عملی حرام است. حتی رسانه‌های مانیز تلاوت جوانان کم‌سن و سال را که به قرائات مختلف از قاریان مصری تقلید می‌کنند، روی آنتن می‌برند که این امر ابداع درست نیست؛ زیرا دشمنان از ما خرده‌گیری کرده و می‌گویند فراگیری قرائات مختلفه بین ۱۰ تا ۲۰ سال وقت می‌برد و چگونه یک‌بچه ۱۰، ۱۲ ساله قرائت مختلف می‌خواند.

جریان شکل‌گیری اولین جمع خوانی

قرآن می‌فرماید «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛ پس هنگامی که قرآن می‌خوانی پناه ببر به خدا از شیطان رانده شده «نحل/۹۹» در این جا صیغه مفرد به کار رفته و الا اگر به صیغه جمع بود می‌فرمود: «فَإِذَا قَرَأْتُمْ الْقُرْآنَ».

در حقیقت، جمع خوانی از ابتکارات خود بنده بود؛ زیرا در یکی از جلسات روز جمعه که پس از نماز ظهر و عصر شروع و تا اذان مغرب ادامه داشت حدوداً بیش از ۳۰۰ تن از تهران و نیز شهرستان یزد و اصفهان شرکت می‌کردند. هر یک از آنان انتظار داشتند که چند آیه از قرآن را تلاوت کنند ولی وقت به همه اجازه این کار را نمی‌داد، لاعلاج در آغاز جلسه، خود بنده ۱۵ تا ۲۰ دقیقه قرآن می‌خواندم و سپس چند تن از قاریان خوب قرآن می‌خواندند و پس از آن یک درس تجوید را به طور مفصل برای آنان شرح می‌دادم و پس از آن همگی دست‌جمعی قرآن را می‌خواندیم که من آیه و عبارتی را از قرآن می‌خواندم و دیگران که قرآن نخوانده بودند، پس از من همان آیات را با شیوه من تقلید و تکرار می‌کردند و این خود باب جمع خوانی قرآن را در تهران به وجود آورد.



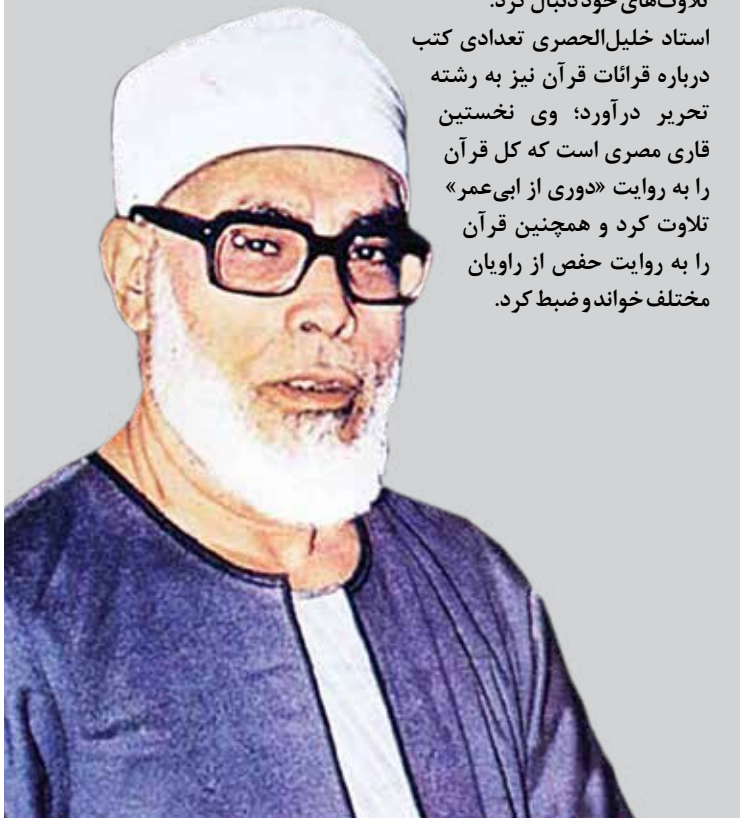
یادگیری تلفظ «ض»

استاد خلیل الحصری با استاد مصطفی اسماعیل رابطه نزدیک و خیلی صمیمی داشت و همراه با وی به «معهد القرائات الاحمدی» مصر واقع در شهر طنطا می‌رفت. استاد خلیل الحصری در سال ۱۳۵۰ ه. ش به همراه استاد محمد الفحام، شیخ الازهر و دو تن دیگر از اعضای دانشگاه الازهر به ایران آمد و در مسجد الجواد (ع) واقع در میدان هفت تیر پیوره «شوری» را تلاوت کرد؛ وی با تلاوت آیه ۲۳ سوره شوری «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» در واقع عشق و ارادت خود به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) را نمایان کرد.

استاد خلیل الحصری، قاری رسمی مسجد امام حسین (ع) قاهره بود و در زمینه تجوید نیز فردی علامه بود و به تجوید تعصب و ویژه‌ای داشت و زیاد در قید و بند مقامات تلاوت قرآن نبود. آن سالی که استاد حصری به ایران آمد، من نزد ایشان در هتل محل اقامتشان در خیابان حافظ رفتم و اجازه تلاوت قرآن خواستم، استاد نیز اجازه دادند؛ در جریان این تلاوت استاد مرا در تلفظ صحیح حرف «ضاد» باری کرد و راه آن را به من آموختند.

به عقیده من، استاد حصری در تلاوت‌های خود همان تفسیری که پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) از کلمه تر تیل بیان فرمودند، ارائه داد؛ رسول اکرم (ص) فرمودند: «التر تیل حفظ الوقوف وأداء الحروف» و امیرالمؤمنین (ع) نیز فرمودند: «التر تیل حفظ الوقوف و تجوید الحروف»؛ استاد نیز به طور دقیق رعایت این دو گفتار را در تلاوت‌های خود دنبال کرد.

استاد خلیل الحصری تعدادی کتب درباره قرائات قرآن نیز به رشته تحریر درآورد؛ وی نخستین قاری مصری است که کل قرآن را به روایت «دوری از ابی عمر» تلاوت کرد و همچنین قرآن را به روایت حفص از رویان مختلف خواند و ضبط کرد.



نخست: نقش زیر که نشانگر تمامی سامانه گویایی بصورت کلی و مجمل است. به موقعیت بخش‌های سامانه کاملاً توجه کرده و آن‌ها را بخوبی بخاطر بسپارید:

اندام‌شناسی سامانه گویایی

تصویر بعدی، شرح مقطعی اندام‌شناسی سامانه گویایی است که بخش‌های گوناگون آن را با تفصیل بیشتر نشان می‌دهد.

شناسایی کامل اعضاء گوناگون این سامانه و به یاد سپردن تمامی آن‌ها برای دانشجویان تجوید قرآن از ضروریات حتمی است، زیرا ادای صحیح حروف، ارتباط کاملی با شناخت این اعضاء دارد.

هم‌انطور که می‌بینیم، نخستین بخش، نای و یا لوله هوا است. وظیفه نای، صرف نظر از انجام دم و بازدم، عبور دادن هوا از شش‌ها و رساندن آن به نقاط مختلف سامانه گویایی است. به هنگام تلفظ حروف، تماس و اصطکاک هوا با نقاط مختلف تلفظ، حرف‌ها را تولید می‌کند. در تجوید نقاط تلفظ حروف را «مخارج حروف» می‌خوانند که مفرد آن «مخرج» است.

همانطور که در شکل نخست، مشاهده شد، محوطه نسبتاً کوچکی بنام منطقه تولید صدا که همان حنجره و یا جعبه صدا است، وجود دارد که در داخل «سیب آدم» (برجستگی زیر گلو) تعبیه شده و در داخل آن «آوالایه‌ها» (که به تارهای صوتی معروفند) قرار دارند. «سیب آدم» را در عربی «گردوی حلقوم» می‌خوانند. این بخش کوچک (جعبه صدا) مهم‌ترین عضو دستگاه تلفظ است و بیشترین نقش را در ایجاد نوع صداها از زیر و بم برعهده دارد. «آوالایه‌ها» بجز صدای زیر و بم، هیچ‌گونه تنظیم و کنترل دیگری در تعیین نوع صدای حروف ندارد. صدای تولید شده در حنجره توسط «آوالایه‌ها» پس از ورود به منطقه شکل‌گیری صدا، ساخته و پرداخته شده و بنابر مقتضای نیاز حرف، اداره و مهار می‌شود. بدیهی است هر حرفی دارای شخصیت، ماهیت و صفات ویژه خود است که تأمین آنان برعهده منطقه «شکل‌گیری صدا» است.

اینک قبل از شرح سایر بخش‌های سامانه گویایی، لازم است بیشتر به شناخت جعبه صدا بویژه «آوالایه‌ها» بپردازیم.

آوالایه‌ها یا تارهای صوتی

همان‌طور که در تصویر نخست مشاهده می‌شود، اندام تنفسی از ریه‌ها شروع و به مجرای بینی می‌شود، لب‌ها خاتمه می‌یابد و دیگر بخش‌های دستگاه

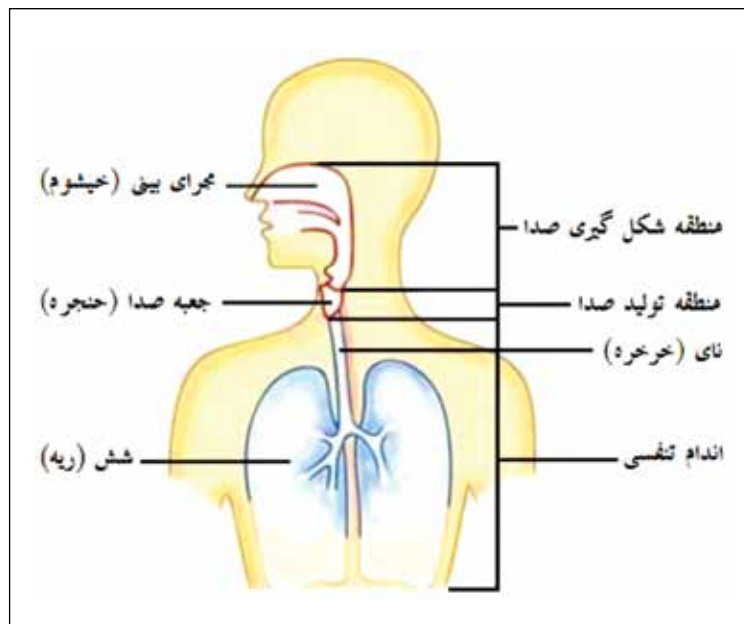
تورقی بر کتاب استاد مروت

شرح سامانه گویایی

سامانه گویایی یا دستگاه تلفظ وسیله‌ای است که از آن برای نطق حروف و کلمات در سخن گفتن و تلاوت قرآن کریم بهره می‌بریم؛ لذا برای به تلفظ آوردن صحیح حروف تجوید، دانشجویان قرآنی باید بخش‌های مختلف سامانه گویایی خود را دقیقاً بشناسند. این موارد بخشی از یکی از کتاب‌های استاد مروت است که هنوز چاپ نشده.

در این درس، موضوع ما اصوات مُسْتَعْمَل است که از آنان در تلاوت قرآن به کار می‌بریم و شاید احياناً به مناسباتی بحث اصوات مُهْمَل نیز به میان آید. در این درس چندین تصویر از بخش‌های گوناگون سامانه گویایی برای بهتر فهمیدن آنان آورده شده است.

اصوات تولید شده توسط سامانه گویایی بر دو نوع است: ۱- اصوات مُهْمَل ۲- اصوات مُسْتَعْمَل. هر صدایی که بی‌معنا باشد؛ مانند سرفه کردن، خمیازه کشیدن و خروپف کردن که معنایی ندارد، مُهْمَل گویند و اصوات دیگری که انسان برای هدف و مقصود معینی از سامانه گویایی خود صادر می‌کند، مُسْتَعْمَل گویند.



ویژه‌نامه

بزرگداشت
استاد مروت

بسیاری از پرندگان کوچک که دارای لایه‌های صوتی نیستند، صدا را از منقار خود صادر می‌کنند.

حافظ شیرازی می‌فرماید:

«بلبل از فیض گل آموخت سخن ور نه نبود/ این همه قول و غزل تعبیه در منقارش»

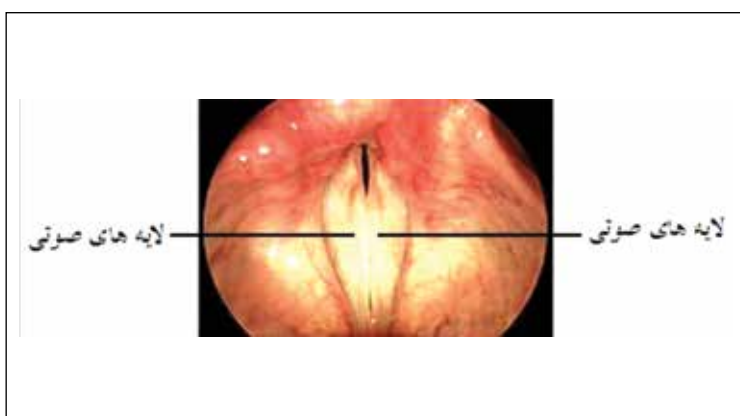
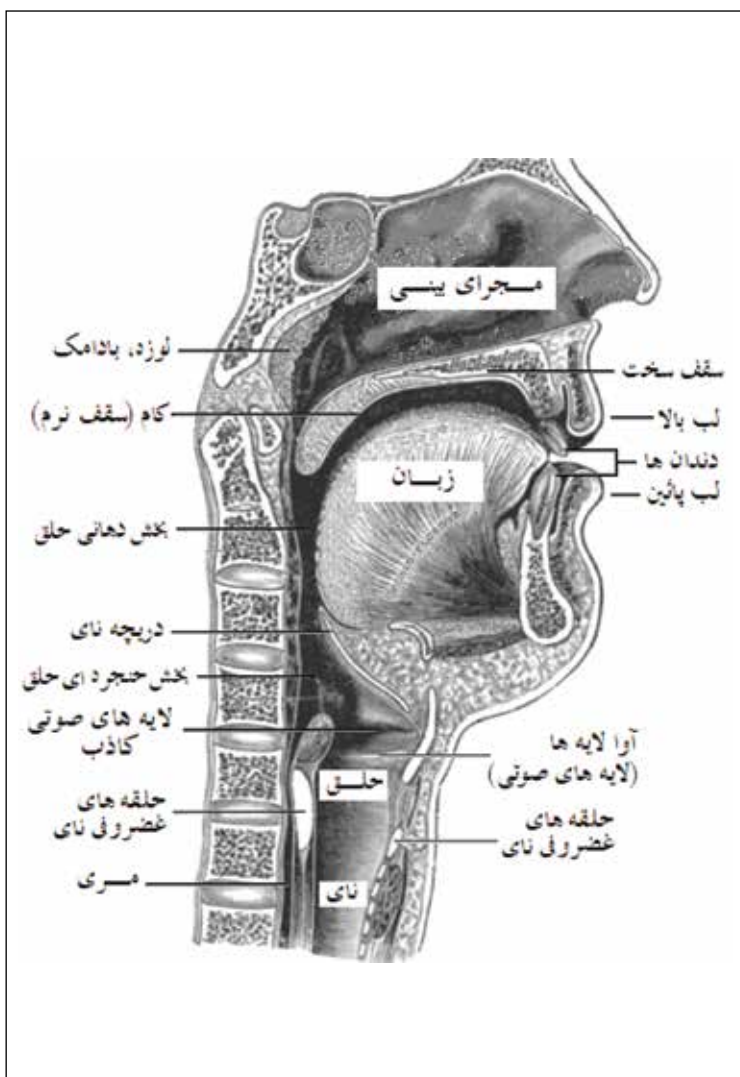
لایه‌های صوتی از غضروفی نرم و بسیار لغزنده با رنگ سفید مرواریدی که از قابلیت انعطاف‌پذیری بسیاری برخوردار هستند، خلق شده‌اند. نحوه عملکرد لایه‌های صوتی مانند پرچم‌های کاغذی کوچکی که در معرض باد شدید قرار بگیرند، است که با وزش باد به اهتزاز درآمده و این اهتزاز سبب تولید صدا می‌شود. اغلب آلات موسیقی بویژه بادی هم براساس همین فرایند عمل می‌کنند.

آوالایه‌ها حقا از بدیعیات آفرینش خالق متعال است. آنان برای محفوظ بودن از هر گونه صدمه در داخل سیب آدم یا سیب گلو که بر آمدگی حنجره در جلوی گلو مانند سپری تعبیه شده‌اند، قرار دارند. سیب آدم که به زبان انگلیسی به همین اسم «apple s'Adam» و در زبان عربی به «جوز الحلقوم» معروف است، از غضروفی سخت خلق شده که در میان گلو برجستگی آن قابل لمس بوده و بیشتر در آقایان با چشم دیده می‌شود. حجم سیب آدم عموماً در افراد مختلف یکسان نیست به همین نسبت، کسانی که سیب آدم آنان دارای حجم بیشتری است، دارای صدائی بم‌تر از دیگران هستند و بالعکس. وظیفه سیب آدم این است که از لایه‌های صوتی مانند سپری در برابر هر گونه صدمات خارجی محافظت کند.

اندازه لایه‌های صوتی در افراد مختلف است. طول لایه‌های صوتی آقایان عموماً به‌طور متوسط بین ۱۷/۵ تا ۲۵ میلی‌متر و در بانوان بین ۱۲/۵ تا ۱۷/۵ میلی‌متر است و همین اختلاف در اندازه لایه‌های صوتی سبب بم‌تر بودن صدای آقایان نسبت به صدای بانوان است؛ بنابر این، هر قدر لایه‌های صوتی طولانی‌تر باشد، صدا نیز بم‌تر و برعکس هر قدر طول آنان کم‌تر باشد، صدا زیرتر خواهد بود.

در سازه‌های زهی هم هر قدر طول وترها طولانی‌تر باشد صدای آن بم‌تر و هر قدر طول وترها کوتاه‌تر باشد، صدا زیرتر خواهد بود.

و نیز وقتی کودکی به سن بلوغ می‌رسد، یک برجستگی در جلوی گلوئی او رشد می‌کند تا لایه‌های صوتی طولانی‌شده را در خود بهتر



قرار دارند، می‌رساند. لایه‌های صوتی در ایجاد صدا و تلفظ تعداد بسیاری از حروف در انسان‌ها نقشی اساسی را بر عهده دارند.

بسیاری از پستانداران نیز برای تولید صدا از لایه‌های صوتی خود بهره می‌گیرند، ولی

تلفظ؛ مانند زبان، دندان‌ها و غیره در این محدوده قرار دارند.

وظیفه ریه‌ها تأمین هوا برای ایجاد صدا است. لوله دم‌زنی یا نای، هوا را به لایه‌های صوتی که در منتهی‌الیه بالای نای در داخل منطقه تولید صدا

جای دهد و به همین سبب صدای او هم تدریجاً بَم شده و به اصطلاح مردانه می شود. این تصاویر که حقیقی است، حالت های گوناگون لایه های صوتی را نشان می دهند:

آوایه ها در حالت ایجاد صدا

لایه های صوتی در حالت ایجاد صدا به یکدیگر نزدیک تر می شوند و به تناسب زیر و بم بودن صدا، فاصله آنان متغیر است. هر قدر صدا زیر تر باشد فاصله آنان به یکدیگر نزدیک تر و هر قدر صدا بَم تر باشد، فاصله آنان از یکدیگر دور تر می باشد.

آوایه ها در حالت سکون و تنفس

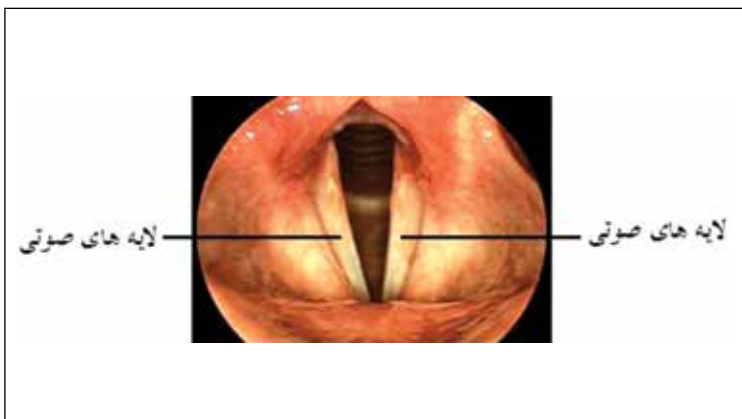
لایه های صوتی به هنگام تلفظ ۱۸ حرف سالم و به عبارتی ۲۰ حرف «سالم» با صفت «جَهْر» و ۳ حرف «مَدّی» فعال بوده و دارای ارتعاش و اهترزاز می باشند و به هنگام تلفظ ۱۰ حرف «هَمْس» غیر فعال و آرامند.

از دیگر اعضای دستگاه تلفظ، لایه های دیگری شبیه به لایه هایی هستند که به آنها لایه های «صوتی کاذب» می گویند. این لایه ها کمی بالاتر از لایه های صوتی حقیقی قرار دارند، ولی در تولید صدا هیچ گونه عملی انجام نمی دهند ولی در تلفظ بعضی از حروف مؤثرند.

در تصویر، مقطعی مشاهده شد که پس از جعبه صدا، مدخل سرخنای (مری) واقع است. مدخل سرخنای نیز در تلفظ برخی حروف نقش دارد که در باب مخارج حروف به آنها اشاره خواهد شد. حلق و یا گلو از وسعت قابل توجهی برخوردار است که در ۲ بخش با دیگر اعضای سامانه گویایی مشارکت دارد که عبارتند از بخش حنجره ای و بخش دهانی. مخارج تعدادی از حروف تجوید در این بخش قرار دارند.

دریچه نای که نام علمی آن «إپیگلانیس» است در تولید چند حرف دخالت مستقیم دارد. شکل دریچه نای که جنس آن از غضروفی نسبتاً نرم است، تقریباً مثلثی بیضی مانند شبیه سر قاشق بوده و وظیفه آن مسدود کردن حلق برای جلوگیری از ورود غذا، آب و دیگر مواد خارجی به داخل لوله هوا و شش ها است. لِهات یا زبان کوچک، قطعه گوشتی است مخروطی شکل که در امتداد کام و یا سقف نرم تا آخر دهان ادامه داشته است، لهات در به لفظ آوردن چند حرف سهیم است.

نرم کام؛ یعنی بخش نرم سقف دهان بین لهات و سقف سخت قرار گرفته که مخرج چند



زبان

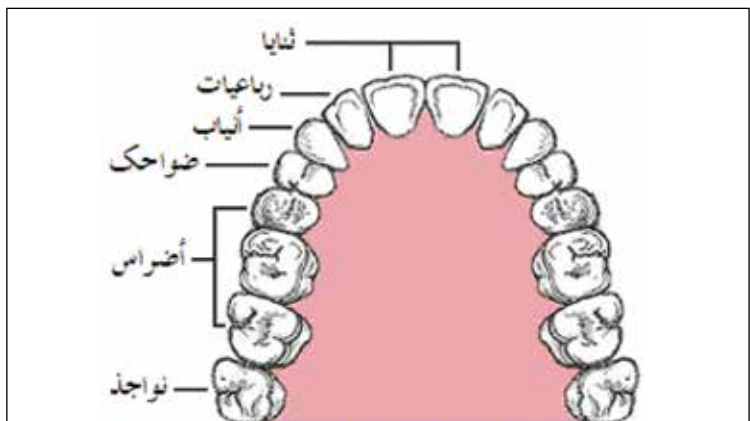
حرف است. بادامک ها یا لوزتین نیز در أداء چند حرف دخالت دارند و در قسمت عقب مجرای بینی قرار گرفته اند. سخت کام که بخش سخت و استخوانی سقف دهان است و تا آرواره و دندان های جلو امتداد دارد، بیش از نیمی از سقف دهان را گرفته و تعدادی از حروف از آن به تلفظ در می آیند. مجرای بینی که در زبان عربی فَتْحَةُ الْأَنْفِ یا مَنْخَرٌ و در اصطلاح تجوید خیشوم نام دارد، در تلفظ برخی حروف و طرز عمل بسیاری از احکام تجوید نقش بارزی دارد و یکی از ارکان پدیدآورنده فصاحت و زیبایی تلاوت قرآن مجید به شمار می رود.

در اهمیت زبان و دخالت آن همین بس که گویش هر ملتی را زبان آن ملت گویند؛ مانند زبان فارسی، زبان عربی، زبان انگلیسی و غیره. خداوند متعال نیز در قرآن مجید چندین بار به زبان اشاره فرموده و کلام مقدس خود را زبان نامیده است. یک نمونه در رابطه با زبان در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه النحل است: «لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ؛ زبانی که با آن الحاد و کفر می ورزند، زبانی یاوه و نامفهوم است»، ولی این «قرآن» زبانی بیانگر و مفهومی است. «زبان» در تلفظ بسیاری از حروف در کنار «آوایه ها» نقش اساسی و حیاتی دارد و به جز بخش زیرین آن که به کف دهان چسبیده، دیگر



ویژه نامه

بزرگداشت استاد مروت



مشکلاتی برای صاحبانشان به وجود می‌آورند که منجر به بیرون آوردن آن‌ها می‌شود. نواجذ در تلفظ حروف تجوید تقریباً دخالتی ندارند.

نواجذ نیز ۴ دندان هستند که پس از دندان‌های أضراس قرار دارند. مجموع دندان‌های أضراس و نواجذ که ۱۶ عدد می‌باشند، «طواحن» که مفرد آن «طاحنه» است، نام نهاده‌اند. اصطلاحات شرح داده شده بیشتر در علم تجوید به کار می‌رود.

احادیث ساختگی و دروغین توسط نابکاران و دشمنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده حاکی از آن است که رسول خدا (صلی

الله علیه و آله و سلم) چنان می‌خندید که حتی دندان‌های نواجذ وی نیز دیده می‌شد. حال تصور کنید رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که بنابر احادیث و روایات متعددی، احیاناً تبسم و لبخند مؤدبانه‌ای بر لبان مبارک داشتند و خداوند متعال که ایشان را در قرآن به کسی که دارای اخلاق عظیم است موصوف کرده، چگونه دهان خود را به هنگام خندیدن باز کند که حتی آخرین دندان‌هایش دیده شوند؟ این کار بدون شک نهایت بی‌دینی و ناجوانمردی در حق برترین مخلوقات خدا محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

آله و سلم) است. حدیثی از جابر بن سمره نقل شده که می‌گوید: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اغلب سکوت اختیار می‌کرد و کمتر می‌خندید.» از جهتی دیگر از شخصی به نام عبدالله بن حارث زبیری نقل شده است که می‌گفت: «خنده رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جز تبسمی باوقار چیز دیگری نبود و اگر می‌خندید بدون صدا و قهقهه بود چنان که دندان‌های نواجذش کاملاً دیده می‌شد.» حتی در جمله اخیر این شخص صحابه و حتی یکی از همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از این قبیل احادیث نقل کرده‌اند که «إِعْلَانُ خُدَاوْنِدِ عَزَّوَجَلَّ فِي اخْتِلَاقِ وَیْ دَرِ الْقُرْآنِ رَا «وَأَنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ» زَبَرَ سَوَّالِ مِی‌بَرِد.»

امید است، دانشجویان تجوید قرآن مجید جزئیات آنچه را که در درس سامانه گویایی گفته شد، به خوبی فرا بگیرند تا فهم تجوید و تلاوتشان آسان‌تر و صحیح‌تر باشد.

(این بخش از کتاب در اواسط سال ۹۴ توسط استاد محمدتقی مروت در اختیار خبرگزاری ایکنا قرار گرفت).

پس از دندان‌های «ثنایا»، دندان‌های «رباعیات» قرار دارند که در اطراف و کنار دندان‌های ثنایا مستقرند. «رباعیات» را می‌توان چهارگانه‌ها یا چهارتایی‌ها ترجمه کرد؛ مانند رباعیات خیام که هر کدام دارای ۴ مصرع هستند. ۲ دندان در فک بالا و ۲ دندان دیگر در فک پایین پس از دندان‌های ثنایا قرار دارند. مفرد رباعیات «رباعیه» است.

پس از «رباعیات» دندان‌های «انیاب» نام دارند که ما به آن‌ها در زبان فارسی دندان نیش می‌گوییم.

دندان‌های «انیاب» نیز ۴ عدد هستند که پس از دندان‌های رباعیات قرار دارند. ۲ دندان در فک بالا و ۲ دندان دیگر در فک پایین مستقر می‌باشند. مفرد انیاب «ناب» است.

دندان‌های پس از انیاب را «ضواحک» می‌نامند. همان‌طور که از نام این دندان‌ها آشکار است، آخرین دندان‌هایی هستند که معمولاً به هنگام خندیدن دیده می‌شوند. دندان‌های «ضواحک» نیز ۴ دندان هستند که پس از دندان‌های انیاب قرار دارند. ۲ دندان در فک بالا و ۲ دندان دیگر در فک پایین. مفرد ضواحک «ضاحک» یا «ضاحکه» است. ضحک یعنی خندیدن.

دندان‌های بعدی «أضراس» نام دارند که ما در زبان فارسی به آنان دندان‌های آسیاب و یا به قولی آسیامی‌گوییم. دندان‌های «أضراس» ۱۲ عددند و پس از ضواحک قرار دارند. ۶ دندان در فک بالا، ۳ دندان در سمت راست و ۳ دندان در سمت چپ. ۶ دندان دیگر به همین ترتیب در فک پایین مستقر هستند. أضراس جمع «ضرس» است.

آخرین دندان‌ها را «نواجذ» می‌خوانند. مفرد نواجذ «ناجذ» است و ما آن را در فارسی دندان عقل می‌نامیم. این دندان‌ها معمولاً در سنین بعد از بلوغ، رشد می‌کنند و در برخی موارد برخلاف سایر دندان‌ها زودتر فاسد می‌شوند و احیاناً

بخش‌های آن در تلفظ حروف دخالت مستقیم دارند؛ بنابر این لازم است مطالعه دقیقی از بخش‌های مختلف آن به عمل آید تا بتوان با شناخت آن‌ها حروف تجوید را به درستی تلفظ کرد. نمایه زیر نشان‌دهنده اعضای مهم زبان در رابطه با تلفظ حروف تجوید است.

سقف دهان

سقف دهان از ۲ بخش نرم و بخش سخت تشکیل شده. بخش نرم که به حلق نزدیک است، سقف نرم و بخش پس از آن که تا پشت دندان‌های جلو ادامه دارد، سقف سخت است. این ۲ سقف تکیه‌گاه بسیاری از حروف هستند که اهمیت آنان در باب مخارج حروف روشن‌تر خواهد شد.

دندان‌ها

«دندان»‌ها نیز از عناصر اصلی به تلفظ آوردن تعدادی از حروف تجوید می‌باشند. همان‌طور که در نمایه زیر مشاهده می‌شود، هر انسان بالغی دارای ۳۲ دندان است که ۱۶ عدد از آن در فک بالا و ۱۶ دندان دیگر در فک پایین قرار دارند. نام چند حرف به جهت تلفظشان با دندان‌ها، نام خود را از دندان‌های مربوط به خود گرفته‌اند و لذا برای دانشجویان تجوید قرآن کریم ضروری است که نام و محل استقرار آن‌ها را به خوبی به ذهن بسپارند تا نحوه تلفظ حروف گوناگون برایشان آسان باشد.

نمایه دندان‌های فک بالا

نخستین دندان‌ها که به مجرد باز شدن دهان دیده می‌شوند و دارای شکلی عریض و در جلوی دهان واقع هستند، «ثنایا» نام دارند. دندان‌های «ثنایا» یا پیشین ۴ عددند که ۲ دندان در فک بالا و ۲ دندان دیگر در فک پایین قرار دارند. مفرد ثنایا «ثنیه» است.

شروط ۱۵ گانه

۱

استاد خود باید کاملاً احکام و قواعد تجوید را مو به مو بداند، به طوری که در دادن پاسخ صحیح به پرسش‌های شاگردانش لحظه‌ای مردد نباشد.

«خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»
بدیهی است هر استادی نحوه تدریس ویژه خود را دارد و نحوه تدریس من نیز مخصوص به خود من است و از این روش تدریس نتایج بسیار ارزنده‌ای نیز به دست آورده‌ام. مهم‌ترین روشی که به نظرم سودمند می‌رسد، اصرارم در فهمیدن احکام تجوید و تلاوت صحیح قرآن است. بدین معنا که در بسیاری از مباحث در ارتباط با مبحث مورد تلاوت، تداخل‌هایی با موضوعات دیگر برای شاداب کردن ذهن قرآن‌آموز و یادآوری وی از درس‌های گذشته صورت می‌گیرد. مثلاً اگر در احکام «ها» ضمیر صحبت می‌شود، بخش‌هایی از مبحث حروف تجوید، ضوابط، احکام مد، رفع التقاء ساکنین و غیره پیش کشیده می‌شود تا ارتباط میان این مباحث با یکدیگر روشن‌تر شود. این روش به دفعات تکرار شده و براساس تجربه چند دهه شخصی، باز آورده‌ای مفیدی به همراه آورده‌است.

۲

به دقت به نحوه آغازین تلاوت شاگرد دقت کرده و احکام تجویدی که وی در شروع به کار می‌برد به خاطر بسپارد و تا پایان تلاوتش سعی کند، ضمن تصحیح غلط‌ها و اشتباهاتش، از خروج شاگرد از اسلوب اولیة‌اش جلوگیری کند. این خود به قرآن‌آموز هم تلاوت صحیح‌تر و فراگرفتن بهتری را سبب می‌شود و هم هنگامی که خود به مرحله استادی رسید، به احتمال زیاد همان روش را در تدریس به کار خواهد برد. این همان روشی بود که تنها استاد مستقیم من مرحوم «میرزا محمد فانی» (رحمة الله علیه) به‌مامی آموخت.

۳

سعی در شناختن بیشترین نقطه ضعف شاگرد کرده و تا پایان تلاوتش در آن مجلس، فقط برای تصحیح آن ضعف با او کار کند تا آن جلسه و اشتباهاتش در خاطرش بماند. اگر وی در تلفظ حروف ضعف داشته باشد، باید تا پایان نوبت تلاوت وی فقط برای تصحیح تلفظ آن حرف کار شود و نیز به او توصیه شود که در هنگام فراغت همان ضعف را تمرین کرده تا در جلسه بعدی ضعف وی برطرف شود. چه بسا شاگرد در همان جلسه مشکل خود را حل کرده‌است.

۸

استاد اصرار داشته باشد که شاگردان بدون استثناء، درس را یادداشت کنند. در جلسات بعدی از همان درس، سؤال‌های متعددی شود. اگر شاگردی به دلیلی با خود قلم و دفتر نیاورده باشد، حق خواندن قرآن را نخواهد داشت. استفاده از وسائل ضبط صدا را با کراهت بپذیرد، چون فرا گرفتن چیزی بانوشتن بسیار مفیدتر است.

۹

گاهی اوقات (به بهانه خستگی) از یکی از شاگردان بهترش بخواهد تا به جای او جلسه را اداره کند و بر کار او نظارت داشته باشد تا نحوه پیشرفت و روش تدریس او را بداند و اگر نکاتی از کار او نیاز به تذکر داشته باشد، بعداً و در غیاب سایر شاگردان او را توجیه کند. این روش با شاگردان پیشرفته دیگری نیز صورت می‌گیرد و استاد آنان را برای رقابت در برابر یکدیگر قرار دهد تا با تلاش لازم برای بهترسازی کار خود، در رقابت با یکدیگر کوشش کنند.

۱۰

استاد باید هر چند ماهی یک‌بار مسابقه برای شاگردان ترتیب داده و آن‌ها را در دردهای مختلف آزمایش کند و از پدران آنان بخواهد برای تشویقشان جوایزی به آنان بدهند.

۱۱

استاد باید همواره شاگردان خود را تشویق به داشتن وضو و ادب و احترام در برابر قرآن و نیز دیگر شاگردان نموده و این که احترام کلام خداوند را همواره، مد نظر داشته باشند. بنا به فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) زمانی که ما قرآن را تلاوت می‌کنیم (خداوند) ما را مخاطب خود قرار داده و شایسته است، همان‌گونه که در نماز رعایت احترام او واجب است، در تلاوت قرآن نیز مؤدب باشند.

ه معلم و تدریس قرآن

۷

استاد مرتباً شاگردان راحتی در بین تلاوتشان متوقف کرده و به بهانه‌هایی از احکام تجوید که در تلاوتش به کار برده‌اند، سؤال کند تا بدانند او تا چه اندازه با احکام آشنا است. در صورت پاسخ صحیح یک پاداش شفاهی دریافت کرده و در غیر این صورت آن احکام را بار دیگر برای او و دیگران شرح دهد.

۶

گاهی دو تن از شاگردان را در برابر هم قرار داده و از آن‌ها بخواهد که غلط‌های یکدیگر را تصحیح کنند و بدین وسیله درمی‌یابد که تا چه اندازه آمادگی تدریس تجوید قرآن را به دست آورده‌اند. هدف همواره این باشد که معلم تجوید قرآن تربیت شود نه یک قاری. هر کسی می‌تواند با شنیدن تلاوت اساتید بزرگ به احتمال قوی یک قاری خوب بشود (مانند شرایط فعلی) ولی در عین حال امکان این هست که در مراحل حساسی به مشکلاتی بزرگ برخورد کند.

۵

برای درک پیشرفت یک شاگرد، مثلاً در رابطه با صفات حروف که دارای عدد معینی هستند، مغلطه کرده و مثلاً بپرسد: کدام یک از شما می‌تواندش حرف قلقله را بشمارد! (حروف قلقله پنج حرف هستند) در جواب، گروهی از آنان اعتراض و تأکید می‌کنند که حروف قلقله پنج حرف هستند و گروهی دیگر که حکم را نمی‌دانند نیز آن حکم را فرامی‌گیرند.

۴

برای ارزشیابی شاگردان، معلم چند آیه از قرآن را بخواند و در آن‌ها چند غلط عمدی مرتکب شود تا بدانند که آیا آنان متوجه این غلط‌ها می‌شوند یا نه! ناگفته نماند که قبلاً این روش را به شاگردانش اطلاع دهد و به آنان بگوید هر کجا از وی غلطی یافتند، بدون هیچ ملاحظه، بلافاصله آن غلط را به او گوشزد کنند. بدین ترتیب ذهن شاگردان برای یافتن غلط تقویت می‌شود.

۱۵

استاد برای بهره‌گیری هر چه بیشتر دانش تجوید قرآن، از قرآن آموزان بخواهد تا از بحث پیرامون موسیقی قرآنی، مقامات، الحان و غیره که شایسته محیط فراگیری تلاوت صحیح قرآن نیست، بپرهیزند و تمام تمرکز خود را صرف آموختن تجوید و معانی قرآن کنند. استاد باید مواظب نفس کشیدن شاگردانش در اثناء تلاوت قرآن باشد و آنان را از این عمل ناشایست بازدارد؛ زیرا نفس کشیدن به هنگام تلاوت قرآن که به نفس‌دزدی معروف است، مطلقاً حرام است.

۱۴

برای اینکه جلسات از محیطی کاملاً جدی که برای برخی از قرآن آموزان کسل‌کننده است، خارج شود، احیاناً لطیفه‌ای بسیار مؤدبانه که شایسته جلسات قرآن باشد، نقل کرده تا ذهن آنان شاداب شود.

۱۳

از سی سال پیش پس از تحقیقات بسیار عمیق بدین حقیقت دست یافتیم که قرائات مختلفه پنداشت نامفهوم، دغل کارانه و فریب‌انگیز است و به دلایلی آنان را به کلی مردود دانسته و شاگردان خود را ملزم به پیروی کامل فقط از روایت حفص بن سلیمان کوفی کرده و از قرائات و روایات دیگر جدا پرهیز کنند. اگر مایل به ادامه روش قرائات مختلف هستند، بروند و در جایی دیگر آن را انجام دهند. ناگفته نماند که من خود اولین کسی بودم که قرائات مختلفه را نفهمیده می‌خواندم.

۱۲

استاد به هنگام تدریس از شاگردان بخواهد که از صحبت و ایجاد همهمه پرهیز کنند و گفتن «الله الله» را به جهت دقت بیشتر و جلوگیری از خروج محیط درس، متوقف کنند و در صورت تمایل در مکان دیگری «احسن احسن» گفتن را انجام دهند.



البلاد رغم إغترابه وحياته لثلاثة عقود في كندا وقد زار إيران قبل ٧ سنوات حيث عمت بركات تواجده في البلاد شريحة الأساتذة والطلبة القرآنيين في البلد. وقد المجتمع القرآني في إيران الإسلامية أستاذاً كبيراً ومعلماً شقيقاً ومدرساً قادراً ومجداً وفرداً مفيداً ولكن أراد الله عز وجل ان يجعل يوم وفاة هذا الأستاذ في يوم عاشوراء كي يكون هذا اليوم العظيم يذكّرنا دائماً بوفاة أحد خدام القرآن والطلاب الخالص للحسين (ع). وقد عبر عن أمله في آخر حديث له مع وكالة الأنباء القرآنية الدولية (إكنا) وقيل معاناته من المرض في أن يسافر الى إيران وأن يقضى ما تبقى من عمره في وطنه ولكن شاء القدر ان يعود جسده فقط الى إيران ليدفن في ثراها.

ولمزيد من التعرف عليه قد بعث بسيرته الذاتية الى وكالة «إكنا» قبل أشهر من وفاته التي جاء فيها كالتالي:

« بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على رَحْمَةِ اللَّهِ للعالمين وخاتم رسله سيدنا و مولانا محمد بن عبد الله وعلى عترته أهل بيته الأئمة الطيبين الطاهرين المعصومين ورضي الله تعالى عن صحابته الأوفياء المؤمنین الشاكرين الذين «اهتدوا بهديهم وزادهم الله هدىً وأيماناً».

أنا محمد تقى مروت المولود يوم ٢٢ من شهر ١٢ العام ١٣٢٣ للهجرة الشمسية في حي «حسن أباد» بمنطقة «سنكلج» في العاصمة طهران.

وقد تعرفت على القرآن وتلاوته منذ طفولتي بفضل من الله عز وجل وبمساعدة والدي ومن خلال مشاركتي في جلسات تفسير القرآن للمرحوم آية الله «محمد تقى أملي» التي كانت تقام في جامع «مجد الدولة» الكائن بدوار حسن أباد ومنذ ذلك الوقت أضاء نور القرآن نفسي وعمري.

وكن في التاسعة من العمر عندما جلست للمرة الأولى في حياتي خلف المصحف لأتلو آيات منه في جلسة قرآنية أقيمت في بيت خالي فكان المشرف على تلك الجلسة القرآنية شخص يسمى «رضا» وهو وحده كان الخطيب وقارئ القرآن والشارح لأحكام الشريعة في تلك الجلسة.

وقد إختتم رضا جلسته بعد أن حان دوري لأتلو القرآن في تلك الجلسة ما أثارني على البكاء فعندما تساءل الحاضرون عن سبب بكائي قلت لهم انه قد إختتم الجلسة ولم يدعني أتلو القرآن فقدم «رضا» للإعتذار لي وسمح لي بالقراءة حيث كانت المرة الأولى التي أتلو فيها القرآن ولذلك تضمنت أخطاء كثيرة.

وبعد أن شاهد «رضا» رغبتني في تعلم قراءة القرآن قال لي انه ليس لديه أكثر ليرديه على أسئلتى المتكررة ولذلك يريد ان يدلني على الجلسات القرآنية التي كان ينظمها آنذاك المرحوم «ملا محمد باقر فاني».

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): مُعَلِّمُ الْقُرْآنِ يَسْتَعْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى الْحُوتِ فِي الْبَحْرِ. (مستدرک الوسائل، المجلد رقم ١، صفحة ٢٨٨).

تكریم محیی الدور التاریخی للشیعة فی قراءة القرآن

والفقيه أستاذ الأساتذة القرآنيين في إيران «محمد تقى مروت» هو مؤسس القراءة الصحيحة والمبدئية للقرآن الكريم في الجمهورية الإسلامية الإيرانية ويعد أول شيعي وإيراني حائز على المركز الأول في مسابقة ماليزيا الدولية للقرآن الكريم.

وقد فارق الفقيه «محمد تقى مروت» الحياة يوم ١٢ أكتوبر ٢٠١٦ الموافق لـ ١٠ من محرم الحرام ١٤٣٨ هـ. ق. في الـ ٧٢ من العمر بمدينة «تورنتو» الكندية وبالتزامن مع الذكرى السنوية الثانية للفقيه «إبراهيم بورفرزيب (مولايي)» الذي كان الفقيه يعتز بصداقته. وبحسب طلاب وتلامذة الفقيه كم الذين يشكلون شريحة الأساتذة والمدربين للقرآن الكريم بعد وفاته فإن المرحوم محمد تقى مروت قد جعل عمره المبارك في خدمة القرآن وطريق القرآن ونشر تعاليم كتاب الله وتعليم تلاوته منذ نشأته في العهد البهلوي حتى وفاته ولذلك له دور كبير في تعزيز مستوى تلاوة القرآن على مدى نصف قرن من الزمان وبذلك تدين الشريعة

القرآنية في إيران للفقيه.

ولم تنحصر خدمات الفقيه في مجال القرآن الكريم على إيران الإسلامية فحسب إنما كان من دواعي إعتراف بلاده في كندا التي إحتضنته لثلاثة عقود من الزمان حيث كان يشارك في الحلقات القرآنية ويعلم فيها تلاوة القرآن والتجويد باللغتين العربية والإنجليزية. وكان للمرحوم مروت دور فعال على مستوى قنوات التواصل الإجتماعي حيث كان يرد من خلالها على الشبهات التي تروج لها فرقة الضلال أي الوهابية الخبيثة ولذلك كان يثير غضبهم.

ولم يوقف الأستاذ مروت التواصل مع تلامذته وطلابه الذين أصبحوا هم من أكبر الشخصيات القرآنية في

الشيعة

ويژه نامه

بزرگداشت
استاد مروت

وكان الأستاذ فاني رجلاً متقياً وذات وجه نير ويتميز بخبرته في التعليم حيث تعلمت على يده ترتيب القرآن جيداً واعتقدان سر تعليمي للقرآن في فترة قياسية يكمن في ترتيب القرآن بسلاسة ودون تكلف حيث كان يوفر على التركيز على تطبيق قواعد التجويد.

وكنت أخشى قراءة القرآن الكريم تلاوة وعلى سبيل المثال طلب مني تلاوة القرآن لأن كان يعتقد من حولي اني لدى صوت جميل ولكن كان ذلك محرج جداً بالنسبة لي وأتذكر اني عندما قمت بقراءة القرآن للمرة الأولى قرأت عبارة «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» بـ «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» الأمر الذي أثار ضحك الحاضرين. ولا أخفي بأن الأستاذ فاني كان المدرس الوحيد الذي باشر في تعليمي وتعلمت القرآن منه مباشرة ووجهها لوجه.

وكنت أذهب في النهار الى المحل السابق لمكتبة «ملك» في سوق «سلطاني» في طهران للحصول على كتب التجويد والمعجم العربي - الفارسي للبحث عن معني بعض المفردات القرآنية التي لم أكن أعرفها و كنت أبقى هناك حتى الخامسة مساء لقراءة الكتاب لأن كان إخراج الكتب من هناك ممنوعاً.

كنت في الـ ١٢ من العمر عندما قرر عدد من رفاقي في الحي الذي أعيش فيه تنظيم حلقة قرآنية أسبوعية وقاموا باختيار مدرس لهم.

وبالتزامن مع تلك الأيام قرر المرجوم أبي ان نذهب الى زيارة مرقد السيدة معصومة (سلام الله عليها) في قم المقدسة وفي قم قررنا زيارة المرجع الكبير آية الله العظمى «سيد حسين الطباطبائي البروجردى (ره)» وبعد ان بلغنا منزله رأيناه راكباً عربيته ليذهب الى الحوزة العلمية ففقت وانا كنت طفلاً صغيراً فوق العربية التي كان عليها المرجع البروجردى وطلبت منه ان يسمح لي أقرأ له آيات من القرآن الكريم فقرأت له آية الكرسي التي كنت أحفظها جيداً دعا الله لي وقال لي إن شاء الله تصبح قارئاً جيداً وأستاذاً قارئاً في المستقبل القريب.

وفي صيف ١٣٤٦ للهجرة الشمسية (١٩٦٧ للميلاد) كنت في طريق عودتي الى البيت وأنا أناجي ربي و أطلب منه زيارة الإمام الرضا (ع) وان يجعلها من نصيبي رأيت إعلاناً للأوقاف يدعو جميع الراغبين بالمشاركة في مسابقة لتلاوة القرآن فقررت أن أشارك بالمسابقة لتقييم مستوى في التلاوة.

وكان الهدف من تنظيم المسابقة إنتخاب ٣٠ قارئاً لإيفادهم المحافظات الـ ١٥ لقراءة القرآن فيها وبعد فوزي بالمسابقة قرر المنظمون إيفادي الى مشهد المقدسة حيث إستقبلنا أنا وكان برافتي قارئ آخر عدد كبير من القراء والقراءيين في مشهد بحفاوة ورافقونا الى مرقد الإمام الرضا (ع) لزيارة مرقد الشريف وهكذا أمر علينا ١٤ يوماً في مشهد المقدسة وهنا عرفت ان الله سبحانه وتعالى قد إستجاب نجواي كما إنني أصبحت بعد ذلك أسافر الى

مشهد سنوياً لزيارة مرقد الإمام الرضا (ع).

وقد أوفدتني منظمة الأوقاف الإيرانية العام ١٣٤٨ للهجرة الشمسية (١٩٦٩ للميلاد) الى مسابقة ماليزيا الدولية للقرآن الكريم لأمثل بلدي في المسابقة ورغم إنني لم أحصل على مركز بسبب الفجوة بيني وبين مستوى القراء العالميين إذ أني زرت للمرة الأولى إمام القراء المرجوم الشيخ «مصطفى إسماعيل» الذي كان إماماً يقرأ القرآن في صلاة المغرب ولم يعجبني صوت قارئ أبداً بعد أن إستمعت الى صوت إمام القراء.

وفي العام ١٣٥١ للهجرة الشمسية (١٩٧٢ للميلاد) بعد حصولي على المركز الأول في المسابقة الوطنية أوفدت مرة أخرى الى مسابقة ماليزيا الدولية حيث زرت للمرة الأولى المرجوم الشيخ «محمود خليل الحصري» ورئيس لجنة التحكيم الشيخ «فواد العروسي» الذي كان رئيساً للجنة التحكيم في المسابقة حتى مماته ولا أنسى ان المحكمين المصريين غضبوا جداً لحلولي بالمركز الثاني بـ ٩٢ درجة وحل المتسابق الماليزي للمركز الأول بـ ٩٢,٢٥ درجة وهو الحدث الذي تحدث عنه جميع الـ ٥٠ ألف متفرج على المسابقة في إستاد «مريديكا» الماليزية.

وفي العام ١٣٥٢ للهجرة الشمسية (١٩٧٣ للميلاد) أوفدت مرة أخرى الى مسابقة ماليزيا وحصلت فيها على المركز الأول الذي لم يكن للمتسابقين الماليزيين منافس فيه ولكنهم تركوه وحله للمرة الأولى مقرئاً شيعياً.

وبعد عودتي الى الوطن زارني رئيس الإذاعة وضمني اليه بحفاوة وقال انه سوف يأمر بتسجيل تلاوة كامل

المصحف بصوتي لتكريمي بعد حصولي على المركز الأول في مسابقة ماليزيا.

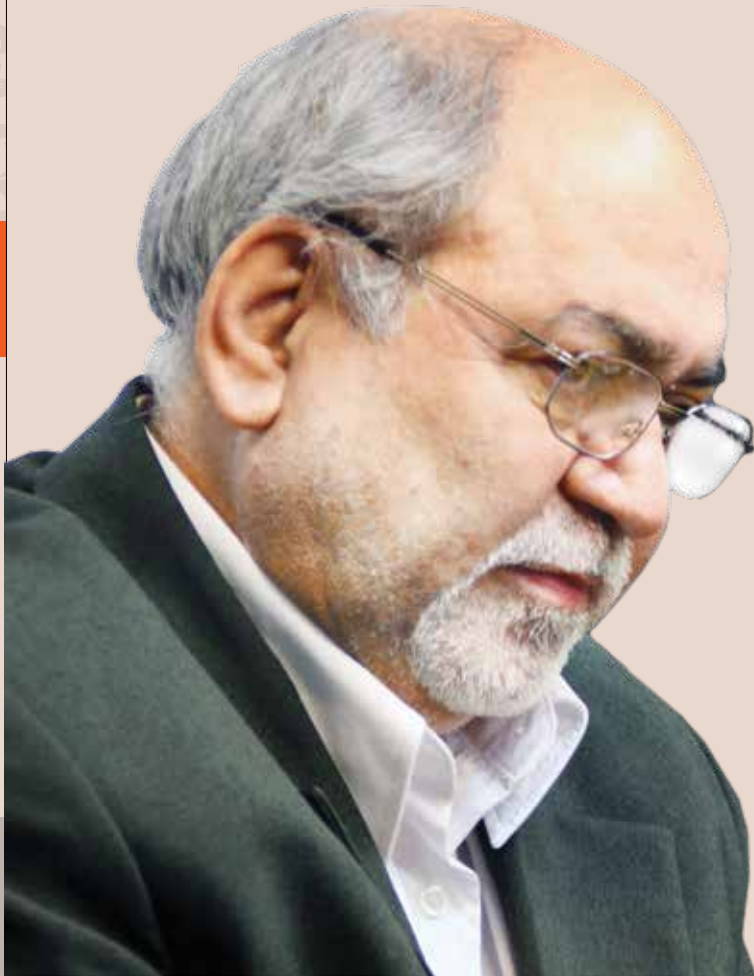
وبعد أن عصفت أحداث مختلفة بحياتي قررت يوم ١١ من شهر فروردين العام ١٣٥٤ للهجرة الشمسية (١٩٧٥ للميلاد) مغادرة إيران الى مصر وكان من الطبيعي أن يتمنى أي مقرئ زيارة أكبر القراء المصريين آنذاك بمن فيهم «مصطفى إسماعيل» و«محمود خليل الحصري» و«محمود علي البناء» و«عبد الباسط محمد عبدالصمد» والحمد لله قد تحققت أميتي

بزيارة تهم ومعاشرتهم لمدة أكثر من خمس سنوات. وقد تعرفت على العديد من القراء الذين كانوا خارج القاهرة من خلال دعوتهم لتسجيل المواد القرآنية والدينية حيث قد سجلت محاضرات لـ مدير مكتب شيخ الأزهر الشيخ «صلاح أبو إسماعيل» و«عبدالحليم محمود» و«نجدي صالح» و«أحمد فرحات».

وفي مشروع تسجيلي للمحاضرات الذي كلفني ١٠ آلاف دولار كان جميع هؤلاء الكبار يختصمون تلاواتهم بعبارة «صدق الله العلي العظيم» وكانوا أيضا يصلون على آل النبي بعد ذكرهم لإسم رسول الله (ص) وكانوا يقولون (عليه السلام) بعد ذكرهم لإسم أي من الأئمة المعصومين (ع).

وقد أعدت ما تبقى من المبلغ المخصص لتسجيل المحاضرات وقدره ١٤٠ ألف دولار الى طهران.

ومن أهم المحاضرين كان المرجوم الشيخ «أحمد الرزقي» من القاهرة الذي كان صديقاً لي والذي تشيع بكامل حريته وبقناعة تامة بعد إعطائي عدد من الكتب له.



excerpts from his autobiography. I, Mohammad Taqi Morovvat, was born on March ۱۹۴۵, ۱۳, in Hassan Abad neighborhood of Tehran's Sangelaj district. Since early childhood, with the grace of God and accompanied by my father, I would attend the Quran interpretation sessions of late Ayatollah Mohammad Taqi Amoli held at Majdodoleh Mosque in Tehran' Hassan Abad neighborhood.

At around the age of ۹, in a session held at my uncle's home, I sat behind a Rahl (a wooden stand for placing the Holy Quran on to keep it open while reciting the Holy Book) for the first time and decided to recite the Quran. The Qari (teacher) in that session was known as Agha Reza. He was not only a Qari, but also an orator and elegist. When it was my turn to recite the Quran, he called it a day and turned to some other activities. I got so sad that I started to cry bitterly. They asked me why and I said he let everyone recite the Quran except me. He apologized and asked me to recite the Quran as much as I wanted. As it was the first time I did it, I had a lot of mistakes in my recitation.

After a few sessions, Agha Reza, who saw my keenness to learn Quran recitation due to my frequent questions, said he no longer has anything to teach me and decided to take me to the Quranic sessions of late Molla Mohammad Baqer Fani (may God bless him). Late Fani was a very pious Quran master and very skillful in teaching the Quran and in a short period of attending the sessions, I learned reading the Quran.

Later, I would go to Malek Library and looked up the meaning of Quranic words in Arabic to Persian dictionaries. I would also read books

on Tajweed principles of Quran recitation.

When I was around ۱۲, a number of my friends in the neighborhood decided to have a weekly Quran recitation session and chose me as the teacher.

In the summer of ۱۹۶۷, I prayed that God give me the opportunity to visit the holy shrine of Imam Reza (AS) in Mashhad. One day, when I was returning home from work, I saw a notice on the wall It was about a Quran competition by the Awqaf Organization, inviting those interested to take part in the contest in Tehran. I had not been able to assess the quality of my recitation so I decided to attend the event to see how much progress I had made.

The competition aimed to select ۳۰ top Qaris to send them to the provinces for two weeks for recitation of the Quran. I was one of those selected and sent to Mashhad along with another Qari. God had answered my prayers and given me the chance to visit Imam Reza's (AS) holy shrine.

In ۱۹۶۹, I was sent to Malaysia by the Awqaf Organization to represent the country in Malaysia's international Quran competition. As I was inexperienced and my level of recitation was not high enough, I did not win any titles. But for the first time I had the chance to hear the beautiful Quran recitation of late Master Sheikh Mustafa Ismail, who led Maghrib prayers at Kuala Lumpur's largest mosque. After listening to Sheikh Mustafa Ismail's recitation, no other Qaris' voice sounded attractive to me.

In ۱۹۷۲, after coming first in national Quran competitions, I was once again sent to Malaysia. That year, I came second scoring ۹۲ points

while the Malaysian Qari who scored ۹۲,۲۵ points won the first title. Some members of the panel of judges, including Egyptian masters Sheikh Mahmoud Khalil al-Hasri and Sheikh Fuad al-Arousi, were not happy with that (introducing the Malaysian representative as the winner with a mere ۰,۲۵ point lead). In ۱۹۷۳ I was once again dispatched to the Malaysia contest and this time round, fortunately, I won the top title and for the first time since the beginning of the competition (in ۱۹۶۱), a non-Malaysian came first and the winner was a Shia Iranian Qari.

After returning home, the director of Iran's radio lauded my achievement and had my recitations of all of the ۳۰ Juzes of the Quran recorded.

Later, following certain events, I decided to leave Iran and on March ۱۹۷۵, ۳۱, I went to Egypt. Naturally, all Quran reciters, including me, wish to meet great Egyptian Qaris like Mustafa Ismail, Abdul Basit Abdus Samad, Sheikh Mahmoud Khalil al-Misri, Sheikh Mahmoud Ali al-Bina and others and, thank God, my wish came true and I would meet and talk with these great figures for over five years.

For those Qaris who lived outside of Cairo, I would invite them for recording their religious speeches and Quran recitation. I recorded ۴۵ half-hour Quran recitations and a number of Tawasheeh and religious speeches by prominent Egyptian orators.

Among the Qaris invited for recording of their recitations was late Sheikh Ahmed al-Raziqi. He lived in Cairo and was a close friend of mine. Master Raziqi embraced Shia Islam with an open mind after reading books I had given him.

Mohammad Taqi Morovvat, Reviver of Shias' Historical Role in Quran Recitation

Late Master Mohammad Taqi Morovvat was the founder of correct and principled method of Quran recitation in the country and the first Iranian winning the top title in Malaysia's international Quran recitation competition.

He passed away in Toronto, Canada, on October ۲۰۱۶, ۱۲, concurrent with Ashura (the tenth day of the lunar Hijri month of Muharram),

at the age of ۷۲. His demise came on the anniversary of the death of another Iranian Quran master, Ebrahim Pourfarzib (Molayi). Master Morovvat was always proud of friendship with him.

All senior veteran Iranian Quran activists acknowledge that since his teenage years, Master Morovvat spent all his life on the path of the Quran and spreading Quran

recitation and its culture. Therefore, he played a major role in elevation of the culture of Quran recitation in the past half a century and the entire Quranic community is indebted to him for that.

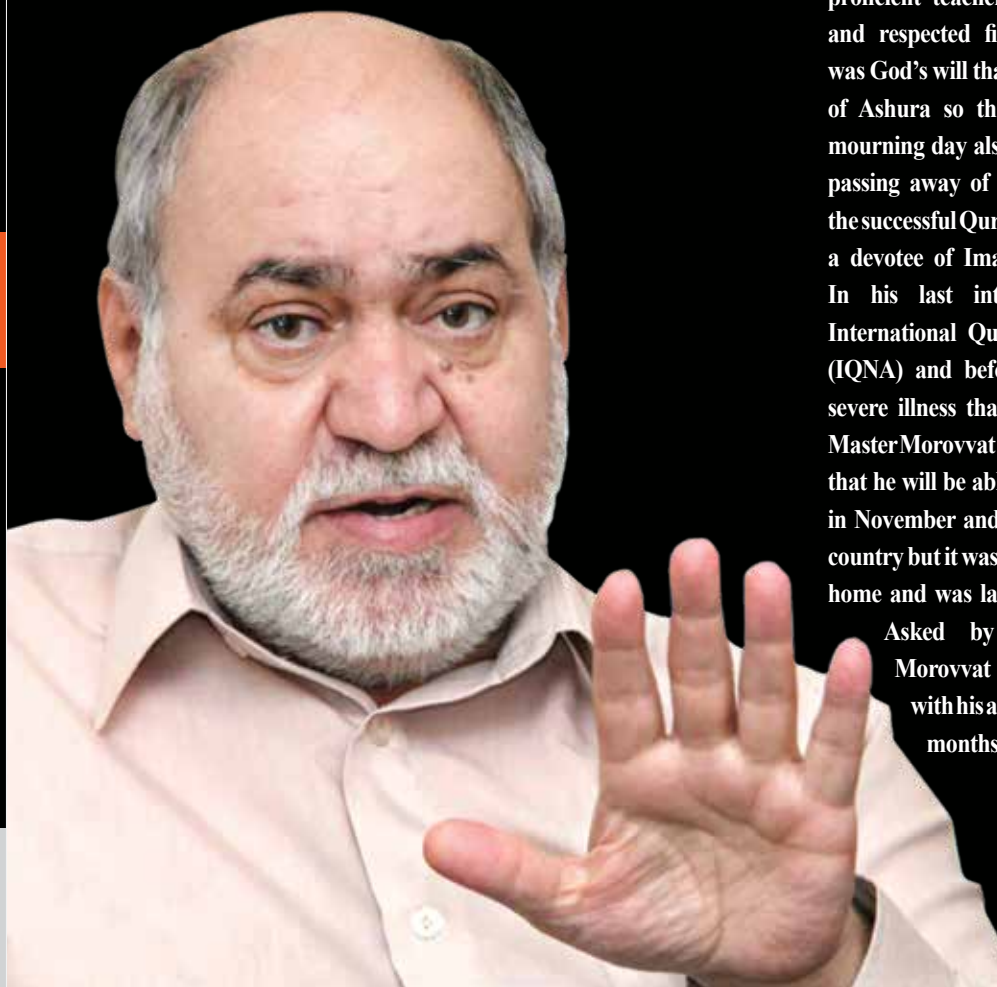
His service to the Quran was not limited to Iran but during the years he lived in Canada, (some three decades), he made the great Iranian nation proud by his Quranic efforts through attending Muslims' Quranic sessions and teaching Quran recitation and Tajweed principles, given his mastery over Arabic and English.

He also had active presence in the cyberspace and quite competently refuted allegations made by Wahhabi elements against Shia Muslims.

Despite being away from Iran, he maintained contact with his students, all of whom are among top Quranic figures of the country.

The Islamic Iran's Quranic community has lost a great Quran master, devoted, industrious and proficient teacher, and a scholarly and respected figure. However, it was God's will that he die on the day of Ashura so that every year the mourning day also remind us of the passing away of Master Morovvat, the successful Quran activist who was a devotee of Imam Hussein (AS). In his last interview with the International Quran News Agency (IQNA) and before the start of a severe illness that led to his death, Master Morovvat had expressed hope that he will be able to return to Iran in November and settle in his home country but it was his body that came home and was laid to rest here.

Asked by IQNA, Master Morovvat had provided us with his autobiography a few months ago. Following is



ایقنا

خبرگزاری بین المللی قرآن (ایقنا)

باشگاه مخاطبان نشریه رایحه خبرگزاری ایقنا

باشگاه مخاطبان رایحه مجالی برای ایجاد ارتباط دو سویه بین ما، خبرنگاران و تهیه کنندگان نشریه و شما مخاطبان همیشگی و پیگیر فعالیت های قرآنی است. شما می توانید از طریق عضویت در این باشگاه، نظرات خود را به ما اعلام کنید، سوژه هایی را که از دید ما پنهان مانده یادآوری کنید، نقدمان کنید، تشویق مان کنید و ما را در جهت اطلاع رسانی قرآنی یاری دهید.

برای آگاهی از منتخب اخبار درج شده در خبرگزاری بین المللی قرآن می توانید به عضویت کانال تلگرام در آیید.

برای مشاهده عکس های منتخب خبرگزاری صفحه اینستاگرام ایقنا را پیگیری کنید. نظرات خود را از طریق ایمیل و یا سامانه پیامکی برای ما ارسال کنید. ما تنها با پشتیبانی مخاطبان خیر خواه است که امید به تأثیر گذاری در جامعه داریم، ما را به دوستان خود معرفی کنید.

شماره تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۴۷۰۲۱۲-۳

نشانی اینترنتی: www.iqna.ir

نشانی کانال تلگرام: [Telegram.me/@iqnanews](https://t.me/iqnanews)

نشانی صفحه اینستاگرام: [Instagram/Iqnanews](https://www.instagram.com/Iqnanews)

نشانی پستی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵

کد پستی: ۱۴۱۷۸۴۴۳۹۱

سازمان فعالیت های قرآنی دانشگاهیان کشور و خبرگزاری بین المللی قرآن (ایقنا)